

فاجعه منا

گزارشی اجمالی از مجموعه آثار

ویرایش سوم

...

محل درج فیپا



فاجعه منا؛ گزارشی اجمالی از مجموعه آثار

به کوشش: ... و همکاران

انتشارات: ...

ذی القعدة ۱۴۴۴ هـ ق

نویت چاپ: اول - خرداد ۱۴۰۲

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه - ۱۴۵ صفحه

قیمت: ۹۶ هزار تومان

ISBN: 978-123-456-789-7

شابک: ۹-۳۲۷-۲۷۰-۶۰۰-۹۷۸

مرکز پخش: قم، ...، ... - تلفن: ۰۲۵۳۳۳۳۳۳۳

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به شهدای عزیز حرم امن الهی
آنان که در طواف عشق
قربانی احرام را جان خویش برکنیدند

فهرست مطالب

پیشگفتار	۹
شرح واقعه	۱۳
معرفی منطقه	۱۳
وضعیت مسیر در روز حادثه	۱۴
چگونگی رویداد	۱۶
بازتاب‌های رسانه‌ای	۱۹
رسانه‌های داخلی	۱۹
رسانه‌های خارجی	۲۰
موضوع‌گیری‌های سیاسی و فرهنگی	۴۱
بیانیه‌ها و پیام‌ها	۴۱
دیدگاه مقامات و کارگزاران نظام	۵۱
واکنش هنرمندان	۵۳
روایت شاهدان	۶۳
خاطرات مکتوب	۶۳
گفتگو با حجّاج	۷۵
شهادی منّا	۱۰۵
دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها	۱۱۵
مصاحبه با کارشناسان	۱۱۵
نوشته‌های تحلیلی	۱۱۶
مکتوبات علمی و هنری	۱۲۵
مقالات علمی و پژوهشی	۱۲۵
پایان‌نامه‌های دانشگاهی	۱۲۶
اشعار و دل‌نوشته‌ها	۱۲۷
گزارش تصویری	۱۳۵
خاتمه	۱۴۳

پیشگفتار

حج از دیرباز اهمیت ویژه‌ای نزد مسلمانان داشته است. هر سال صدها هزار مسلمان مشتاق از گوشه و کنار جهان با سختی‌های فراوان خود را به سرزمین وحی می‌رسانند تا فریضه حج را به جای آورند.

اگر چه برخی از این مشکلات ناشی از بلایای طبیعی بوده است؛ مانند: سیل سال ۳۴۹ هـ ق که بسیاری از حاجیان را غرق کرد، یا توفان سیاه سال ۴۰۲ هـ ق، اما پاره‌ای دیگر به دلیل کاستی‌ها؛ قصورها یا تقصیرها روی می‌داده است. برای مثال: عدم اهتمام به تأمین امنیت حجّاج در سال ۴۰۳ هـ ق فرصتی برای راهزنان پدید آورد که با آلوده ساختن آب‌ها سبب مرگ پانزده هزار نفر شوند. در سال ۴۰۵ هـ ق تنها شش هزار نفر از بیست هزار حاجی زنده از سفر حج باز گشتند. امروزه با پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و رفاهی هنوز هر ساله جمعیت زیادی از حاجیان به دلایل مختلف جان خود را از دست می‌دهند و متأسفانه با نسبت داده شدن این حوادث به قضا و قدر بر کوتاهی‌های صورت پذیرفته سرپوش گذاشته شده و مسئولیت آن‌ها بر عهده گرفته نشده است.

یکی از تأثیربرانگیزترین حادثه‌ها در سال ۱۳۹۴ هـ ش روی داد. بی‌کفایتی دست‌اندرکاران برگزاری مناسک سبب شد هزاران حاجی در مسیری محدود متوقف شده و بر اثر فشار جمعیت و گرمی هوا کشته شوند.

خبر این فاجعه بزرگ که ۴۶۴ نفر از حجّاج ایرانی نیز در آن کشته شدند، بلافاصله به سراسر جهان مخابره شد و موجی از غم و اندوه میان مسلمانان، به ویژه خانواده‌های حجّاج، پدید آورد.

رهبر معظم انقلاب هم در بیانیه‌ای که صادر فرمودند و هم در دیدار با خانواده‌های شهدای این حادثه بر ضرورت تبیین عوامل بروز این حادثه مؤلّمه و عدم فراموشی آن تأکید کردند:

اینکه ما گفتیم حادثه منا فراموش نشود، صرفاً برای از دست دادن عزیزان نیست، حادثه مهم است؛ حادثه از لحاظ سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و دینی، روشنگر است.^۱

بر این اساس، بعثه مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۸ پروژه جمع‌آوری اسناد مرتبط با این واقعه را آغاز کرد، به هدف جلوگیری از تحریف تاریخ و اطلاع ملت‌های مسلمان و غیر مسلمان از آنچه روی داده است.

«مجموعه آثار فاجعه منا» که در ۱۸ مجلد تهیه شده است محصول همین پروژه است؛ آرشیو اسناد یکی از مهمترین رویدادهای حج که می‌تواند ابزاری مهم برای پژوهشگران، هنرمندان و تحلیلگران جهت خلق آثار جدید در ارتباط با این رویداد باشد.

جلد ۱: روزشمار اخبار و بیانیه‌ها و پیام‌ها

جلد ۲ تا ۶: روایت شاهدان عینی

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با خانواده‌های شهدای منا، ۱۷ شهریور ۱۳۹۵

جلد ۷: معرفی شهدا؛ ۴۶۴ شهید حادثه منا
جلد ۸: دیدگاه کارشناسان و تحلیل گران
جلد ۹: یادداشت‌ها، مقالات و گزارشات منتشره
جلد ۱۰ و ۱۱: سخنان مقامات دولتی و غیردولتی
جلد ۱۲: بازتاب فاجعه منا در رسانه‌های غیرایرانی
جلد ۱۳: مقالات پژوهشی و علمی
جلد ۱۴ تا ۱۶: پایان‌نامه‌های دانشگاهی
جلد ۱۷: آثار هنرمندان
جلد ۱۸: گزارش تصویری
کتاب حاضر مشتمل بر گزارش‌هایی تفصیلی از مجلدات مجموعه آثار فاجعه
منا است که جهت تسهیل در دسترسی تهیه شده است.
شایسته است از مساعدت‌های ... که در تدوین و آماده‌سازی این مجموعه
نقش داشتند قدردانی نماییم.
از ... به خاطر عنایت ویژه نسبت به تهیه و نشر این اثر سپاسگزاریم.

مدیر پروژه

شرح واقعه

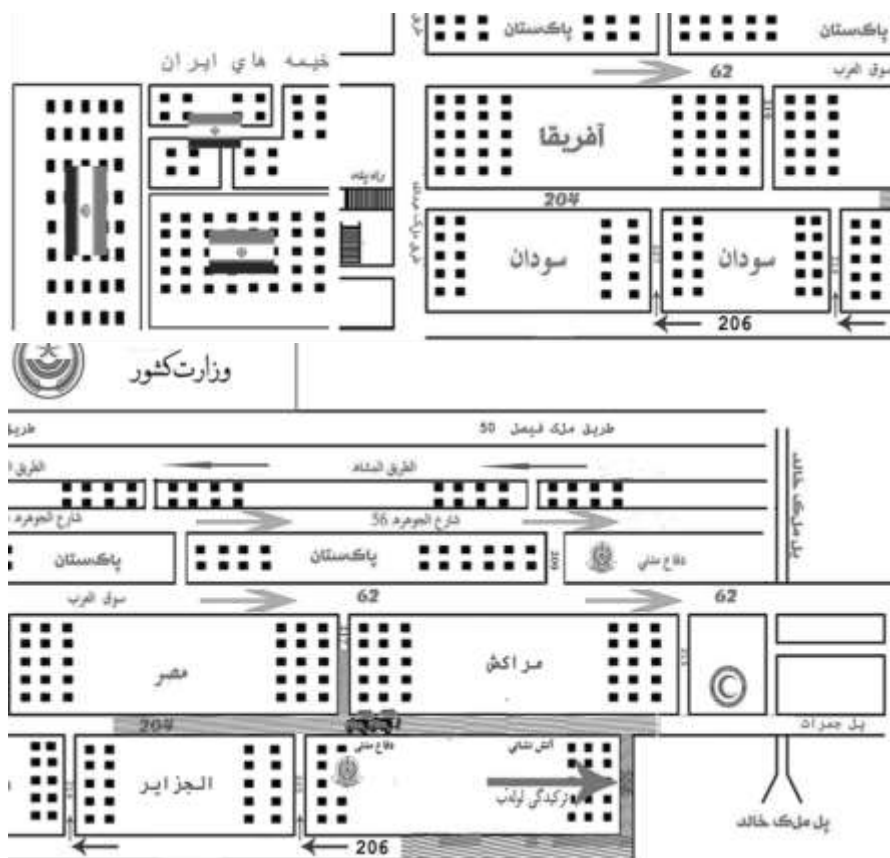
معرفی منطقه

سرزمین منا در دره‌ای بین کوه‌های شرق مکه قرار دارد، با مساحتی حدود هشت کیلومتر مربع که فقط پنج کیلومتر مربع آن قابل استفاده بوده و مابقی آن را کوه‌های صعب العبور به ارتفاع ۵۰۰ متر تشکیل می‌دهند.^۲

فاصله منا تا مسجدالحرام هفت کیلومتر است که البته با استفاده از تونل منا این مسافت کاهش یافته و به چهار کیلومتر تقلیل می‌یابد.

حاجیان می‌بایست پس از وقوف شب دهم ذیحجه در مشعرالحرام، صبح روز عید قربان وارد منا شده، اعمال مربوطه را به انجام رسانند. چادرهای ایرانیان در دورترین منطقه منا واقع شده است و باید از خیابان ۲۰۴ و سوق العرب به سمت جمرات بروند.

۲. دفتر برنامه‌ریزی حوزه نمایندگی ولی‌فقیه در امور حج و زیارت، در جستجوی لاله‌های سپید

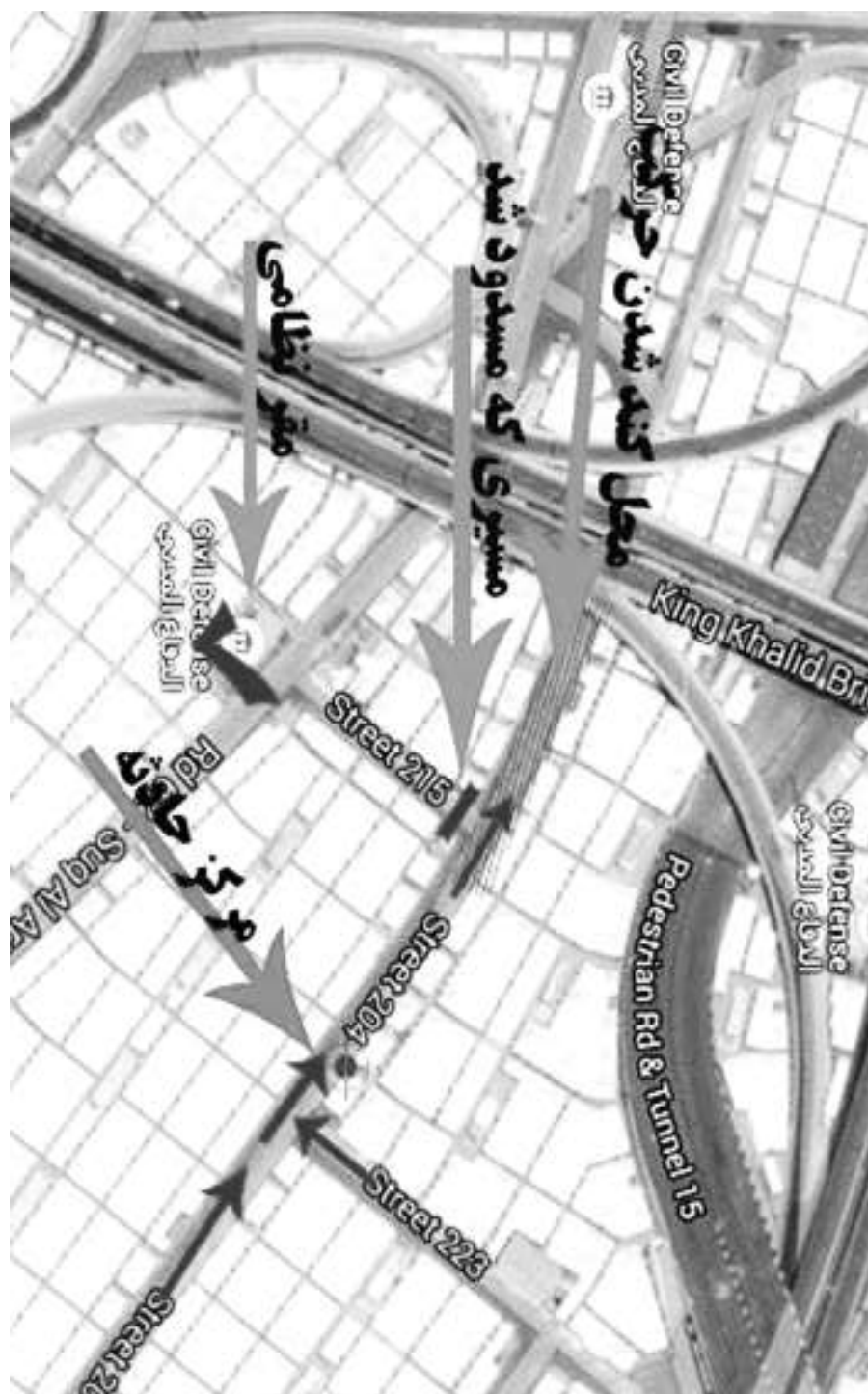


خیابان ۲۰۴ حدود سه کیلومتر امتداد دارد و عرض آن ۱۵ متر است. دو طرف آن چادرهای زائران کشورهای مختلف بوده و با نرده و فنس محصور شده است.

وضعیت مسیر در روز حادثه

پلیس حجّاج ایرانی را مانند هر سال به خیابان ۲۰۴ هدایت کرد. اما بر خلاف سال‌های پیش راه‌های فرعی به سمت خیابان سوق العرب را مسدود کرد تا جمعیت نتواند در صورت افزایش تراکم و فشار به خیابان‌های اطراف انتقال یابد.

از سوی دیگر، انتهای خیابان ۲۰۴ را ماشین‌های پلیس بسته بودند و هر چه جمعیت وارد خیابان می‌شد بر فشار و تراکم می‌افزود.



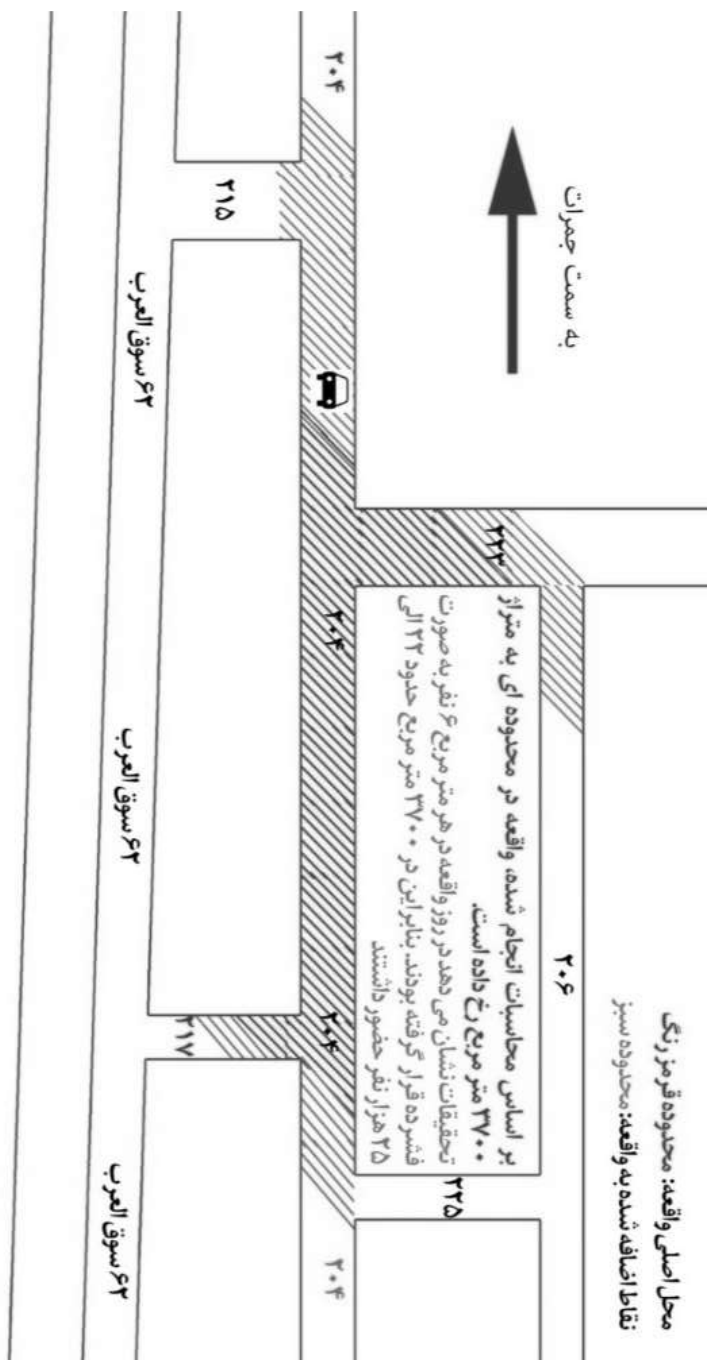
چگونگی رویداد

ساعت هشت صبح روز عید قربان حجاج ایرانی با هدایت پلیس وارد خیابان ۲۰۴ شدند. نیمساعت بعد با ازدحام جمعیت خیابان قفل شد. پنجاه کاروان ایرانی در وسط خیابان گیر افتاده، نه راه عبور داشتند و نه راه بازگشت.

همچنان که حجاج در میان تراکم و فشار، دمای ۴۷ درجه مکه را تحمل می کردند، پلیس جمعیت بیشتری را به خیابان وارد می کرد. نه آب پاشی می کرد و نه فکری برای کنار رفتن خودروهای گارد که خروجی را مسدود کرده بودند، با این که هلیکوپتر پلیس پرواز می کرد و وضعیت منطقه را شاهد بود.

جمعیت حجاج در ساعت نه و نیم در اثر گرما، فشار و تشنگی زیاد بی هوش شده و مانند برگ درخت بر زمین می ریختند. اما در این حالت هم پلیس و نیروهای امدادی نه تنها اقدامی برای نجات جان آنها نکردند که با امنیتی کردن منطقه از ورود پزشکان و امدادگران کشورهای دیگر نیز جلوگیری کردند.

مأمورین امدادی و انتظامی تا ساعت پنج عصر مجروحین و جانبازان را به درون کانتینرها انداخته و از منطقه خارج کردند.



بازتاب‌های رسانه‌ای

از زمان انتشار خبر وقوع «فاجعه منا» شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های داخلی و خارجی به پوشش خبری و انعکاس آن پرداختند. اخبار، گزارش‌ها، گفتگوها، روایت‌ها، مقالات و متون ادبی و حماسی بسیاری درباره ابعاد این رویداد و چگونگی و علل وقوع آن در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی داخلی و خارجی تا مدت‌ها منتشر می‌شد.

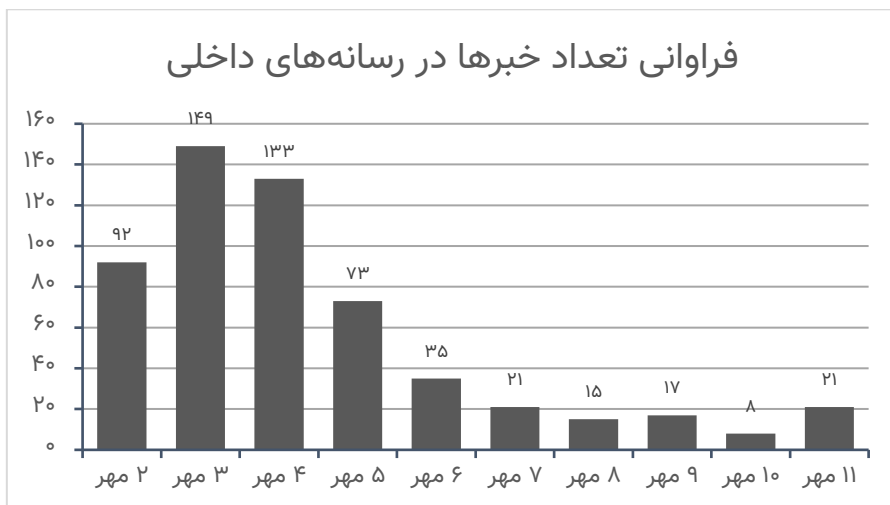
رسانه‌های داخلی

به جهت اهمیت خبرگزاری‌ها توجه ویژه‌ای به این دسته از منابع خبر شده است و در همین زمینه چهار خبرگزاری مهم و اصلی کشور؛ ایرنا، ایسنا، فارس و مهر به عنوان یکی از اهداف پروژه تعریف شدند.

با توجه به اهمیت اخبار و گزارش‌های منتشر شده در ساعات و روزهای اول حادثه برای محققان و پژوهشگران، رصد پوشش خبری ده روز نخست این واقعه مد نظر قرار گرفت.

تعداد خبرهای منتشره مرتبط با این واقعه از ۲ تا ۱۱ مهر ۱۳۹۴ در چهار خبرگزاری مذکور ۵۸۰ عنوان بوده است.

تمامی اخبار منتشره در این بازه زمانی در صفحات ۲۹ تا ۶۵۸ از جلد نخست مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و تمام‌متن درج شده‌اند.

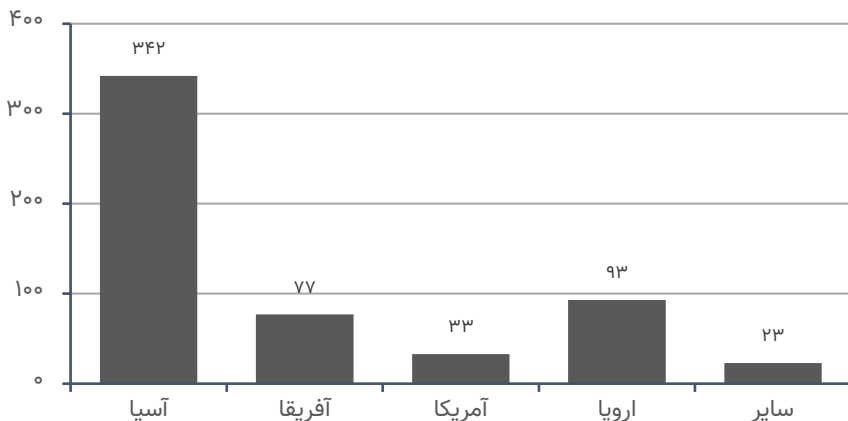


رسانه‌های خارجی

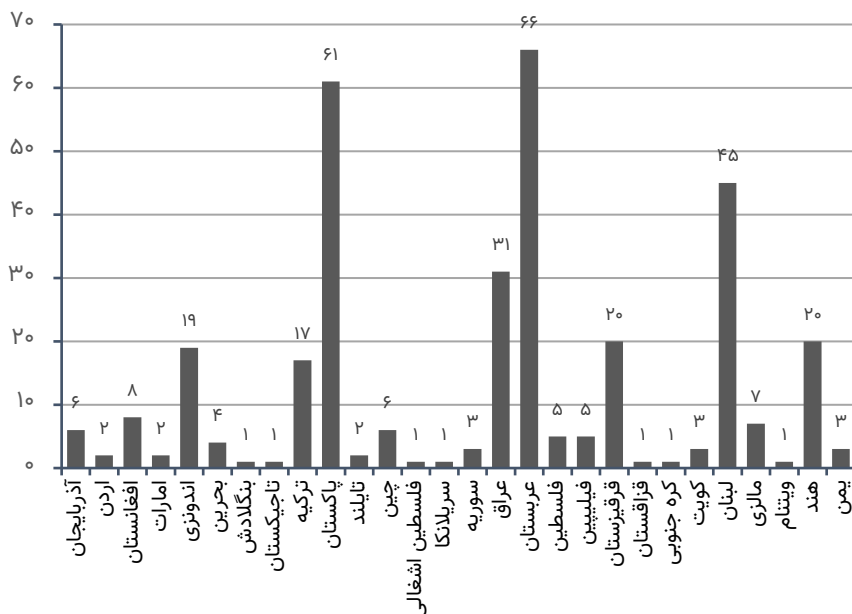
همزمان با وقوع «فاجعه منا» خبر و گزارش آن در اکثر رسانه‌های دنیا منتشر شد. این رسانه‌ها تلاش کردند تا به آخرین اخبار و گزارش‌های این واقعه دست یابند. رسانه‌های داخلی نیز علاوه بر تولید اخبار دست اول از فاجعه و حواشی آن، بازتاب آن در رسانه‌های خارجی را انعکاس دادند.

بازنشر ترجمه‌شده اخبار رسانه‌های خارجی در رسانه‌های ایران تجمیع و در مجموعه آثار فاجعه منا جای داده شده است. این محتواها شامل واکنش مقامات، شخصیت‌ها، نهادهای خارج از کشور و نیز روایت زائران خارجی است که در حادثه حضور داشته‌اند. این اخبار بر اساس کشور طبقه‌بندی شده‌اند.

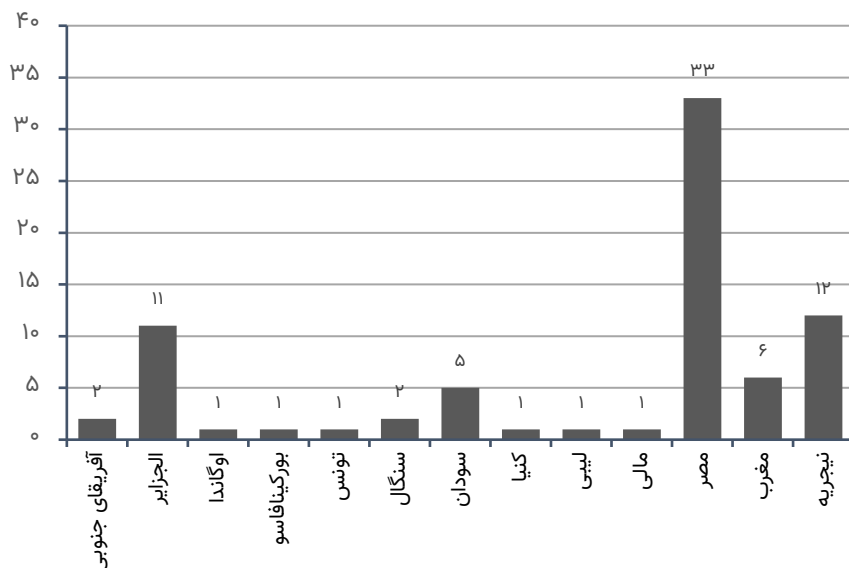
فراوانی تعداد خبرها در رسانه‌های خارجی



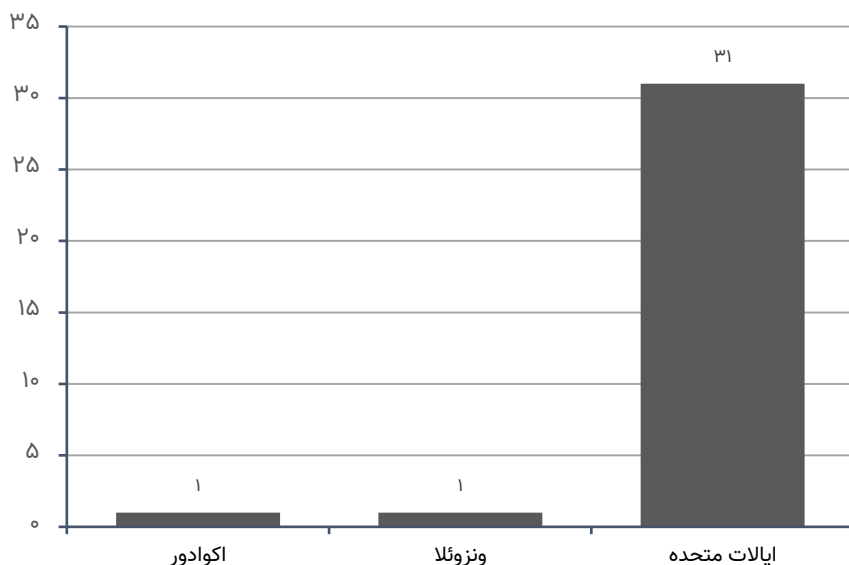
فراوانی تعداد خبرها در رسانه‌های آسیایی



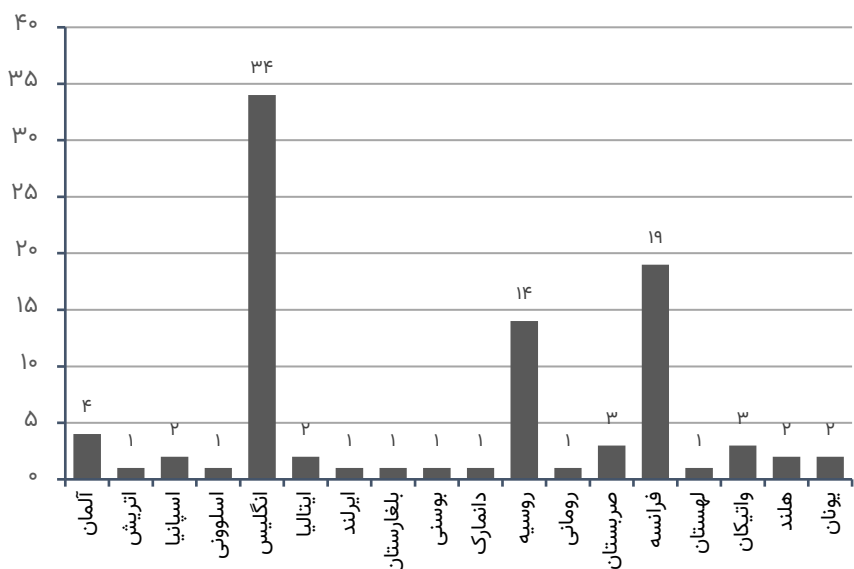
فراوانی تعداد خبرها در رسانه‌های آفریقایی



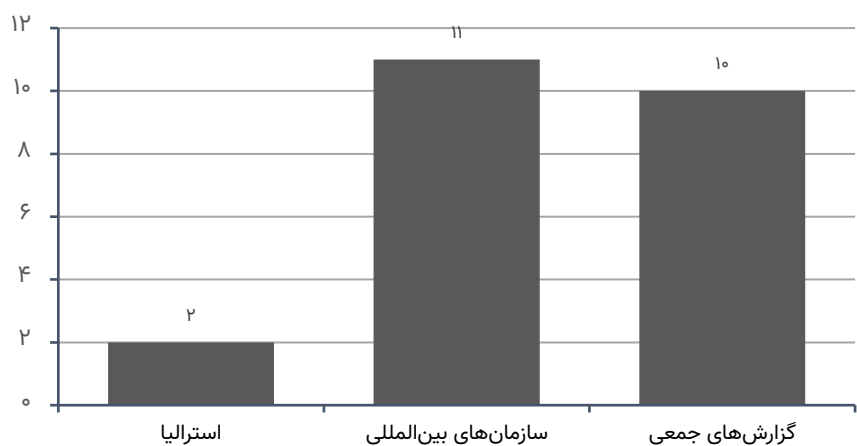
فراوانی تعداد خبرها در رسانه‌های آمریکایی



فراوانی تعداد خبرها در رسانه‌های اروپایی



فراوانی تعداد خبرها در سایر رسانه‌های خارجی



تمامی اخبار خارجی بازنشر شده در رسانه‌های داخلی در صفحات ۴۳ تا ۶۲۶ جلد دوازدهم مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و تمام‌متن درج شده‌اند.

نمونه‌ای از خبرهای ایرنا

۱۲ ایرانی در حادثه رمی جمرات جان باختند

تهران - ایرنا - رئیس مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران مستقر مکه مکرمه آمار اولیه زائران ایرانی کشته شده در حادثه امروز رمی جمرات در مکه مکرمه را ۱۲ نفر و مجروحان شناسایی شده را ۲۴ تن اعلام کرد.

دکتر سیدعلی مرعشی در گفت‌وگو با خبرنگار اجتماعی ایرنا افزود: همه امکانات حج و زیارت و بعثه مقام معظم رهبری برای امدادرسانی هرچه سریع‌تر به زائران مصدوم و شناسایی حادثه‌دیدگان بسیج شده است.

رئیس سازمان حج و زیارت دقایقی پیش در آخرین گزارش خود از کشته‌شدگان رمی جمرات در منا گفت: آمار کشته و زخمی‌های این حادثه رو به افزایش است و آمار دقیقی از زائران کشته شده ایرانی هنوز در دست نیست.

سعید اوحدی اعلام کرد: تاکنون حادثه رمی جمرات بیش از ۱۵۰ کشته و هزار و ۵۰۰ مجروح و مصدوم داشته است.

وی تصریح کرد که در حال حاضر واحدهای امدادی در حال کمک‌رسانی به حادثه‌دیدگان هستند و آمارهای نهایی متعاقباً اعلام خواهد شد.

رئیس سازمان حج و زیارت علت رخداد این فاجعه ناگوار را سوء مدیریت دستگاه امنیتی عربستان عنوان کرد. و گفت مسولان عربستانی با مسدود کردن دو مسیر سبب ازدحام جمعیت و تراکم زائران شدند.

اوحدی گفت: این حادثه در ساعت ۹ صبح امروز در مسیر رمی جمرات رخ داده است.

جمهوری اسلامی ایران در حج امسال بیش از ۶۴ هزار زائر دارد و در مجموع حدود یک میلیون و ۹۰۰ هزار زائر از کشورهای مختلف در مراسم روحانی حج امسال شرکت دارند.

۲ مهر ۱۳۹۴، «ایرنا»، ساعت ۱۲:۵۷

نمونه‌ای از خبرهای ایسنا

تعداد کشته شدگان فاجعه عربستان از ۱۲۰۰ نفر گذشت

رسانه‌های خبری از افزایش تعداد کشته شدگان فاجعه رمی جمرات به ۱۲۰۰ نفر خبر دادند.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، شبکه اسکای نیوز عربی اعلام کرد، به دلیل ازدحام در رمی جمرات در مناسک حج، تاکنون مرگ ۱۲۰۰ زائر تأیید شده است.

مسئولان بیمارستانی عربستان اعلام کردند که زخمی‌های این حادثه به هشت بیمارستان منتقل شده‌اند و تلاش برای شناسایی هویت کشته شدگان و زخمی‌ها ادامه دارد.

در میان کشته شدگان این حادثه متأسفانه تعدادی زائر ایرانی نیز حضور دارند. این چندمین اتفاقی است که طی دو هفته اخیر برای زائران در عربستان اتفاق افتاده که مَهر تأییدی بر ناتوانی مسئولین فعلی در تأمین امنیت جان زائران است. پیش از این سقوط جرثقیل در مسجدالحرام موجب کشته شدن بیش از ۱۱۷ زائر از جمله ۱۱ ایرانی شد.

روز گذشته (چهارشنبه) نیز بیش از ۲۰۰ نفر از حجاج به دلیل خرابی درهای قطار در مکه مکرمه دچار حالت خفگی و بیهوشی شدند.

همچنین حادثه آتش سوزی هتل حجاج در مکه نیز منجر به زخمی شدن تعدادی از آنها و تخلیه ۱۵۰۰ نفر از حاجیان شد.

۲ مهر ۱۳۹۴، «ایسنا»، ساعت ۱۱:۵۵

نمونه‌ای از خبرهای فارس

رئیس سازمان حج و زیارت: تمام کشته‌شدگان ایرانی حادثه رمی جمرات مرد هستند

رئیس سازمان حج و زیارت از افزایش آمار کشته‌شدگان حادثه رمی جمرات به ۳۱۰ نفر خبرداد و گفت: تمام زائران ایرانی کشته شده یا مجروح، مرد هستند. سعید اوحدی در گفت‌وگو با خبرنگار گروه جامعه خبرگزاری فارس، گفت: تعداد زائران کشته شده در منا براساس اعلام رسمی دولت این کشور به ۳۱۰ نفر افزایش یافته است.

رئیس سازمان حج و زیارت افزود: از آنجا که تمام حاجیان خانم در شب گذشته به منا آمدند و رمی جمرات را انجام دادند بنابراین تمام زائران ایرانی کشته یا مجروح شده در حادثه امروز مرد هستند. امروز صبح بر اثر ازدحام جمعیت در مسیر رمی جمرات، ۳۱۰ حاجی کشته و بیش از ۵۰۰ نفر مجروح شدند.

۲ مهر ۱۳۹۴، «فارس»، ساعت ۱۲:۵۸

نمونه‌ای از خبرهای مهر

سازمان حج و زیارت

بیانیه سازمان حج و زیارت در سومین سالگرد شهدای فاجعه منا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ)

عید قربان و دوم مهرماه نه تنها برای خانواده‌های شهدای منا که برای مسلمانان و ملت بزرگ ایران فصلی فراموش ناشدنی و تلخ محسوب می‌شود، روزی که در آن ۴۶۴ تن از حجاج کشورمان و جمع بسیاری از ضیوف‌الرحمان دیگر کشورها در سال ۹۴ بر اثر فاجعه‌ای تلخ و تأسف‌بار، شهد شهادت را نوشیدند.

خانواده‌های معظم شهدای منا همچنان تلخی و غم و اندوه فاجعه عظیم را با خود دارند.

سازمان حج و زیارت نیز به نوبه خود در سومین سالگرد شهدای فاجعه منا، یاد و خاطره این مهاجران الی الله و تمامی ضیوف‌الرحمانی که در این فاجعه، مظلومانه به شهادت رسیدند و عارفانه عروج کردند را گرامی می‌دارد.

سازمان حج و زیارت علیرغم قطع بودن روابط دوجانبه میان دو کشور، تلاش کرده است در فرصت‌های ایجاد شده برای مذاکرات، با پافشاری مستمر بر مطالبات بر حق و جدی در خصوص فاجعه منا و حقوق شهدای منا و مسجدالحرام به وظیفه خود عمل نماید و همچنان مجدانه پیگیر خواهد بود.

خبرگزاری مهر، ۳ مهر ۱۳۹۷

نمونه‌ای از خبرهای خبرگزاری حج

مسئولان حج و زیارت کشور

در سالگرد شهدای فاجعه منا و مسجدالحرام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ)

ایام حج ابراهیمی مظهر عزت، معنویت، وحدت و شکوه امت اسلامی و عید قربان فرا رسید، عید اضحی که نه تنها برای خانواده‌های شهدای منا بلکه برای مسلمانان و ملت بزرگ ایران فصلی فراموش ناشدنی و با خاطره‌ای تلخ محسوب می‌شود، روزی که در آن بیش از ۴۶۰ تن از حجاج کشورمان و هزاران تن از ضیوف الرحمان از دیگر کشورها در سال ۱۳۹۴ بر اثر فاجعه‌ای تلخ و تأسف بار، مظلومانه و عارفانه شهد شهادت را در سرزمین وحی نوشیدند.

فاجعه منا و حادثه سقوط جرثقیل در مسجدالحرام با وجودی که در برابر دیدگان امت اسلامی رخ داد اما سکوت سازمان‌ها و رسانه‌های بین‌المللی بر درد خانواده شهدای این دو مصیبت و فاجعه عظیم افزود و در نهایت ندای مطالبه حقوق شهدای مظلوم آن جز از ایران اسلامی از جایی برنخاست.

بعثه مقام معظم رهبری و سازمان حج و زیارت پس از وقوع فاجعه منا و حادثه مسجدالحرام علیرغم قطع بودن روابط دیپلماتیک میان دو کشور، تلاش کرده‌اند از فرصت تماس‌ها، دیدارها و مذاکرات با مسئولان این کشور استفاده و پافشاری کنند تا کشور میزبان به مسئولیت خود در خصوص مطالبات بر حق و جدی در زخصوص فاجعه منا و حقوق شهدای منا و مسجدالحرام عمل کند.

لزوم پیگیری و روشن شدن ابعاد فاجعه منا از طریق تشکیل کمیته حقیقت‌یاب با حضور نمایندگان کشورهایایی که حجاج خود را در این حادثه از دست داده‌اند همواره از اولویت‌های مسئولان حوزه حج و زیارت کشورمان بوده است.

با وجودی که دولت عربستان بعنوان متولی اصلی برگزاری مراسم حج تا به امروز، گزارش رسمی از چگونگی وقوع این فاجعه منتشر نکرده و مسئولیت آن را بر عهده نگرفته است و همچنان شاهد کم کاری کمیته حقیقت یاب و برخی نهادهای بین المللی در پیگیری حقوقی این فاجعه هستیم، بعثه مقام معظم رهبری و سازمان حج و زیارت در پنجمین سالگرد شهدای فاجعه منا، یاد و خاطره این مهاجران الی الله را گرامی داشته و تأکید می کنند که در راستای عمل به وظایف و مسئولیت های خود تا رسیدن به نتیجه مطلوب مجدانه پیگیر حقوق شهدای منا و مسجدالحرام بوده و خواهند بود.

سلام خدا بر شهیدان راست قامتی که با لباس احرام و بندگی در حرم امن الهی به ضیافت واقعی خدای کریم راه یافتند.

خبرگزاری حج، ۱۰ مرداد ۱۳۹۹

نمونه‌ای از خبرهای بُرنا

حزب اعتدال و توسعه شاخه استان آذربایجان غربی
(وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)

دهم ذیحجه ۱۴۳۶ در تاریخ اسلام به روز فراموش نشدنی مبدل گردید. در این روز بزرگ صدها نفر از حجاج بیت الله الحرام درحالیکه به جنگ با شیطان رجیم روانه بودند، در اثر سوء مدیریت و بی درایتی شهد شهادت را در نبرد اکبر با پلیدی ها سر کشیدند و در میعادگاه عاشقان، به حقیقت پیوستند. آنان درحالیکه جامه گان دنیوی را ازتن کنده و لباس سفید احرام برتن کرده، و رنگ وبوی خدایی گرفته بودند به دعوت حق لبیک گفتند و مظلومانه قربانی بی درایتی مسئولان گشتند.

حزب اعتدال و توسعه آذربایجان غربی بر این باور است که مناسک حج تجلی گاه وحدت، عظمت و شکوه امت اسلام می باشد و نباید اجازه دهیم این میراث عظیم حضرت ابراهیم با چنین بی تدبیری ها زیر سوال رود. در شرایط کنونی جهان که دشمنان اسلام، با تکیه بر گروه های تندروی تکفیری در صدد نشان دادن تصویری ناصحیح از مسلمانان هستند می بایست امت اسلامی با تکیه بر اصول عقلانیت و تنش زدائی و تعامل به حل و فصل زمینه های اختلافات کمک کنند و با همکاری همدیگر زمینه های مشارکت کلیه کشورهای اسلامی را در اجرای هرچه باشکوه تر این همایش عظیم جهان اسلام فراهم نمایند.

حزب اعتدال و توسعه آذربایجان غربی بر خود وظیفه می داند تا ضمن تأکید بر پیگیری کامل موضوع، از تلاش دلسوزانه و بی وقفه مسئولان ذی ربط در امداد رسانی به مجروحین و مصدومین زائران ایرانی و غیر ایرانی و اطلاع رسانی واحدهای خبری جهت تنویر افکار عمومی و کاهش نگرانی ها در جامعه تشکر و قدردانی نماید و برای درگذشتگان این واقعه تلخ بالاخص زائران عزیز از استان آذربایجان غربی که در این حادثه ناگوار جان باخته اند؛ غفران و رحمت الهی و برای بازماندگان صبر و اجر و برای مجروحان شفای عاجل مسئلت می دارد.

شورای موقت حزب اعتدال و توسعه آذربایجان غربی

خبرگزاری برنا، ۶ مهر ۱۳۹۴

نمونه ای از خبرهای ایکنا

حسینی شاهرودی، سید محمد و ماموستا فایق رستمی
(نمایندگان مردم کردستان در مجلس خبرگان رهبری)
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا) (نساء آیه ۱۰۰)

اولین سالگرد شهدای حادثه منا و استقبال از عید قربان را درحالی برگزار می‌کنیم که زائران جمهوری اسلامی ایران در مراسم حج بیت الله الحرام حضور ندارند و با خانه‌ی امن الهی برای همه ناامن شده‌است.

حادثه دلخراش مسجدالحرام و حادثه منا که در آن هزاران نفر از مسلمانان در انجام یکی از فرایض واجب دینی با لبانی تشنه به دلیل قصور، کوتاهی و سوء مدیریت در کربلای منا به شهادت رسیدند و دل‌های همه مسلمانان و آزادگان را در سراسر جهان به درد آوردند و از این واقعه دلخراش متأثر شدند و حداقل چیزی که می‌توان گفت این است که مسئولین فعلی توانایی اداره مناسک حج را ندارند و علما و سیاستمداران جهان اسلام در اسرع وقت باید برای اداره آن چاره‌ای بیندیشند.

این جانبان ضمن تبریک عید قربان، عید اعتصام به حبیل الله و گرامیداشت یاد و خاطره شهدای مظلوم منا و ادای احترام به مقام شامخ همه شهدا بار دیگر رفتار نادرست مسببان این حادثه را محکوم کرده و خواستار رسیدگی برای احقاق حق خانواده‌های شهدای مظلوم آن حادثه فراموش‌نشدنی می‌باشیم.

سید محمد حسینی شاهرودی و ماموستا فایق رستمی

نمایندگان مردم کردستان در مجلس خبرگان رهبری

خبرگزاری/یکنا، ۲۱ شهریور ۱۳۹۵

نمونه‌ای از خبرهای خبرگزاری حوزه

حوزه علمیه خواران استان اصفهان

فاجعه تلخ و غم‌انگیز منا که شهادت انسان‌های مؤمن و معتقدی که به دیدار خانه دوست رفته بودند را رقم زد، نقاب از چهره دشمنان برداشت. چنانکه مقام معظم رهبری در پیام اخیر خود به خوبی به این موضوع اشاره داشته و فرموده‌اند: «آنان که حج را به یک سفر زیارتی سیاحتی فروکاسته و دشمنی و کینه‌ی خود با ملت مؤمن و انقلابی ایران را در زیر عنوان «سیاسی کردن حج» پنهان ساخته‌اند، شیطان‌هایی خُرد و حقیرند که از به خطر افتادن مطامع شیطان بزرگ، آمریکا، به خود میل‌رزند».

روز نهم مردادماه ۱۳۶۶ شمسی برابر با ششم ذیحجه سال ۱۴۰۷ هزاران زائر ایرانی در مکه معظمه، هنگامی که در حال انجام فریضه الهی برائت از مشرکین بودند به دست ماموران کشور میزبان مورد تهاجم قرار گرفته و به شهادت رسیدند. پس از آن ۲۰ شهریور ماه ۱۳۹۴ سقوط جرثقیل در مکه باعث مرگ ۱۰۷ نفر و جراحت ۲۳۸ نفر شد. این حادثه با چهاردهمین سالروز حملات ۱۱ سپتامبر همزمان بود. چند روز بعد در حالی که ۲۸ سال از حادثه مکه خونین ۱۳۶۶ می‌گذشت فاجعه‌ای دیگر رخ داد که قلب مسلمانان جهان را به درد آورد و فاجعه منا را رقم زد. حادثه‌ای که دوم مهر ماه ۱۳۹۴ همزمان با عید قربان در مراسم رمی جمرات برگ‌ننگین دیگری از جنایات بر صفحه تاریخ افزود. کشتار جمعی حاجیان مرگ‌بارترین حادثه تاریخ را به ثبت رساند.

صدای جنایات پی در پی رژیم منحوس عربستان آنهایی که مدعیان مهربانی و عدالت‌اند بر همه جهانیان آشکار شده و تاریخ، سندی معتبر بر ثبت این جنایات است.

زمزمه‌های حاجیان با گفتن «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» فریادی می‌شود بر گوش آنها که صدای مظلومان را نمی‌شنوند. فریادی می‌شود بر گوش استکبار

این حادثه تلخ موجب شد تا مسئولین میزبان ناتوانی خود را نشان دهند و جهانیان بدانند که آنها قادر به مدیریت این مناسک مهم نیستند. مدیریت حوزه علمیه خواهران استان اصفهان در آستانه سالروز شهادت مظلومانه آن شهدای معزز، ضمن هم‌دردی با بازماندگان محترم این شهیدان معظم و عرض تسلیت به آنان و همه ملت شریف ایران، یاد و خاطره مظلومیتشان را ارج می‌نهد.

خبرگزاری حوزه، ۲۱ شهریور ۱۳۹۵

نمونه‌ای از خبرهای ایمن

شورای اسلامی شهر اصفهان

قبله مسلمین امروز در دست مسئولین مناسبی نیست. امروز فریاد دادخواهی و آزادی خواهی تمامی مسلمانان را برانگیخته‌اند و از یمن، سوریه، عراق و امروز از منا این نوا به گوش می‌رسد که (رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا) و اینان گوش‌ها و چشم‌های خود را بسته و خنده مستانه ظفر سر می‌دهند.

این رژیم کمر به نابودی اتحاد و برادری در بین مسلمین بسته است و در این راه ظالمانه‌ترین و بی‌شرمانه‌ترین اعمال و رفتار نیز ابا ندارد و هیچ مسئولیتی نیز نمی‌پذیرد و حتی امروز که به خاطر بی‌تدبیری و ناتوانی آنان هزاران مسلمان بی‌گناه در منا به خاک و خون کشیده شده‌اند باز هم بر طبل بی‌مسئولیتی می‌کوبد اما حاشا که کوس رسوایی این رژیم جهان اسلام را درنوردیده است و امروز انسان روشن ضمیری نیست که «ندای شرم‌ت باد را بر زبان نراند» و از این رژیم سفاک اعلام انزجار نکند.

فاجعه‌ای که در عید قربان رخ داد نمونه بارزی از بی‌تدبیری و ناتوانی رژیم است که ادعای مدیریت جهان اسلام دارد ولی در مدیریت حساس‌ترین و نزدیک‌ترین نقاط به خویش نیز عاجز است و در منجلاّب غرور و خودشیفتگی به سر می‌برد و از اربابانی خون‌خوار و جهان‌خوار دستور می‌گیرد.

شورای اسلامی شهر اصفهان به نمایندگی از مردم شهر شهیدپرور و حق‌مدار و حق‌طلب اصفهان، ضمن اعلام تأسف و تسلیت خویش از اتفاقات صورت گرفته در قتلگاه منا، انزجار خویش از اقدامات این رژیم را اعلام می‌دارد و از دستگاه دیپلماسی کشورمان و مجامع بین‌المللی می‌خواهد که حداکثر توان خویش را برای احقاق حق ضایع شده مسلمانان در این رویداد و تعیین سرنوشت مفقودان این حادثه به خصوص اهالی نصف جهان به کار گیرد.

خبرگزاری/ایمنا، ۵ مهر ۱۳۹۴

نمونه‌های از خبرهای ابنا

مرکز اسلامی و فرهنگی اهل بیت علیهم السلام سوئیس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ) نساء آیه

کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امن فراوان و گسترده‌ای در زمین می‌یابد. هر کس به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست؛ و خداوند، آمرزنده و مهربان است.

(إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)

فاجعه مصیبت بار سرزمین منا، که منجر به کشته و زخمی شدن بیش از ۴۰۰۰ نفر از حجاج بیت الله الحرام شد بزرگترین عید مسلمانان را به عزا تبدیل و جهان اسلام را عزادار کرد.

مرکز اسلامی و فرهنگی اهل بیت علیهم السلام در سوئیس، این فاجعه را به محضر مقدس حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مراجع عالیقدر، علما، عموم مسلمانان جهان و خانواده‌های داغ‌دیده تسلیت عرض می‌کند و از خداوند متعال علو درجات برای آن میهمانان الهی و صبر جمیل را برای بازماندگان این حادثه مسئلت می‌نماید.

همه ساله نزدیک به دو میلیون مسلمان از سراسر جهان برای فریضه حج به کشور عربستان عازم می‌شوند و این حضور میلیونی نیاز به برنامه‌ریزی و مدیریت جدی دارد که متأسفانه با توجه به حوادث قبلی به جای اینکه مسئولین این کشور در پی کاهش این حوادث باشند و برنامه‌ریزی دقیق کنند، این بار سوء مدیریت آنها در اداره حرمین شریفین فاجعه‌ای با بیش از چهار هزار کشته و زخمی را باعث شد.

سرزمین‌های مقدس مکه و مدینه متعلق به عموم مسلمین جهان است و مدیریت کنگره عظیم حج نیاز به مشارکت همه گروه‌های اسلامی از سراسر جهان دارد؛ که متأسفانه کشور عربستان همواره با آن مخالفت می‌کند و حتی حاضر به مشاوره نیست.

ما نیز همچون سایر مراکز اسلامی در اقصی نقاط جهان مسئولین حج کشور عربستان را که باعث مستقیم این حادثه ناگوار هستند به شدت محکوم می‌کنیم و آرزو داریم که با اعتراضات گسترده مسلمانان و فشار مقامات سیاسی کشورهای

اسلامی به دولت عربستان شاهد تغییرات اساسی در اداره حرمین شریفین و محاکمه عاملین بی کفایت و سهل انگار این حادثه باشیم.
مرکز اسلامی و فرهنگی اهل بیت علیهم السلام سوئیس
سوم مهرماه ۱۳۹۴

خبرگزاری ابناء، ۵ مهر ۱۳۹۴

نمونه‌ای از خبرهای میزان

مرکز دانشجویی حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران (صلح زیبا)
«حکومت پادشاه حجاز و نجد و ملحقات آن متعهد می‌گردد که نسبت به حجاج ایرانی از هر حیث مثل سایر حجاجی که به بیت‌الله الحرام می‌روند معامله و رفتار نموده و اجازه ندهند که نسبت به حجاج ایرانی در ادای مناسک حج و فرائض دینی آنها هیچگونه مشکلاتی ایجاد شود و نیز تعهد می‌نمایند که وسائل امنیت، آسایش و اطمینان آن‌ها را فراهم نمایند» (ماده ۳ عهدنامه مودت منعقدہ بین دولت ایران و حجاز و نجد و ملحقات، سال ۱۳۰۸)
مراسم حج سال ۱۳۹۴ در کنار تصاویری از معنویت، وحدت و یکتاپرستی، تصاویر دردناکی را پیش چشم جهانیان قرار داد و شهادت زائران کعبه دل‌ها در مکه و منا، جهان اسلام را در غم و اندوهی وصف ناشدنی فرو برد.
جنایت بزرگ مکه و منا که در آن حدود ۷۴۷۷ مسلمان به شهادت رسیدند، صحنه‌ای از سوگ کرامت انسانی شد و سکوت سازمان‌ها و رسانه‌های بین‌المللی بر درد این مصیبت افزود.
جنایت مکه و منا که به شایستگی، وصف فاجعه به خود گرفت، آن قدر وسیع بود که همدردی با خانواده قربانیان و تقبیح عاملین و مسببین بروز این فاجعه کم‌تر کاری است که به جهت دفاع از حقوق انسانی می‌توان متصور شد.

متأسفانه این روزها با فرارسیدن سالگرد این جنایت بزرگ که بی‌تردید مشمول مرور زمان نمی‌شود و خاطره تلخ آن فراموش ناشدنی است، شاهد عدم پاسخگویی این کشور در خصوص این جنایت و کم‌کاری سازمان‌ها و نهادهای داخلی برای پیگیری و اعلام نتیجه به ملت شریف ایران هستیم.

متأسفانه دولت عربستان که متولی اصلی برگزاری مراسم حج است، تا به امروز، گزارش رسمی از چگونگی وقوع این فاجعه منتشر نکرده و نه تنها مسئولیت این جنایت را بر عهده نگرفته بلکه علت بروز آن را به خود قربانیان و کشته شدگان منتسب کرده است.

در یک سال اخیر نیز علی‌رغم توصیه مقام معظم رهبری مبنی بر فراموش نشدن جنایت مکه و منا، شاهد کم‌کاری برخی نهادهای ذی‌ربط در پیگیری حقوقی این فاجعه در بعد بین‌المللی و عدم پاسخگویی توسط ایجاد کمیته حقیقت‌یاب به مردم و خانواده‌های شهدا بوده ایم.

از بعد حقوقی فاجعه منا از دو منظر حقوق بین‌الملل و حقوق بشر بین‌المللی قابل بررسی است و مسئولین این کشور در هر دو حوزه تعهدات صریح خود را نقض کرده است.

در ماده دوم اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۱۹۹۰ آمده است: حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی‌احترامی به آن جایز نیست و حمایت از این امر بر عهده دولت است.

همچنین ماده هفتم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ بیان می‌دارد؛ هیچکس نباید در معرض شکنجه یا رفتار تحقیرآمیز و مجازات غیرانسانی و وحشیانه قرار گیرد.

حق بر حیات، حق بر دسترسی به مراقبت‌های پزشکی و آب آشامیدنی و حفظ حرمت و حیثیت انسانی نیز از جمله حقوقی می‌باشند که نقض آن‌ها تخطی از قواعد و اصول حقوق بشر را به همراه داشته است.

اسناد موجود و اظهارات شاهدان عینی حاکی از آن است که نه تنها اقدامات لازم برای پیشگیری حادثه به عمل نیامده بود، بلکه حتی اقداماتی برای کاهش خسارات و آسیب‌های این فاجعه نیز صورت نگرفته است.

مرکز دانشجویی حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران (صلح زیبا) و جمعی از فعالان مستقل رسانه‌ای برخورد لازم دانستند با تشکیل کمپین "به_کدامین_گناه" در فضای مجازی، به جهانیان اعلام کنند که جنایت منا فراموش شدنی نیست و ملت ایران در کنار خانواده‌های شهدای مکه و منا تا روشن شدن موضوع و تشکیل کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی از پیگیری باز نمی‌ایستد.

ضمن تشکر از سازمان‌های مردم‌نهاد که به صورت‌های مختلف در این کمپین به ما یاری رسانده‌اند، ذکر این نکته را لازم و ضروری می‌دانیم که اهداف اصلی تشکیل کمپین " #به_کدامین_گناه " را به صورت ذیل اعلام داریم.

زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدای مکه و منا، پیگیری اقدامات سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط و ارائه گزارش به ملت شریف ایران، تشکیل کمیته ویژه حقوقی متشکل از دانشجویان و وکلای برای بررسی راهکارهای پیگیری فاجعه مکه و منا در مجامع بین‌المللی ذیل موسسه صلح

زیبا، طرح موضوع جنایت منا در سازمان‌های مستقل بین‌المللی به وسیله رایزنی با ان‌جی‌اوهای حقوق بشری در سایر کشورهای جهان برای مطلع نمودن این سازمان‌ها از جنایت مکه و منا و همکاری جهت ارجاع به سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری.

در پایان، مرکز دانشجویی حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران (صلح زیبا)، از تمام گروه‌ها، تشکل‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی دعوت می‌نماید تا با پیوستن کمپین ملی " #به_کدامین_گناه " حمایت خود را از خانواده‌های شهدای مکه و منا اعلام دارند تا بار دیگر با اتحاد بتوانیم مسئولین این کشور را مجبور به قبول مسئولیت و پاسخگویی در مقابل چشمان جهانیان کنیم.

مرکز دانشجویی حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران (صلح زیبا)

خبرگزاری میزان، ۱۳ شهریور ۱۳۹۵

موضوع‌گیری‌های سیاسی و فرهنگی

از نخستین ساعات انتشار خبر «فاجعه منا»، واکنش‌های گسترده‌ای از سوی شخصیت‌های مختلف صورت گرفت. بخشی از آن در قالب بیانیه و پیام بود، از سوی مقامات نظام، نهادها، سازمان‌های دولتی و غیر دولتی، انجمن‌ها، اصناف، احزاب و جریانات سیاسی، فرهنگی، هنری و ورزشی.

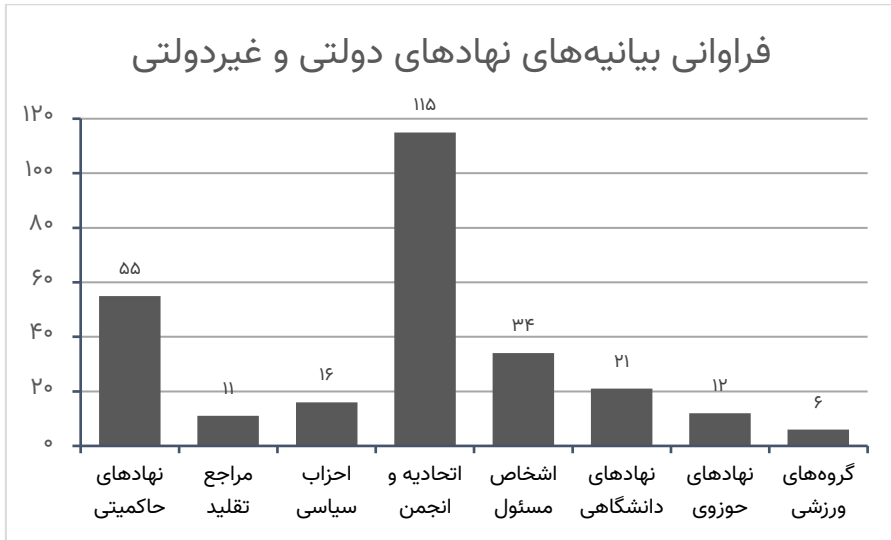
بیانیه‌ها و پیام‌ها

با بررسی جامعی که صورت گرفت ۲۷۰ بیانیه و پیام از رسانه‌های مکتوب و مجازی شناسایی و گردآوری شد.

رهبر معظم انقلاب از نخستین مقامات کشور بودند که در همان شامگاه دوم مهر ماه پیامی صادر کردند و ضمن ابراز همدردی با مصیبت‌دیدگان این حادثه و تسلیت به بازماندگان تأکید کردند:

دولت سعودی موظف است مسئولیت سنگین خود را در این حادثه‌ی تلخ پذیرفته و به لوازم آن به‌قاعده‌ی حق و انصاف عمل کند... مدیریت غلط و اقدامات ناشایسته‌ای که عامل این فاجعه بوده است نیز نباید از نظر دور بماند.^۳

۳. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت فاجعه منا، ۲ مهر ۱۳۹۴



همچنین رئیس‌جمهور دکتر حسن روحانی که جهت شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک به سر می‌برد، طی پیامی ضمن تسلیت، دستورات ویژه‌ای برای پیگیری این حادثه به معاون اول خود صادر کرد. در بخشی از پیام رئیس‌جمهور آمده بود:

وزارت امور خارجه و سفیر ایران در عربستان موظف هستند ضمن بررسی چگونگی رخ دادن این فاجعه، تمامی اقدامات لازم جهت احقاق حقوق درگذشتگان حادثه دیدگان را به عمل آورده و از دولت عربستان نیز می‌خواهم ضمن به عهده گرفتن مسئولیت این فاجعه، به وظایف قانونی و اسلامی خود در این زمینه عمل نمایند.^۴

رؤسای قوای مقننه و قضائیه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان رهبری، مراجع معظم تقلید، همچنین وزرا و مدیران سازمان‌های دولتی و نهادهای

۴. پیام تسلیت رئیس‌جمهور در پی فاجعه منا، ۳ مهر ۱۳۹۴

انقلابی، نهادها و سازمان‌های لشکری و کشوری از دیگر صادر کنندگان بیانیه و پیام در ارتباط با فاجعه مصیب‌بار منا بودند.

در اکثر این پیام‌ها ضمن تسلیت به ملت شریف ایران و مسلمانان جهان و نیز خانواده‌های جانب‌باختگان، بر مسئولیت دولت میزبان در قبال این حادثه تأکید و بر ضرورت پیگیری علل وقوع آن تا احقاق حقوق شهدا و بازماندگان این حادثه تأکید شده بود.

مراجع عظام تقلید نیز با صدور پیام‌هایی ضمن اعلام تأسف و تأثر از کشته شدن حجاج، بر چاره‌اندیشی برای جلوگیری از تکرار چنین حوادثی تأکید کردند.

بیانیه‌ها و پیام‌های مسئولین دولتی و غیردولتی در صفحات ۶۵۷ تا ۸۸۱ جلد اول مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و تمام‌متن درج شده‌اند.

متن پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاٰجِعُوْنَ

فاجعه‌ی مصیبت‌بار امروز در منا که در آن جمع کثیری از ضیوف‌الرحمان و مؤمنان مهاجر الی‌الله از کشورهای گوناگون جان باختند، اندوهی بزرگ در جهان اسلام پدید آورده و عید آنان را عزا کرده است. در میهن عزیز ما نیز ده‌ها خانواده که مشتاقانه در انتظار عزیزان حج‌گزار خود بودند، اکنون به عزای آنان نشسته‌اند. اینجانب با قلبی سرشار از غم و همدردی با مصیبت‌دیدگان، این حادثه‌ی اندوه‌بار را به روح مطهر حضرت رسول اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و به ساحت مقدس ولی‌الله‌الاعظم حضرت صاحب‌الزمان (ارواحنا فداه) که صاحب‌عزای اصلی است و به همه‌ی بازماندگان و عزاداران در سراسر جهان اسلام بویژه در ایران عزیز تسلیت عرض می‌کنم و رحمت خاصه‌ی خداوند غفور و رحیم و شکور را برای

این میهمانان گرامی‌اش و شفای عاجل آسیب‌دیدگان و مجروحان را از درگاه عطوفتش مسئلت مینمایم و یادآور می‌شوم:

۱. مسئولان نمایندگی اینجانب و سازمان حج، تلاش طاقت‌فرسای خود در شناسایی جان‌باختگان و معالجه‌ی مجروحان و اعزام به کشور و خبررسانی سریع را که سراسر امروز بدان مشغول بودند، همچنان ادامه دهند و همه‌ی کسانی که توانایی دارند به آنان کمک کنند.

۲. هر گونه کمک ممکن را به حجاج دیگر کشورها نیز تعمیم دهند و حق برادری اسلامی را به انجام رسانند.

۳. دولت سعودی موظف است مسئولیت سنگین خود را در این حادثه‌ی تلخ پذیرفته و به لوازم آن به‌قاعده‌ی حق و انصاف عمل کند. مدیریت غلط و اقدامات ناشایسته که عامل این فاجعه بوده، نباید از نظر دور بماند.

۴. جان‌باختگان این حادثه ان‌شاءالله مشمول این کلام نورانی قرآنند که: وَمَنْ يُخْرِجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ؛ این برای بازماندگان، تسلی‌ی بزرگی است. آنان پس از طواف و سعی و پس از ساعات پُربرکت عرفات و مشعر و در حال انجام مناسک حج به دیدار معبود شتافته‌اند و ان‌شاءالله مورد لطف و رحمت ویژه‌ی احدیتند.

اینجانب با تسلیت دوباره به عزاداران، سه روز عزای عمومی در کشور اعلام می‌کنم.

وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ
سیدعلی خامنه‌ای

متن پیام رئیس جمهور

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

خبر تاسف بار و تأثربرانگیز فاجعه مولمه کشته و مجروح شدن بیش از دویست نفر از حجاج ایرانی بیت الله الحرام در آستانه ورود به نیویورک غمی سنگین بر اینجانب و هیئت همراه مستولی نمود. درگذشت حجاج عزیزمان در کنار متمسکین به حبل الله از امت اسلامی و مجروح شدن ضیوف الرحمان در لباس احرام در سرزمین وحی و در آرزوی وصال حق تعالی مصداق روشن من یخرج من بینه مهاجرا الی الله است، که فقد وقع اجره علی الله. بی شک اعلام سه روز عزای عمومی در کشور نیز که مبین عمق این فاجعه است، حداقل همدردی دولت و ملت شریف ایران با بازماندگان این فاجعه خواهد بود.

اینجانب با تسلیت فاجعه دردناک منا، به محضر حضرت ولی عصر (عج)، بازماندگان معزز، مقام معظم رهبری و ملت شریف ایران، از جناب آقای جهانگیری معاون اول محترم می خواهم تا در اسرع وقت با تشکیل ستاد ویژه رسیدگی به این فاجعه و تجمیع امکانات لازم، ضمن اطلاع رسانی به ملت شریف ایران، اقدامات زیر را انجام داده و مستمرا به اینجانب گزارش دهد:

۱- با اعزام تیم های امداد در صورت لزوم و ارسال هواپیما به کشور عربستان، رسیدگی به امور حجاج بیت الله الحرام، مجروحین فاجعه، و انتقال درگذشتگان به کشورمان را در اولویت اقدامات ستاد قرار دهند؛ لازم است حجاج عزیز احساس نمایند می توانند سایر مناسک باقیمانده خود را در آرامش و امنیت انجام داده و وفق برنامه به کشور خود باز گردند.

۲- از استانداران محترم خواسته شود با حضور در منازل درگذشتگان و مجروحین فاجعه ضمن ابلاغ پیام تسلیت اینجانب، کمک های لازم و تسهیلات مکفی برای انجام امور مربوطه را در اسرع وقت ارائه نمایند.

۳- وزارت امور خارجه و سفیر ایران در عربستان موظف اند ضمن بررسی چگونگی رخ دادن این فاجعه تمامی اقدامات لازم جهت احقاق حقوق درگذشتگان و حادثه دیدگان را به عمل آورده و از دولت عربستان نیز می خواهم ضمن به عهده گرفتن مسئولیت این فاجعه، به وظائف قانونی و اسلامی خود در این زمینه عمل نمایند.

ضمن همدردی مجدد با خانواده های آسیب دیدگان، از درگاه خداوند متعال طلب مغفرت برای جان باختگان، آرزوی شفای عاجل برای مجروحان، و حج مقبول و سعی مشکور برای حجاج عزیز کشورمان توأم با امنیت کافی و سلامت مسألت دارم.

حسن روحانی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

متن پیام رئیس مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

بار دیگر در موسم مناسک حج ابراهیمی، شاهد حادثه ای ناگوار بودیم که باعث جان باختن و مصدومیت جمع کثیری از زائرین بیت الله الحرام شد.

این حادثه غمبار و دردناک، در یوم الله قربان، عید اکبر مسلمین و حین انجام مناسک حجاج در منطقه منا به وقوع پیوست و روز رحمت الهی را به واقعه ای حزن انگیز و فراموش ناشدنی برای مسلمانان مبدل ساخت.

در این شرایط ضرورت دارد امت اسلامی با تدبیر به بررسی علل ناتوانی متولیان برگزاری این مراسم در انجام وظایف خود و قصور صورت گرفته بپردازد تا شاهد وقوع مجدد اینگونه حوادث دردناک نباشیم.

لازم است چگونگی مدیریت این مراسم عظیم الهی از سوی تمامی کشورهای مسلمان، سازمان کنفرانس اسلامی و بین‌المجالس اسلامی مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته و تمهیدات لازم برای برگزاری مراسم مطلوب حج اندیشیده شود.

آنچه همه ملت‌های مسلمان انتظار دارند آن است که دولت سعودی به وظایف خود با تدبیر و تعهد عمل نموده، ضمن برخورد با مجرمین و خاطیان توضیحات قانع‌کننده‌ای در مورد آنچه بر میهمانان ضیافت الهی رفته است به امت اسلامی و جهانیان ارائه دهد.

همچنین ضمن تشکر و قدردانی از نماینده محترم مقام معظم رهبری و سرپرست حجاج ایرانی حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین قاضی‌عسگر و رئیس محترم سازمان حج و زیارت جناب آقای اوحدی و همه دست‌اندرکاران که زحمات طاقت‌فرسایی برای رسیدگی به وضع درگذشتگان و مصدومین متحمل شده‌اند، انشاءالله تا به پایان رساندن رسیدگی به امور جان باختگان و مجروحان به بهترین طریق ممکن از پا ننشینند و پیگیری‌های لازم را انجام دهند.

اینجانب ضمن عرض تسلیت این حادثه تلخ به پیشگاه حضرت بقیه‌الله‌الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، مقام معظم رهبری، امت بزرگ اسلامی، ملت شریف ایران و خانواده‌های داغدار، شفای عاجل حادثه‌دیدگان و آمرزش درگذشتگان را از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌کنم.

علی لاریجانی

متن پیام رئیس قوه قضائیه

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

اندوه مصیبت منا که موجب جان باختن بسیاری از مومنان و ضیوف الرحمن در سرزمین وحی شد موجب تاسف و تأثر گردید.

اینجانب این فاجعه بزرگ را به محضر حضرت بقیة الله الاعظم (عج)، مقام معظم رهبری مدظله العالی و خانواده‌های این عزیزان تسلیت عرض نموده و ضمن همدردی از مسئولان مربوطه می‌خواهم تا با ادامه پیگیری‌ها و اقدامات خود در شناسایی و انتقال پیکرها و همچنین رسیدگی به امور مجروحان اقدام شایسته معمول دارند.

دولت سعودی باید مسئولیت مدیریت غلط خود را که موجب بروز این فاجعه شد را بپذیرد و پاسخگوی آن باشد.

بار دیگر ضمن تسلیت این فاجعه مصیبت بار، از درگاه احدیت برای درگذشتگان آرزوی لطف و مرحمت داشته و شفای عاجل مجروحان و مصدومان را نیز مسئلت دارم.

صادق آملی لاریجانی

متن پیام رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

بسم الله الرحمن الرحيم

تکرار مصیبت جانگداز حج امسال در عربستان و این بار در منا و رمی جمرات و کشته و مجروح شدن جمع زیادی از حجاج مظلوم بیت الله الحرام،

به‌ویژه هم‌میهنان عزیزمان، دل همه مسلمانان و مردم غیور کشورمان را به درد آورد و جهان اسلام را به عزا نشاند.

اگرچه مرگ مظلومانه حجاج خانه خدا در احرام، آن هم قبل از اتمام اعمال حج و در منا به مصداق آیه «و من یخرج من بینه مهاجرا الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله» اجر عظیمی در بارگاه الهی دارد، اما از تقصیر و سوء مدیریت مسئولان نظم این مراسم عظیم در دولت عربستان کم نمی‌شود و درقبال آن مسئولند و باید برای دنیای اسلام توضیح دهند.

اینجانب با نهایت تأسف و تأثر، ضمن همدردی، این فاجعه غمبار را به همه مسلمانان، مردم عزیز ایران و به‌ویژه خانواده‌هایی که عزیزانشان را از دست داده‌اند، صمیمانه تسلیت می‌گویم و برای مجروحان و مصدومان این حادثه از درگاه خداوند آرزوی سلامت و بهبودی کامل دارم.

انتظار می‌رود مسئولان ذی‌ربط در دولت و همه سازمان‌ها و ارگان‌های درمانی، امدادی و پشتیبانی در اسرع وقت، اقدامات لازم و فوری را برای کاستن از ابعاد این فاجعه و کاهش آلام داغدیدگان و مجروحان به عمل آورند.

اکبر هاشمی رفسنجانی

متن پیام رئیس مجلس خبرگان رهبری

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

(أَنَا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ) عنكبوت/۶۷

در مراسم حج امسال شاهد حوادث ناگواری هستیم که امنیت حجاج بیت الله الحرام را تهدید می‌کند. در تازه‌ترین فاجعه که در سرزمین منا رخ داد حاجیان

زیادی از کشورهای اسلامی از جمله کشورمان یا جان خود را از دست دادند و یا زخمی و مجروح شدند.

بروز حوادث روزهای گذشته در سرزمین وحی، حکایت از بی کفایتی و بی تدبیری مسئولان عربستان سعودی در اداره و مدیریت برگزاری حج ابراهیمی دارد.

ضرورت پیگیری جدی موضوع و پذیرش مسئولیت سهل انگاری و سوء مدیریت کسانی که خود را خادم الحرمين می نامند، اما به جای تأمین امنیت مسلمین در موسم حج با دخالت های نابجا در امور سایر کشورهای اسلامی به ویژه یمن مظلوم و حمایت از گروه های تندرو و افراطی چهره اسلام را مشوه کرده و مسلمانان را در بحرین، عراق و سوریه به خاک و خون کشیده و بذر عداوت، دشمنی و ناامنی را در منطقه می کارند بر کسی پوشیده نیست.

اینجانب ضمن عرض تسلیت و همدردی با تمام خانواده ها و بازماندگان این فجایع و طلب غفران الهی برای جان باختگان و آرزوی شفاء و بهبودی برای مجروحان این حادثه دردناک؛ به ویژه خانواده ها و آسیب دیدگان کشورمان، از سران کشورهای اسلامی به ویژه سازمان کنفرانس اسلامی می خواهم علاوه بر محکومیت رژیم آل سعود، با توجه جایگاه و عظمت حرمین شریفین برای اداره صحیح و کارآمد آن تدبیری شایسته بیندیشند.

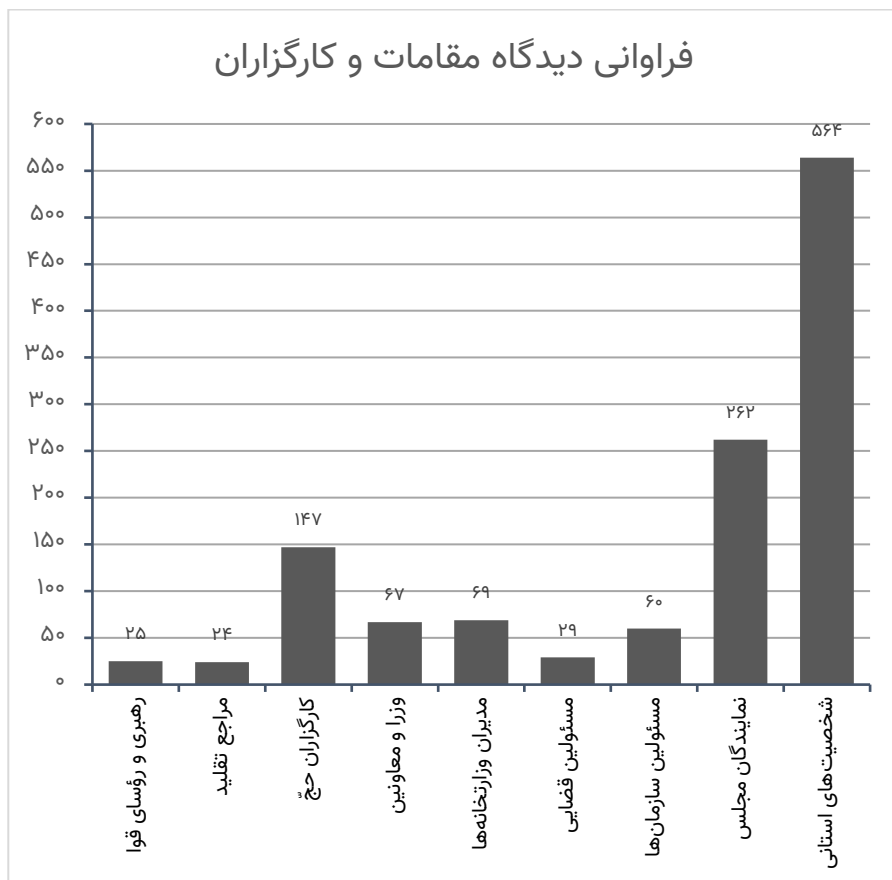
محمد یزدی

رئیس مجلس خبرگان رهبری

دهم ذی الحجه ۱۴۳۶

دیدگاه مقامات و کارگزاران نظام

واکنش مسئولین نظام نسبت به فاجعه منا بیشتر در قالب مصاحبه و گفت‌وگو با رسانه‌ها، یا سخنرانی در برنامه‌های مختلفی که در همین راستا برپا می‌شد صورت گرفته است. در مجموعه آثار فاجعه منا این موارد گردآوری شده است.



مقام معظم رهبری درس خارج فقه آن سال را با این مقدمه آغاز کردند:

بعد از تعطیلی طولانی امروز مباحثه خودمان را شروع می‌کنیم. لکن دل‌های ما پراز اندوه و پراز غم است. به خاطر این حادثه تلخی که در منا اتفاق افتاد و به معنای واقعی کلمه عید را عزاکرد.

هر سال در موسم حج مثل این روزهایی که اعمال حج و مناسک حج تمام شده است، کشور در یک شادی عمومی قرار دارد. حاجی‌ها بر می‌گردند، خانواده‌ها خوشحالند، پدرانشان، فرزندانشان، همسرانشان می‌آیند. خانواده‌ها خوشحالی می‌کنند که حاجیانشان آمدند، حج گذاشتند، موفق شدند... امسال این اوقات شادی تبدیل شده به اوقات غم.^۵

در سخنرانی خود حین سفر به شهرستان نوشهر فرمودند:

در مورد حوادث اخیر منا هم یک جمله‌ای عرض بکنیم. این حادثه برای ما از دو جهت عزا بود، مصیبت بود؛ یکی از جهت چندصد نفر حاجیان عزیز خودمان که مظلومانه... از دنیا رفتند... دوم برای دنیای اسلام، آن طور که به ما گزارش دادند بیش از پنج هزار کشته از دنیای اسلام و از کشورهای مختلف وجود داشته است.^۶

و در دیدار با مسئولان برگزاری حج تذکر دادند:

این مسأله نباید به سکوت و فراموش بگذرد و باید تا سال‌ها در مجامع جهانی مطرح شود و نقطه آماج این حرکت نیز باید دولت‌های غربی و سازمان‌های مدعی حقوق بشر باشند.^۷

اسامی مراجع تقلیدی که دیدگاه آن‌ها منتشر شده است:

۱. آیت الله العظمی جوادی آملی
۲. آیت الله العظمی سبحانی
۳. آیت الله العظمی صافی گلپایگانی
۴. آیت الله العظمی مکارم شیرازی
۵. آیت الله العظمی مظاهری
۶. آیت الله العظمی نوری همدانی

۵. مقام معظم رهبری، درس خارج فقه، ۵ مهر ۱۳۹۴

۶. بیانات مقام معظم رهبری، ۵ مهر ۱۳۹۴

۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری حج، ۲۷ مهر ۱۳۹۴

۷. آیت الله العظمی وحید خراسانی

۸. آیت الله العظمی موسوی اردبیلی

۹. آیت الله العظمی مدرّسی

دیدگاه کارگزاران نظام در صفحات ۲۱ تا ۷۱۶ جلد دهم و صفحات ۲۳ تا ۷۸۱ جلد یازدهم مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و تمام‌متن درج شده است.

واکنش هنرمندان

هنرمندان غیور کشور نیز پس از وقوع این حادثه ناگوار ساکت نماندند و تأسف خود را ابراز کردند. اخبار و گزارش‌های زیادی از واکنش چهره‌های هنری در قالب گفت‌وگو و مصاحبه و یا برگزاری تجمع‌های اعتراضی و تولید آثار هنری درباره این فاجعه در رسانه‌های مکتوب و مجازی منتشر شده است.

به عنوان نمونه، محمدرضا شریفی‌نیا که برای گفتگو درباره بازیگری به یکی از برنامه‌های تلویزیونی شبکه خبر دعوت شده بود، با ابراز تأسف از وقوع این فاجعه، حاضر به بحث درباره موضوع مورد نظر نشد، تا شبکه خبر بتواند اطلاع‌رسانی خود را ادامه دهد:

واقعاً الآن حوصله‌ای برای بحث‌های سینمایی نیست و بهتر است شبکه خبر به خاطر این برنامه اخبارش را قطع نکند.^۸

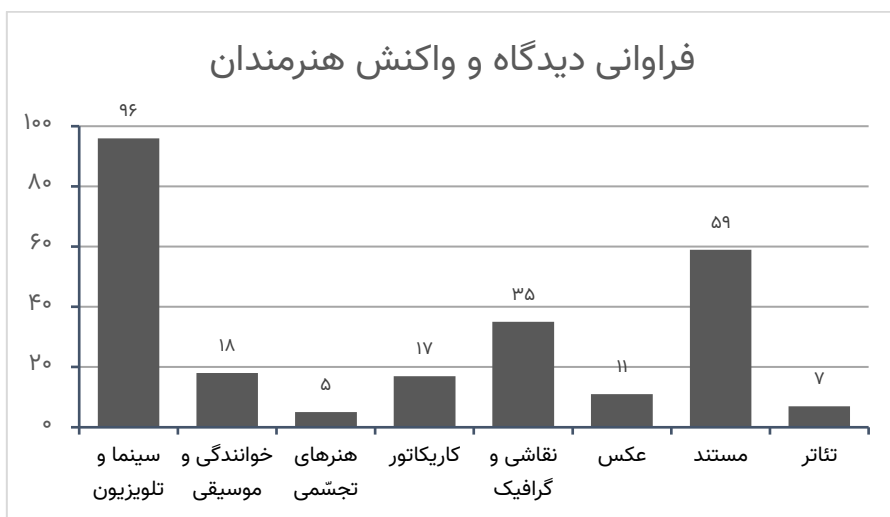
جمال شورجه، کارگردان مطرح دفاع مقدّس نیز در گفتگو با یکی از خبرگزاری‌ها این طور اظهار نظر کرد:

سال‌هاست که دنیا شاهد این دست جنایات است و می‌بینیم که این کشور اقداماتی مانند فاجعه یمن را انجام می‌دهد. همچنین داعش مولود نامیمون این کشور است. الآن مدتی است به جان این مسلمانان افتاده است. مسلمانان، اعم از شیعه و سنی و مسیحیان از دست این قوم در امان نیستند. همه دنیا هم دلیل رخ دادن این اتفاق را می‌دانند و

دیدند که این فاجعه به دلیل حرکت ولیعهد عربستان در آن مسیر و بسته شدن راه زائران بود، ولی آن‌ها سر خود را زیر برف کرده‌اند و مسئولیت کار خود را نمی‌پذیرند.^۹

یکی از اساتید نقاشی و مجسمه‌سازی، قدیریان، تابلویی با موضوع فاجعه منا ترسیم کرد و درباره آن گفت:

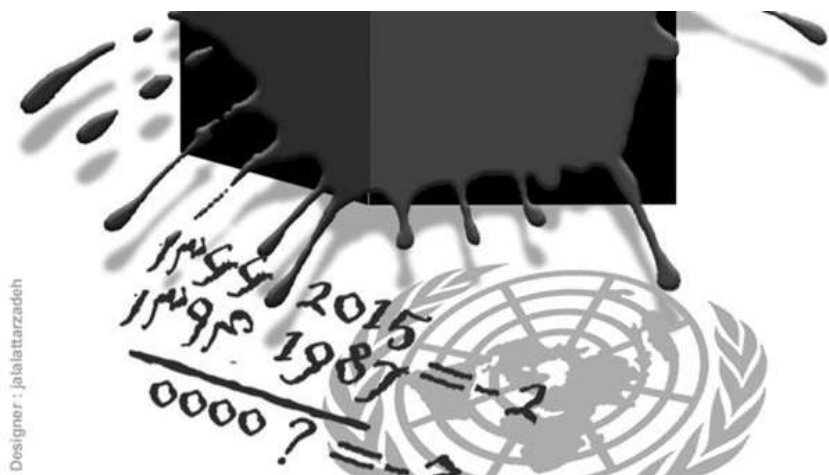
این تابلو برای همدردی با شهدای مناکشیده شد. می‌خواستم در این نقاشی فضایی را ایجاد کنم که آرامش‌بخش دل‌های داغدار خانواده قربانیان منا باشد... بیننده با دیدن این تابلو ابعاد آسمانی کعبه را به یاد می‌آورد، ناظر و شاهد بودن خداوند را باور می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که ارزش دارد تا انسان پای دینش قربانی شود.^{۱۰}



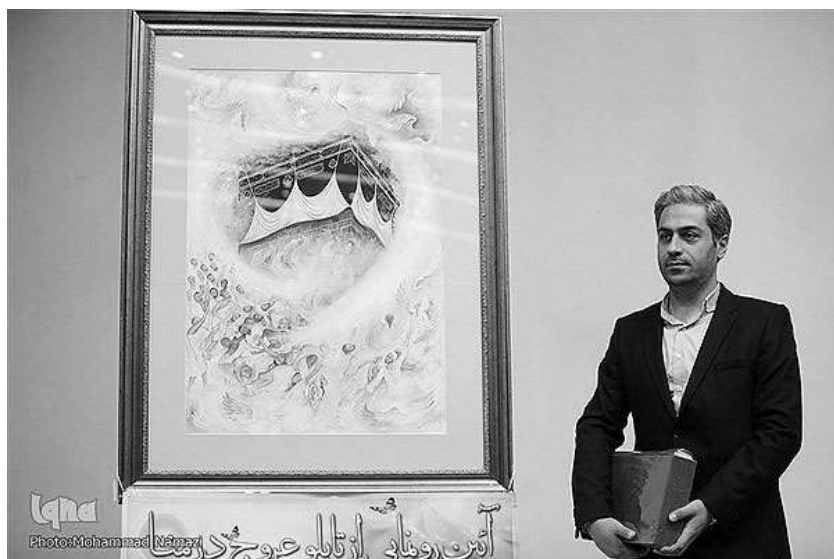
۹. خبرگزاری ایسنا، ۳ مهر ۱۳۹۴

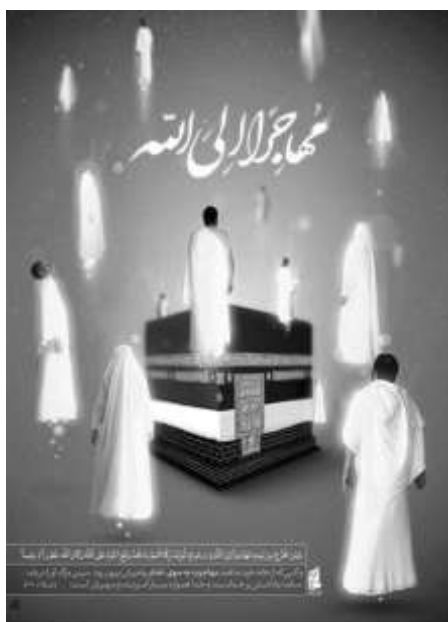
۱۰. خبرگزاری فارس، ۲۲ شهریور ۱۳۹۵

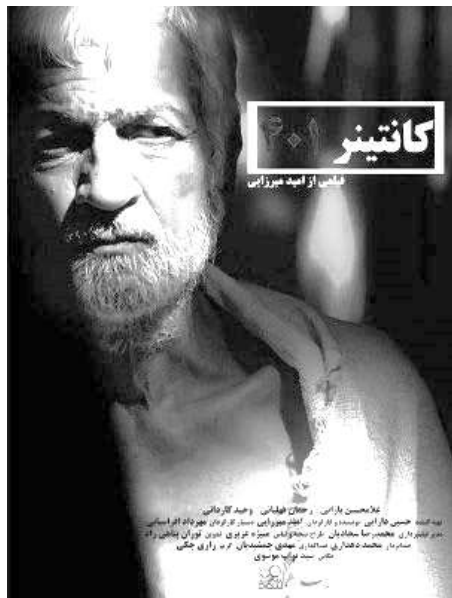
نمونه‌ای از آثار تولیدی

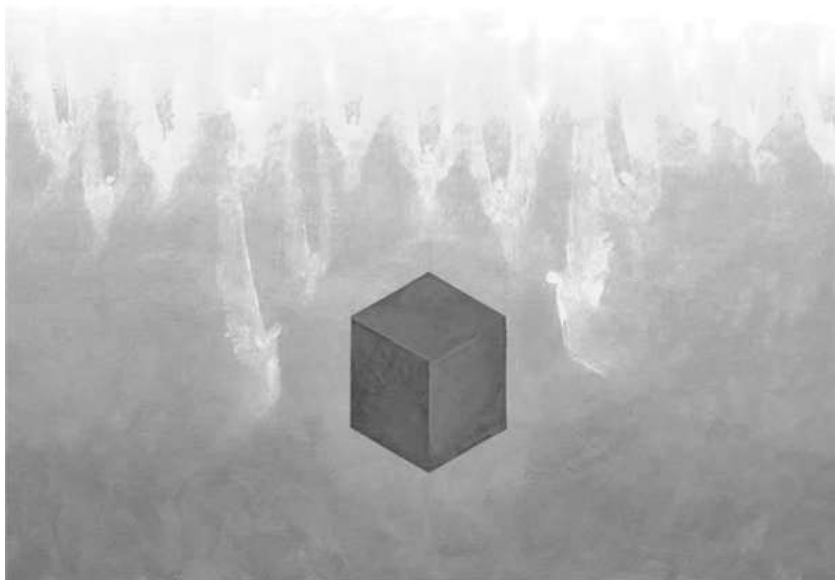














واکنش هنرمندان در صفحات ۳۴۹ تا ۶۴۱ جلد هفدهم مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و همراه با گزارش تصویری درج شده است.

روایت شاهدان

بیشترین محتواهای منتشر شده در ارتباط با «فاجعه منا» خاطرات و گزارش‌های شاهدان عینی این واقعه است. هم رسانه‌ها و هم برخی نهادهای مسئول با حجاج و افراد حاضر در خیابان ۲۰۴ مصاحبه و گفتگو کردند. روایت‌های ۷۷۰ نفر از حجاج و زائران بیت الله الحرام در ارتباط با این واقعه جمع‌آوری شده است.

خاطرات مکتوب

برخی خاطرات و روایت‌ها نیز به صورت مکتوب از این واقعه منتشر شده است، در کتب، نشریات و فضای مجازی، توسط افرادی که از نزدیک شاهد ماجرا بوده‌اند. در این زمینه نیز ۱۱۰ روایت شناسایی، گردآوری و تدوین شده است. این افراد عموماً از کارگزاران حج، چهره‌های فرهنگی هنری و مسئولین نهادهای دولتی و غیر دولتی هستند.

روایت‌های منتشر شده از شاهدان عینی در صفحات ۱۹ تا ۴۳۴ جلد دوم مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و تمام‌متن درج شده است.

نمونه‌هایی از روایت‌های جمع‌آوری شده از فضای مجازی

وقتی ما از مشعرالحرام به منا رسیدیم، در چادرهای خودمان مستقر شدیم، عرف بر این است زمانی که حاجیان به منا می‌رسند، صبحانه‌ای می‌خورند و بعد از برداشتن سنگ‌ها و اندکی آب برای رمی به سمت جمرات حرکت می‌کنند.

این نکته را مدنظر داشته باشید که دورترین چادرهای زائرین به جمرات، چادرهای ایرانیان است؛ یعنی در ابتدای منا و انتهای مشعر -جایی که مشعر تمام و منا شروع می‌شود- از همان ابتدا چادرهای ایرانی‌ها است، یعنی دورترین نقطه ممکن به جمرات نصیب ایرانیان شده است؛ که قطعاً این هم از سیاست مسئولین این کشور است که زائران ایرانی هم به زحمت بیشتری بیافتند و هم نتوانند با مسلمانان دیگر نقاط جهان ارتباط بگیرند.

از سوی دیگر، همسایه‌های ایرانیان در صحرای منا، آفریقایی‌های غیر عرب زبان هستند که ارتباط‌گیری با اینها نیز نسبت به عرب‌زبانان، برای مردم ما سخت‌تر است؛ بنابراین این یک نکته که چادرهای ما با جمرات فاصله بسیار زیادی دارد و زائری که از عرفات آمده و شب عرفه در صحرای عرفات بوده و به عبادت پرداخته و در روز عرفه هم فعالیت زیادی در داشته است به صورت طبیعی خیلی خسته شده است (ضمن اینکه دعای عرفه امسال خیلی زودتر از موعد تعیین شده تمام شد چراکه گرمای هوا فوق‌العاده زیاد بود و برخی زائران ما در عرفات و هنگام دعای عرفه به دلیل اوج گرما و تعریق زیاد از حال رفته و بی‌هوش شدند) بعد از عرفات هم خودش را به مشعرالحرام رسانده و با پای پیاده تا منا رفته است. بعد از آن هم باید برای رساندن خود از منا به جمرات فاصله طولانی را طی کند، بنابراین حجاج نیازمند نیرو توان زیادی برای رمی جمرات هستند و طبیعی است که نیروی جسمانی زائرین در اینجا تحلیل رفته است.

از دیگر سو، میزان جمعیت حجاج نسبت به سال‌های گذشته به طور تقریبی نصف بود، بر اساس آمار عربستان امسال دو میلیون حاجی برای حج آمدند. حقیر سال ۹۱ را نیز درک کردم که حج اکبر بود و اگر اشتباه نکنم جمعیت حدود ۴ میلیون بود. وقتی عید قربان روز جمعه باشد اصطلاحاً حج اکبر نام دارد و خیلی از مسئولین این کشور هم در موسم حج شرکت می‌کنند. غرض من از طرح این نکته این است که قطعاً مدیریت دو میلیون زائر مشقتی ندارد و جز مسئولین این کشور هیچ‌کس در این اتفاق تلخ مقصر نیست.

بنده به همراه دوستان حدود ساعت ۷:۳۰ از چادر بیرون آمدیم، از پله‌ها پایین رفتیم ولی پلیس مسئولین این کشور و نیروهای امنیتی اجازه ندادند از خیابانهای دیگر به سمت جمرات حرکت کنیم و با نیروهای پرتعداد خویش ما را به خیابان محل حادثه (خیابان ۲۰۴) هدایت کردند و به‌هیچ وجه اجازه ندادند که ما از سایر خیابانهای موازی با خیابان ۲۰۴ به جمرات برویم. شما اگر نقشه منا را نگاه کنید، خیابانهای موازی به سمت جمرات وجود دارد ولی مابقی خیابانها بسته بود؛ نه تنها اجازه ندادند وارد خیابانهای دیگر شویم حتی شما نمی‌توانستید از داخل خیابان ۲۰۴ به داخل کوچه‌ها یا معبرهای متصل به خیابانهای موازی دیگر بروید تا وارد خیابانهای دیگر شوید.

این خیابان از همان ابتدا وضع غیرعادی داشت، ازدحام زیاد زوار ایرانی، آفریقایی، هندی و پاکستانی و... مشهود بود، از یک طرف راه به خیابانهای موازی بسته شده بود و از سوی دیگر، جمعیت کثیری از حجاج بر اساس راهنمایی مأموران به سمت این خیابان سرازیر می‌شدند. بنده به همراه چندین نفر از عزیزان از جمله «آقا مرتضی طاهری» مداح اهل بیت (ع) و چهار نفر دیگر از دوستان بعثه مقام معظم رهبری شروع به پیمودن راه کردیم. ازدحام جمعیت بسیار بالا بود و

به‌کندی پیش می‌رفت و شاید بهترین تعبیر این باشد که از همان ابتدای خیابان تقریباً به‌صورت مورچه‌ای قدم برمی‌داشتیم.

ما مسیر را با این سختی شروع کردیم هنگامی که به نیمه راه رسیدیم، کم‌کم همه بی‌حال و کلافه شدیم، با اینکه اوایل صبح بود ولی دمای هوا فوق‌العاده بالا بود و طبیعتاً آبی که به همراه خود آورده بودیم تمام شد؛ به جایی رسیدیم که جمعیت می‌ایستاد و حرکت نمی‌کرد، آن‌قدر حالم بد شد که یکی از دوستان پیشنهاد داد به سمت چپ برویم، به سختی جمعیت را شکافته و با اینکه تمام راه‌های خروجی سمت چپ را بسته بودند ما یک روزنه خروجی پیدا کردیم و خلاص شدیم، وارد خیابان موازی خیابان ۲۰۴ شدیم، به حدی این خیابان خلوت بود که بدون هیچ مزاحمت و ازدحامی توقف کردیم و حتی یکی از دوستان همان جا نذر امام جواد(ع) کردند و برای بقیه دوستان آبمیوه خریدند، توان از دست رفته را به دست آوردیم و از این خیابان راحت و به سرعت و بدون هیچ‌گونه مزاحمتی به سمت جمرات حرکت کردیم، رفتیم و رمی شیطان کرده و برگشتیم، در واقع این وضعیت قبل از حادثه است، جمعیتی متراکم در خیابانی که انتهایش تنگ بود و به صورت مداوم جمعیت به آن تزریق می‌شد و مأموران هیچ تدبیری برای بستن خیابان از ابتدا و یا باز کردن انتهای مسیر نداشتند، تا اینجا شرایطی بود که ما با اینکه اتفاق اصلی را درک نکردیم از وضعیت آنجا دیدیم.

محور بعدی که می‌خواهم در مورد آن صحبت کنم، در واقع برخی نکاتی است که دوستانی که در بطن حادثه بودند، برای ما نقل کردند، یکی از دوستان موضوع بسیار عجیبی را تعریف می‌کرد، ایشان می‌گفت: وقتی انتهای خیابان ۲۰۴ بودم (جایی که محل اصلی حادثه بوده)، مسئولین این کشور ماشینی در خروجی جمرات قرار داده بودند تا حجاج نتوانند به راحتی از خیابان به سمت جمرات،

خارج شوند؛ یعنی بسته بودن غیرطبیعی راه کاملاً برای افرادی که در آن وضعیت گرفتار شده بودند مشهود بود، این دوست ما درباره اقدام پلیس در قبال بی حال شدن و روی هم افتادن حجاج می گفت: وقتی که مردم بی حال شدند و آرام آرام می افتادند، پلیس به صورت دسته جمعی جلو می آمد و به جای اینکه مردم را راهنمایی کند و از این معرکه خلاص کند و مصدومین را از زیر دست و پا نجات دهد، فریاد می زد: «وراء»، «وراء» یعنی بروید عقب؛ این بدان معنا است که پلیسهای زیادی آمده اند که مردم را به سمت عقب برانند و این خودش ماجرا را تشدید کرده است، از ابتدای خیابان هم جمعیت در حال اضافه شدن است و از این طرف پلیس می گوید به عقب بروید، پر واضح است که بسیاری از این جمعیت در این حالت پرس شده است، بخشی بر اثر بی حالی و گرما روی زمین افتادند و بخشی بر اثر فشار و اقدام نا به جای پلیس از بین رفته اند، شما یک قیف را تصور کنید، این جمعیت اینطور کشیده شده پایین و اینها همین طور روی یکدیگر قرار گرفتند.

این مسئله را هم بگویم که همین الان مسئولین این کشور در تلویزیونهایشان ادعا می کنند که یک گروهی از روبرو می آمدند و به دلیل حرکت در خلاف جهت این اتفاق پیش آمده است که این حرف قطعاً نادرست است، این را هم بدانید که این چند روز مسئولین این کشور با فرافکنی به شدت علیه جمهوری اسلامی ایران در حال تبلیغات هستند و به شدت ایران را در رسانه هایشان متهم و تخریب می کنند، البته این رویه همیشگی آنها بوده ولی بعد از حادثه منا به شدت اوج گرفته است.

برخی دیگر از دوستانی که در وسط حادثه بودند و همکار ما در بعثه مقام معظم رهبری هستند تعریف می کردند که بارها بالگردها از بالای سر حجاج

زخمی و بی‌رمق عبور کردند و مردم به یکدیگر امیدواری می‌دادند که بالگردها برای کمک برمی‌گردند اما ساعتها هیچ اقدامی انجام نشده است و از سوی دیگر، دوربینهای مداربسته مدام در حال ضبط حوادث بودند و حتی بالای چادرهای اطراف خیابان ۲۰۴، تصویربرداران با اینکه می‌دیدند مردم در حال جان دادن هستند در حال فیلمبرداری از این حادثه دل‌خراش بودند. این یعنی همه نظاره‌گر بودند و هیچ‌کس نیامده به این وضعیت سامانی بدهد.

هیچ‌کس در آن شرایط برای حجاج بی‌حال اقدامی انجام نداده است و یکی از دردناک‌ترین مسائل مربوط به این اتفاق این است که دو طرف این خیابان چادرهای برخی کشورهاست. قطعاً کشورهایی که چادرهایشان نزدیک محل حادثه بوده است، جز معدودی از آنها دیگران به وظیفه انسانی و اسلامی خود عمل نکرده‌اند. اگر درهای چادرهای خود را باز می‌کردند این جمعیت می‌توانست از راه‌ها فرعی خود را به خیابانهای موازی برساند؛ اما از ترس اینکه این جمعیت به چادرشان هجوم نیاورد درب مجموعه‌های خود را بسته بودند.

این حجاج بی‌رمق، وحشت‌زده، گرم‌زده و تشنه، تقاضای آب می‌کردند ولی مسئولین این کشور از آب هم مضایقه کردند؛ این را بدانید که خیلی از حجاج و عزیزان قربانی، از تشنگی جان خود را از دست دادند. حرارت بسیار بالا، آن‌هم زائری که عرض شد از عرفات و مشعر آمده و انرژی زیادی از او گرفته شده است.

گفتنی‌های مربوط به این حادثه مثنوی هفتاد من کاغذ است و به نظر حقیر هر چه سریع‌تر باید مستند شود تا برای قضاوت آیندگان در تاریخ بماند. من شخصاً از منابع موثق در بعثه شنیدم که یکی از مجروحین که خود پزشک بوده

تعریف کرده که پلیس هنگامی که متوجه شده این مجروح ایرانی است، پایش را با پوتین روی خرخره این عزیز گذاشته است تا این بنده خدا از نفس بیافتد و بمیرد.

یک روحانی از کاروان اهل سنت در مجروحین هست که گفته من نیمه‌جان بودم، اما من را گذاشتند داخل این کاورهای نگهداری حمل میت و زپیش را کشیدند، یکی از اینها گفت که این زنده است اما دیگری گفته که این شخص ایرانی است رهایش کن تا بمیرد. تا بالاخره خدا کمک کرده و نجات پیدا کرده است.

شک نکنید که بخش زیادی از مجروحین به دلیل تشنگی و به دلیل کم‌توانی از دنیا رفتند و اگر به موقع به حجاج امدادرسانی می‌شد، خیلی از این افراد زنده می‌ماندند. به نیروهای ایرانی هم به هیچ وجه اجازه امدادرسانی داده نمی‌شد که بعداً اشاره خواهم کرد.

این حاجیان مظلوم ساعتها در کش و قوس و کشتی گرفتن بودند؛ یک کشتی‌گیر وقتی سه دقیقه کشتی می‌گیرد، چه حالی پیدا می‌کند؟ حالا شما فرض کنید مثلاً دو ساعت طرف دارد به طور مداوم می‌جنگند، هلش می‌دهند و جمعیت در آن گرما و کم‌رمقی عقب و جلو می‌شود آن‌هم در شرایط نبودن آب. بعد اینها روی هم افتاده‌اند و اگر کسی در این شرایط بی‌حال بشود و بیافتد کار تمام است. به هر حال در تقصیرکاری مسئولین این کشور و بی‌کفایتی آنها در اینکه نتوانستند یک خیابان را مدیریت کنند، شکی نیست. حال دلیل اصلی این اقدام ظالمانه از سوی آنان چه بوده من اظهارنظری نمی‌کنم چون شایعات زیادی اینجا مطرح است.

بخش بعدی عرایض من، درباره مشاهداتی است که خودم بعد از حادثه داشته‌ام. وقتی ما بعد از رمی جمرات به چادر خودمان برگشتیم قربانی را انجام دادیم و بعد از حلق یا تقصیر از احرام بیرون آمدیم آرام‌آرام خبرهایی آمد که چند نفر در راه کشته شدند و فضا ملتهب شد، بعد از نماز عصر در بعثه مقام معظم رهبری رفته‌رفته ستادهای امداد تشکیل شد و گروه‌گروه از عزیزان بعثه مقام معظم رهبری و سازمان حج و زیارت، تجهیز می‌شدند با یک کاور و کلاه به عنوان امدادگر اعزام می‌شدند به محل حادثه و ما بعد از حادثه دو مرحله با تعدادی از دوستان بعثه مقام معظم رهبری با لباس امداد به محل حادثه اعزام شدیم.

این نکته را خوب دقت داشته باشید: ما با گروه‌های متعددی رفتیم داخل خیابان ۲۰۴، صف پلیس که دستها را به هم حلقه کرده بودند، به هیچ وجه نمی‌گذاشتند ما داخل بشویم؛ هر کدام از دوستان سایر گروه‌ها ما را می‌دیدند می‌گفتند برگردید به هیچ وجه اجازه ورود نمی‌دهند. ما تا جایی رفتیم که فقط چهارتا جنازه کنار خیابان بود، سه جنازه مربوط به حجاج ایرانی بود که دوستان از کارت زائر شهید و چهره، عکس گرفتند و برگشتیم، اگر اجازه داشتیم برویم داخل چه‌بسا عده‌ای هنوز زنده بودند و اگر دوستانی که قبل از ما اعزام شدند اجازه ورود می‌داشتند قطعاً از تعداد شهدا کاسته می‌شد.

مرحله بعدی ما دوباره اعزام شدیم به محل حادثه که اینجا خیلی اتفاقات عجیبی افتاد، مسئولین این کشور مجدداً اجازه ندادند که برویم، حالا اینجا ساعت ۶ بعد از ظهر است و حجم بسیار زیادی جنازه روی زمین. سرعت امدادرسانی بسیار کند و فشل؛ ما با یک ترفندی از داخل خیمه مصری‌ها، خودمان را انداختیم وسط جایی که جنازه‌ها روی زمین بود.

صحنه خیلی غمناکی بود، حجم وسعی از جنازه‌ها روی یکدیگر قرار گرفته بود، یک عده از جنازه‌ها حوله‌های احرامشان را رویشان کشیده بودند. دسته بعدی از جنازه‌ها هنوز درهم بودند و از هم جدا نشده بودند، من نمی‌توانم بگویم چقدر جنازه دیدم، به بدترین شکل ممکن اجساد این مهاجران الی الله روی هم انباشته شده بود.

اولاً به کسی اجازه نمی‌داند که از هیچ صحنه‌ای عکس بگیرد؛ یعنی اگر شما می‌خواستید عکس بگیرید، دوربین و تلفن همراه را بلافاصله می‌گرفتند که همین اتفاق برای برخی از دوستان افتاد و تلفن همراهشان را ضبط کردند.

نکته دردناک دیگر که من شاهد بودم این بود که اگر اغراق نکنم به ازای هر جنازه روی زمین شاید سه نیرو آنجا ایستاده بود. می‌خندیدند، با هم راه می‌رفتند، شوخی می‌کردند و سیگار می‌کشیدند و انگار که این بدنهای روی زمین افتاده انسان نیستند، دریغ از یک لحظه کمک، فقط یک سری کارگرهای با لباسهای قرمز رنگ مشغول کار بودند. البته کار بسیار کند پیش می‌رفت. ما و دوستان در این شرایط در چادرهای اطراف محل حادثه دنبال مجروحین بودیم؛ یعنی احتمال می‌دادیم که افرادی زنده باشند و درون این چادرها رفته باشند. چون بدنهایی که روی زمین بودند همه به شهادت رسیده بودند و دیگر کسی زنده نبود. تخلیه جنازه‌ها با کندی صورت می‌گرفت و تریلرهای انباشته از جنازه صحنه را ترک می‌کردند.

یک نکته وجود دارد که باید عزیزان به آن توجه کنند و آن این است که مسئولین این کشور در این سرزمین مقدس که محل نزول وحی و قدمگاه انبیاء و رسول خدا و معصومین (علیهم‌السلام) است، قدرت مدیریت نظافت شهری را هم ندارند؛ یعنی مشاعر مقدسه عرفات، شعر و منا، به یک زباله‌دان بزرگ تبدیل

می‌شود. شما اگر این روزها به شهر مکه بیایید، کنار خیابانها پر از زباله است که منشأ بسیاری از بیماری‌هاست. از دولتی که خودش را خادم حرمین شریفین می‌داند اما مدیریت زباله‌های شهری را نمی‌تواند انجام بدهد، شما انتظار دارید جنازه‌ها و اجساد مطهر شهدا را زود جمع‌آوری کنند یا به حال محرومان رسیدگی کنند؟

من عذرخواهی می‌کنم از طرح این نکته که این بدنهای مطهر با زباله‌ها با هم بودند. این اجساد مطهر در کنار حجم انبوهی از زباله‌های متعفن روی زمین افتاده بودند. این شهدای مظلوم همه برای خود ستارگانی بودند؛ اما در بین اینها تک‌ستارگانی فروزان داشتیم که در این نظام اسلامی بالنده شده بودند و به ثمر نشسته بودند، افراد صدیق و خدومی که ثلمه از دست دادن آنان به این راحتی‌ها پر نخواهد شد و خدمات آنان به اسلام و انقلاب هیچ‌گاه از ذاکره ملت رشید ما پاک نمی‌شود. ملت ایران بعدها این عزیزان را بیشتر خواهد شناخت.^{۱۱}

خداوند توفیق داد سال ۹۴ حج تمتع را به همراه خانواده انجام دادیم که آن سال اتفاق‌های تلخ بسیاری برای حاجیان اعزام شده رخ داد.

یکی از اتفاق‌ها سقوط جرثقیل پشت سعی صفا و مروه بود که به دلیل شیب زمین از ساختمان‌های بلند اطراف کعبه عبور کرد و در نزدیکی خانه خدا سقوط کرد که عامل شهادت تعدادی از حاجیان شد.

اتفاقات دیگری در مجموعه مسجدالحرام رخ داد که آن‌ها نیز باعث ایجاد رعب و وحشت بسیاری میان حاجیان شد مثل پارگی لوله انتقال فشار گاز در زمان نماز مغرب بود که برای حجاج رعب و وحشت شدیدی ایجاد کرد.

۱۱. میثم مطیعی، از اعضای بعثه مقام معظم رهبری

در اتفاقی دیگر موانع پلاستیکی در معبرهای ساختمان‌های صفا و مروه بود که سنگین هم بودند که از ارتفاع سقوط کردند که به علت صدای زیاد احساس انفجاری رخ داد که جمعیت زیادی به سمت بیرون فرار کردند و شرایط نامناسبی رخ داد.

عده زیادی از حجاج به صحرای عرفه برای ادای مناسک رفته بودند در زمان بازگشت که به سمت منا می آمدیم همه حجاج به نوعی از عرفات حرکت کرده بودند و به منا رسیده بودند جمعی زودتر رفته بودند و مجموعه عظیمی نیز در حال رفتن به رمی جمرات بودند.

پلی در بزرگراه مسیر عرفات که به مکه وصل می شود در آن منطقه وجود دارد که آن روز و در آن ساعت ها برای عبور شاهزادگان پل را بسته بودند به همین جهت جمعیت به سمت خیابان ضلع جنوبی هدایت شدند.

وقتی جمعیت از بزرگراه به خیابان کوچکی هدایت شدند ازدحام شدید جمعیت ایجاد شد جمعیتی اصرار به رفتن به سمت رمی جمرات داشتند و جمعیت زیادی نیز اصرار داشتند به سمت منا و چادرهای خود بروند که این ازدحام باعث شد حجاج به صورت مرداب روی یک دیگر ریختند.

ما نیز که در آن نقطه قرار داشتیم به کناره پل که سکو مانند بود ایستادیم و نرده ها را گرفتیم که فشار فرار حجاج نیز زیاد بود در این حین نیز نرده ها کنده شد زیر پل چادرهای گروهی بود پرت شدیم به زیر پل و خود را کشانیدیم دو کوچه پایین تر تا زیر دست و پا نمانیم.

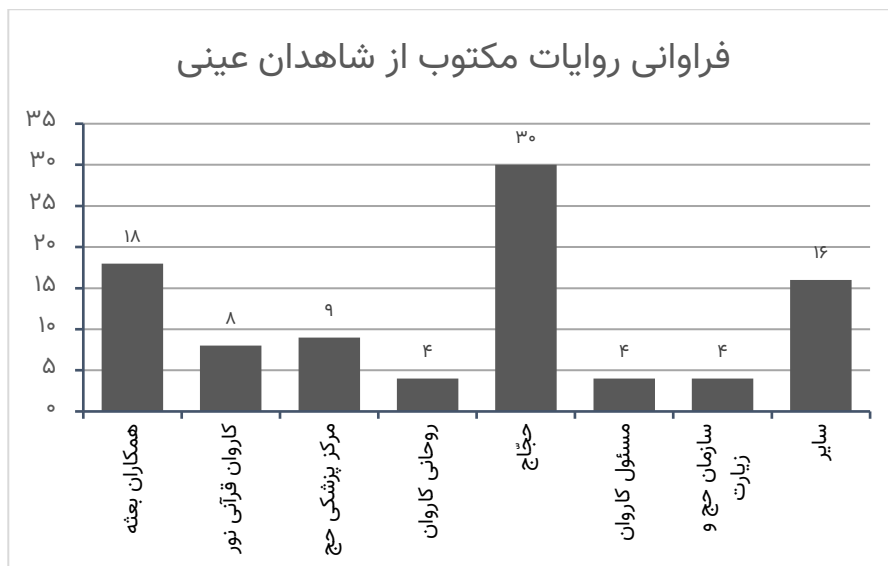
در آن جا حال من بد شد به یکی از چادرها رفتم تا آب بریزند بعد از چند ساعت که حالم بهتر شد به سمت چادرهای منا خود رفتم بعد از چند ساعت از

حادثه شرطه ها بودند اما کمکی نمی کردند و از طرفی شرطه ها برای ایرانی ها هم اگر کاری می خواستند انجام دهند مزاحمت ایجاد کردند.

هیچ اهمیتی برای کمک و نجات وجود نداشت اگر از روی همان پل آب می پاشیدند خیلی ها شهید نمی شدند یا پیشگیری می کردند از ورود جمعیت های جدید به هیچ وجه این فاجعه رخ نمی داد.

اگر این حادثه در ایران بود مدیران رده چندم به راحتی بحران را مدیریت می کردند بعد از حادثه نیز به ایرانی ها برای یافتن افراد مفقودی اجازه ورود به منطقه یا بیمارستان ها را نمی دادند که شرایط نگران کننده ای را ایجاد کرده بود تا اینکه رهبری عربستان را تهدید کرد و عربستان به فکر همکاری با ایرانیان افتاد.

عربستان در سهل انگاری در عدم توجه به مانیتورینگ عرفات تا مکه عامدانه انجام رفتار کرد چرا که کوچک ترین رفتارها را رصد می کردند وقتی چنین قدرت نظارتی وجود داشت نباید این حادثه عظیم رخ می داد یا اینکه بعد از دو ساعت به فکر چاره اندیشی باشند.^{۱۲}



گفتگو با حجّاج

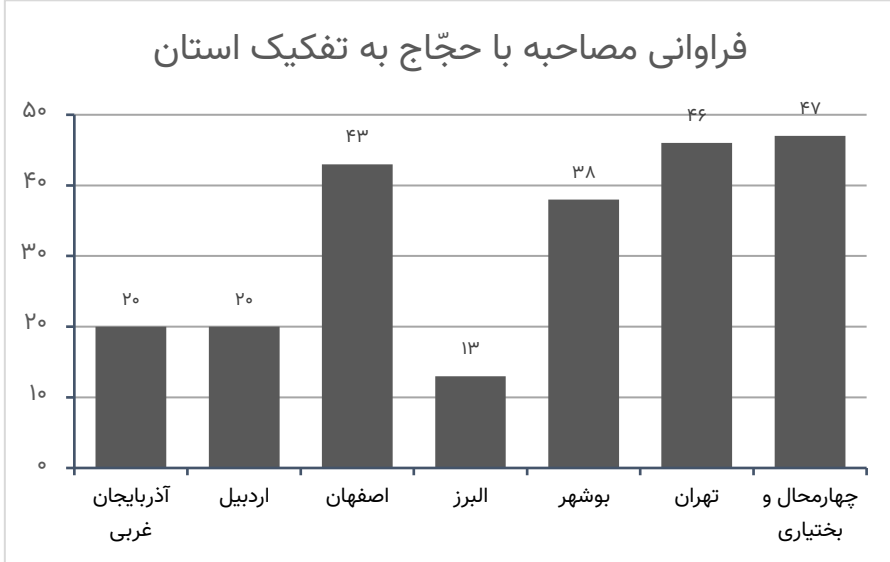
متن ۶۶۰ مصاحبه با زائران اعزامی از شهرهای مختلف کشور با دقت و به صورت کامل پیاده و تدوین شده است. این افراد در زمان وقوع حادثه در میان کاروان‌های گذرکننده از خیابان ۲۰۴ بوده‌اند که شاهدان عینی فاجعه هستند.

بعثه مقام معظم رهبری از همان نخستین روزهای پس از حادثه تا بازگشت کاروان‌های زیارتی به ایران این گفت‌وگوها را ترتیب داده و با اعزام تیم‌های خبری به استان‌های مختلف ثبت و ضبط کرده است. متن این گفت‌وگوها برای نخستین بار در مجموعه آثار فاجعه منا منتشر شده.

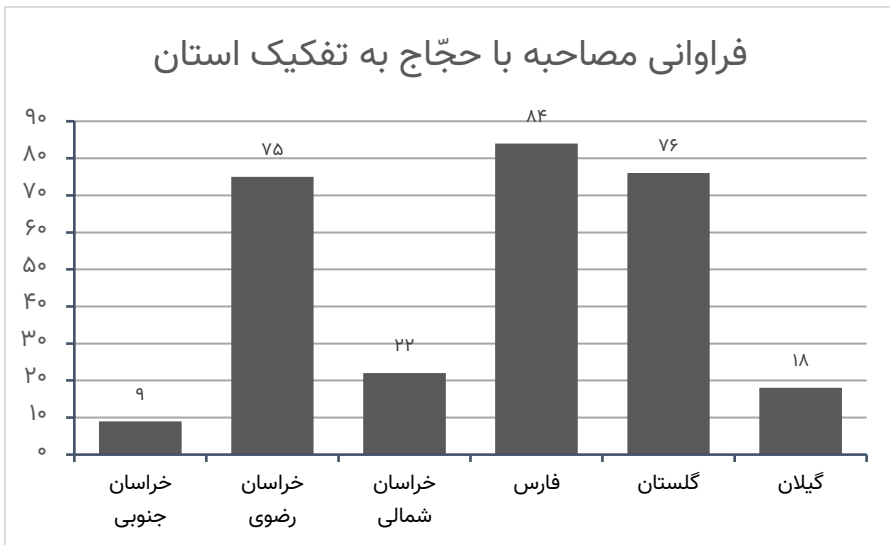
این روایت‌ها می‌تواند به عنوان منبعی مهم و اصیل مورد استفاده و بهره‌برداری حقوقدانان، پژوهشگران، فیلمسازان و تمامی علاقمندان به پژوهش قرار گیرد.

شیوه طبقه‌بندی روایت‌ها بر اساس نام خانوادگی راویان بوده است.

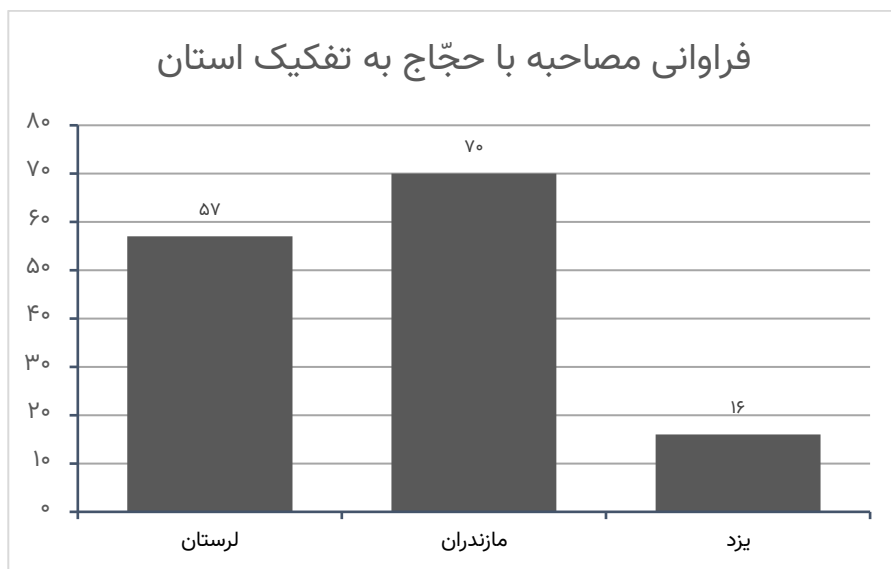
گفتگوهای بعثه با حجاج در مجلدات سوم، چهارم، پنجم و ششم مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و تمام‌متن درج شده است.



گفتگوهای بعثه با حجاج استان‌های فوق در صفحات ۲۵ تا ۸۱۹ جلد سوم مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و تمام‌متن درج شده است.



گفتگوهای بعثه با حجاج استان‌های فوق در صفحات ۲۳ تا ۷۶۸ جلد چهارم و صفحات ۲۱ تا ۷۹۳ جلد پنجم مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و تمام‌متن درج شده است.



گفتگوهای بعثه با حجاج استان‌های فوق در صفحات ۲۱ تا ۷۲۹ جلد ششم مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و تمام‌متن درج شده است.

نمونه‌هایی از مصاحبه با حجاج

اول صبح بود، حرکت کردیم، بیست دقیقه بعد از طلوع آفتاب، به سمت جمرات. قبل از هفت صبح به راه افتاده بودیم.

❖ شما که حرکت کردید به سمت رمی جمره ظاهراً وارد خیابان ۲۰۴ شدید،

حالا این خیابان ۲۰۴ را خودتان بر حسب اختیار خودتان انتخاب کردید، یعنی

کاروان رفت و وارد شد یا نه، رفتید خیابان دیگری ولی هدایتتان کردند آنجا؟

اولین بار منطقه را می‌رفتیم. اینکه از این طرف برویم یا از آن طرف، جزییاتش

را مطلع نیستیم. ما وارد خیابان ۲۰۴ که شدیم، اولش خیلی عادی بود، خیلی راحت

میرفتیم، خیلی راحت. پرچم هم دست من بود. جلو که رفتیم کم کم با شلوغی و ازدحام جمعیت مواجه شدیم. تقریباً آخر سر با توقف کامل کاروان مواجه شدیم.

❖ پرچم که دست شما بود، پس جلو کاروان بودید دیگر؟

بله. مجموعاً سی و چهار نفر بودیم. ایرانی هم در مسیر نبود، از کشورهای خارجی بودند. توقف کامل کردیم. اکثر زائرها سیاه پوست بودند. بعد از چند دقیقه فشار جمعیت بیشتر شد. فشار جوری شد که کاملاً حالت خفگی دست داد. مثل اینکه سه، چهار نفر روی سینه‌ات نشسته‌اند و نمی‌توانی نفس بکشی، اصلاً امکان نفس کشیدن نبود. معذرت می‌خواهم، بوی عرق، بوی بخاری که از بدن‌ها ساطع می‌شد امکان نفس کشیدن را گرفته بود.

❖ متوجه شدید چه علتی باعث شد مسیر مسدود بشود؟

من چیزی ندیدم. تو جمعیت بودیم، بعد از تراکم رسیدیم. مثل اینکه موج جمعیت ما را می‌زد، نمی‌توانستیم سرپا بایستیم. موج این ور آن ور میکرد. من خیلی فشار آوردم که نیفتم. البته دست خودم نبود بیافتم یا نیافتم، بعد دیدم تقریباً دومتري جلو من یک فضای تقریباً باز هست، فکر کردم چند نفری آنجا هستند که آنهایی که حالشان خراب شده را کمک می‌کنند، یا آب می‌دهند.

موج جمعیت که آمد دوباره مرا هل داد، رفتم بالای این حوله‌هایی که افتاده بود. ۲۰، ۳۰ سانتی متر ارتفاع گرفتم، یک هوایی خورد، نفس کشیدن یک کم راحت تر شد. دیدم آنها افتاده اند دارند جان می‌دهند، چند نفری مُرده‌اند، یا توی آن حالت هستند.

به زور خودم را سعی کردم بیرون بکشم از جمعیت، مثل اینکه با دست یک آجر از دیوار در بیاوری. فکر نکنم بشود توصیف کرد، غیر قابل توصیف است،

اصلاً امکان ندارد با آن فشار چند قدم راه بروی. موج من را رساند، دست خودم نبود.

فکر می‌کنم، تقریباً کل ماجرا، از آن موقع که راه بیفتیم تا از آن مخمصه خلاص بشویم، احتمالاً نیم ساعت طول کشید.

به خاطر تشنگی، ضربان قلب، اصلاً من حال ایستادن نداشتم. یعنی خدا به ما یک لطفی کرد، اگر یک دقیقه بیشتر فشار و گرما را تحمل نمی‌کردیم، شاید ما هم می‌افتادیم. دریغ از یک قطره آب. من تقریباً ۱۵۰ متر جلوتر رفتم، گفتم: می‌رویم سایه. رفتیم آنجا نشستیم، سه نفر بودیم، به زور رفتم.

پاکستانی‌ها یک ساختمانی داشتند، جلو، پشت نرده‌ها کلمن گذاشته بودند، یک ظرف آب خالی از یک ایرانی گرفتم، آن پشت، چند نفر ایستاده بودند، این ظرف آب را پر کردم. حالا ما که تو این حادثه بودیم، مردمی که این حادثه را دیده بودند از کشورهای مختلف، تشنه‌تر از ما بودند. به ما التماس می‌کردند که از آن آب یک قطره به ما بدهید. خلاصه چند قطره از آن آب خودم خوردم، چند قطره زدم سر و صورت آقای قلی زاده، ایشان هم حال آمد. یک آمبولانس آنجا سر سه راهی ایستاده بود، ماجرا را هم که هیچ کس خبر نداشت چه شده است. ❖ زمانی که توی تجمع قرار داشتید متوجه شدید که پلیس یا نیروی امنیتی

یا امدادگری هست که ملت را راهنمایی کند؟

نه، اصلاً هیچ چیز ندیدیم. هیچ پلیسی آنجا دیده نشد آمبولانسی که آنجا بود، نه اینکه برای حادثه آمده بود، برای تدارک کلی بود. اصلاً واسه حادثه متوجه نبودند که بیایند کمک.

❖ گفتید: وقتی که داشتید برمی‌گشتید، خیابان‌ها را بسته بودند، آن موقع متوجه شدید که تو خیابان اتفاق غیر طبیعی افتاده است؟ ماشینها زیاد شدند،

نیروهای امدادی بیشتر شدند، آمبولانس زیاد آمده یا آتش نشانی. اینها مثلاً احساس نکردید؟

صدای آمبولانس می آمد، ولی چیز خاصی نبود. درست است صدای آمبولانس می آمد، ولی آن خیابان ها هم بسته بودند، که احتمالاً بغل همان مسیر اصلی بود.

❖ شما که از مهلکه خارج شدید حدوداً ساعت چند بود؟

اگره ساعت ۷ ما آنجا باشیم، قبل از هشت، نزدیک ساعت هشت. البته ساعت نداشتیم که حساب کنیم، اما حدوداً از طلوع آفتاب که ما وارد منا شدیم، نیم ساعته بیشتر، شاید یک ساعت طول کشید تا برویم چادرها و برگردیم. ساعت هشت می شد.

❖ نظر خود شما در مورد این فاجعه چیست؟ چه عواملی دست به دست هم دادند که این اتفاق افتاد؟

شاید خیابان ها را بستند. ما شنیدیم. هرچه هست، اصلاً تدبیر باید جوری باشد که مولای درزش نرود. باید با تدبیر بود. هفت، هشت هزار نفر افتادند. هفت، هشت هزار نفر، تقریباً دو برابر، سه برابر آن نیروی امدادی می خواهد که دست اینها را بگیرد. مثلاً تو آمبولانس بگذارد. اگر هم شانزده، پانزده هزار نفر هم بیایند اصلاً جا نبود.

آنقدر باید کار سنجیده، آنقدر باید کار با نظم و ترتیب باشد. باید امور پیش بینی شده باشد. اگر به ترتیب ما را از مشعر، ما که اصلاً اطلاع نداشتیم. حتماً باید پیشگیری می کردند. یا بعد از حادثه، دیگر فکر نکنم اصلاً بفهمند. بفهمند که آنجا هفت هزار نفر افتادند. تو این همه جمعیت یک نفر می خواد چکار کند. آن بیست و دو نفر دوستانمان که همه دچار حادثه شدند، چون اول جمعیت بودند، پنجاه

متر، صد متر تا امدادگرها فاصله داشتند، از تشنگی و از بی حالی همه آنها فوت شدند. آدمها همین جور می افتادند. عدم همکاری. آنهایی که تو چادرها بودند، شاید می ترسیدند. بعضی کمک نکردند، آب ندادند، بعضی هایشان سخت گرفتند. انشالله که برای برنامه های سال های آینده، حتما تدبیر و برنامه ریزی و طوری باشد که این اتفاق ها نیفتد.

❖ کسی بود که هدایتان کردند به آن سمت؟ پلیس بود؟

آره بودند. چون اگر اشتباه نکنم قبل از این، سمت راست هم پله داشت، سمت چپ هم راه داشت، که می آمدند وارد این خیابان می شدند. یعنی آنها که برمی گشتند می خواستند بیایند خیابان اصلی از آن پله می آمدند بالا، وصل می شدند به این خیابان اصلی، ولی موقعی که ما میرفتیم، الان یادم آمد که سمت چپ و راست سرباز بودند، نمی گذاشتند از سمت راست و چپ بروید به راه های فرعی، دقیقاً هدایت می کردند به خیابان ۲۰۴. ما از زیر پل رد شدیم، پله ها را رد کردیم، خیلی آرام می رفتیم. تا اینجا که بودیم خیلی نرمال بود، عادی راه می رفتیم.

❖ شما عوامل سعودی هم توی این مسیر میدیدید؟

می دیدیم ولی خیلی کم، نه اینکه هر ده متری. گفتم که: هر هفتاد الی صد متر یک سرباز خیلی کم سن و سال بودند که خیلی بی تجربه بودند. شاید نشود گفت کم تجربه، خیلی بی تجربه بودند. خوب تو مسیر که میرفتیم تا اینجا روال عادی بود تا ۲۱۹، از اینجا به بعد سرعت زائران خیلی محسوس کم شد، خیلی محسوس. یعنی رفته رفته سرعت ما کمتر شد تا جایی که اینجا رسیدیم، این قسمت. تو این قسمت دیگر ما یک جا ایستادیم.

❖ اوج فاجعه را شما کجا دیدید؟

دقیقاً همین جا بود (اشاره به نقشه). این قسمت‌ها دقیقاً ما وسط بودیم. اگر اشتباه نکنم حول وحوش ساعت هشت و نیم، هشت الی نه. دقیقاً زمان دستم نیست، ولی حدود ساعت هشت. چون ما صبح، بعد از نماز پیاده روی کردیم، چهار پنج کیلومتر از مشعر تا منا آمدیم.

❖ خود شما از کدام مسیر خارج شدید؟

تقریباً همان قطعه دوازده که اینجا نشان می‌دهید، همان قطعه دوازده. من موقع رفتن سمت راست بودم، یک وقت چشم باز کردم دیدم سمت چپ خیابانم. از موج جمعیت آدم ناخواسته جابجا می‌شد. ده، پانزده نفری سمت چپ من افتادند زمین، دیگر نتوانستند بلند بشوند، نشستند دستشان را گذاشتند روی سرشان. من خیلی سریع از روی سر آنها حرکت کردم. یعنی هر کسی به فکر نجات خودش بود. از روی سر آنها من حرکت کردم دستم را انداختم میله‌های دیوار را گرفتم، خودم را از جمع کشیدم بیرون، بعد از بالای نرده خودم را انداختم آن ور. یعنی در مجموعه ای که از کشورهای دیگر بود. از آن قسمت که آمدیم بیرون، از جاده‌های فرعی دیگر آمدیم دور زدیم، چون نمی‌شد از همان خیابان برگشت، دور زدیم از پشت سر آمدیم خیابون ۲۱۹. از آن خیابان تازه میدیدیم، من خودم دیدم که یکی از آمبولانس‌ها آن لحظه میان سربازها آمدند جاده را بستند.

❖ چه ساعتی حدوداً بود؟

حدوداً دو و نیم الی سه ساعت بعد از شروع ازدحام.

❖ از چه مسیری آمبولانس‌ها وارد شدند؟

از مسیر اصلی بود، همان ۲۰۴ بود. توی اینکه من خودم میدیدم، همان ۲۰۴ بود، از همان خیابان صدای آمبولانس می آمد، چهار پنج تا پشت سر هم آمدند. بعد همان لحظه، چهار پنج تا ماشین سرباز آمد تو خیابون ۲۱۹. جلوی راه را بسته بودند.

❖ دیدید که چه جور اجساد را جمع آوری و امداد رسانی می کنند؟
بعد از ظهر که رفتیم چادر، دو باره برگشتیم، آن موقع رفتیم دیدیم. وقتی که برمی گشتیم اصلاً تصور نمی کردیم که تا این حد باشد. فکر می کردیم، شاید پیرمردها و پیرزن ها که مریض هستند آنها را می برند، ولی دیدیم، باور کنید صحنه وحشتناکی بود. اصلاً قابل تصور نبود. این همه مُرده، آدم واقعاً به چشم ندیده، خوب هفت هزار مُرده همین جور تلنبار بشوند، خیلی صحنه وحشتناکی بود. من خودم بعد از آن لحظه دیگر آن روز نرفتم رمی جمرات کنم، برگشتم چادر، هیچ کاری نکردم. بعد از اینکه برگشتم مکه، هشت روز افسردگی گرفته بودم. متأسفانه در اتاق که چهار نفر بودیم، دو نفر از هم اتاقی من هم کشته شدند.

❖ چه ساعتی شما امداد گرفتید؟ بعد از ظهر بود؟
بله، بعد از ظهر، فکر کنم ساعت یک و نیم بود.

❖ صبح نبودند؟

صبح نبودند. ما چند نفر بودیم آنجا، همه هم ناراحت شدیم. همان لحظه چنان داد می زدند: ایرانی ها! بفرمایید از دست راست. ۵۰ متر که میرفتی دو باره یکی داد می زد: ایرانی ها: بفرمایید از این سمت. آب هم خودشان به ما می دادند، ولی آن لحظه اینجا نبودند. اگر آنجا بودند فکر کنم صد نفر هم تلفات نمی دادیم. ما را راهنمایی می کردند، می گفتند نروید. بعداً آمدند با ما بحث کردند. گفتیم: والله، بالله شما صبح اینجا نبودید.

❖ اگر بودند مشخص می شدند؟

آره، چون لباس مخصوص دارند، اگر بودند مشخص می شدند. ما صبح اصلاً هیچ کدام اینها را ندیدیم.^{۱۳}

وارد چادرهای منا که شدیم برابر تصمیمات مدیر کاروان گفتند ما زودتر برویم رمی جمرات را انجام بدهیم برگردیم بهتر است چون شلوغ می شود هوا هم گرم میشود و برای ما سخت می شود. بنابراین تصمیم گرفتند و سریع به سمت جمرات راه افتادیم.

❖ حدوداً چه موقع به سمت جمرات حرکت کردید؟

شاید مثلاً ده دقیقه ای داخل چادر بودیم بعد فوراً به سمت جمرات حرکت کردیم. حتی ما گفتیم صبحانه چطور است. صبحانه نمی دهید که بخوریم گرسنه هستیم. گفتند که اگر زودتر برویم این کار را انجام بدهیم بیاییم بهتر است تا هوا گرم نشده است.

❖ بعد حرکت کردید و داخل زیرگذر رفتید. از پله ها پایین رفتید؟

ما حرکت که کردیم از آن کوچه ها رد شدیم آمدیم وارد یک خیابان بزرگی شدیم بعد آمدیم رسیدیم حالت یک سه راهی بود. این چارت های عربستان ایستاده بودند راه ها را بسته بودند و ما را به آن راه سمت چپ هدایت می کردند. حتی مدیر کاروان ما یک مقدار تعجب کرد که چرا این راه ها را بسته اند. از آن راه می رفتیم بهتر بود. دیگر گفتند اشکالی ندارد دیگر راهی ندارد. از همان راهی که ما را به سمت چپ هدایت کردند رفتیم و یک سری پله خورد و از زیر زیرگذری رد شدیم و به یک خیابان دیگری رسیدیم.

❖ شماره خیابان اسم خیابان یادتون هست؟

خیابان را آن موقع نمی دانستیم بعداً گفتند خیابان ۲۰۴ است.

❖ وارد خیابان ۲۰۴ که شدید مسیر حرکت عادی بود؟

آنجا عادی بود و ما می دانیم که همه به حساب کاروان ها را به این خیابان می فرستند. هدایت می کنند که از این، یعنی جاهای دیگر را بسته بودند و ما را به خیابان ۲۰۴ هدایت کردند. اوایل خیابان خیلی مثلاً خوب بود عادی بود. کم کم تراکم جمعیت زیاد شد.

❖ چه کسی به سمت این خیابان هدایت می کرد؟

مامورین عربستان، یعنی مأمورین خودمان هم ما چیزی ندیدیم که مثلاً به زبان فارسی به ما بگویند که خوش آمدید، از این جهت بفرمایید. همه شان عربی بودند.

❖ داخل خیابان رفتید و مسیر را طی کردید؟

بله.

❖ به کجا رسیدید؟ مثلاً یک آدرسی که من می خواهم بدهم این است که

سمت راست شما یک آتشنشانی بود. آتشنشانی را به یاد دارید؟

من آتشنشانی داخل آن خیابان ندیدم. حالا شاید تراکم جمعیت باعث شد که من نبینم.

❖ تابلوی کاروانتان یادتان است؟

بله تابلوی کاروان یادم است. نزدیک تابلو بودم، پشت سر آنها بودیم.

❖ چقدر فاصله داشتید؟

شاید با نفر اول چهار پنج نفر با آن فاصله داشتیم.

❖ این حالت دارد فشرده تر می شود؟

بله فشرده تر می شد.

❖ چقدر راه طی کردید؟

شاید ما حدود دویست سیصد متری رفته بودیم. دویست متری رفته بودیم. به وسط‌های خیابان رسیدیم. ما از روی چادرها رد شدیم.

❖ از روی چادرها رد شدید؟

وقتی ما به یک جایی رسیدیم که تراکم زیاد شد بعد یکی از دوستانمان همین دوستان حاج آقای مرادی ایشان مجروح جنگی بودند به من گفتند فلانی آب داری. گفتم نه. من حقیقتش شیشه نیم لیتری آب آورده بودم تمام شده بود. گفتم اجازه بده، شما آرام آرام می‌آیید من می‌روم برای شما آب می‌آورم. رفتم چند جا که جایگاه‌هایی که آب بود، آب وجود نداشت. شیر آب نداشت. حتی من یک حالتی سبقت گرفتم جلوتر رفتم حدود پنجاه متری صد متری از اینها جدا شدم جلو رفتم دیدم یک جایی مثلاً دارد از شیرها آب می‌آید، آب دارد. یک آب ضعیفی بود و خیلی هم شلوغ بود. همه جمعیت ریخته بودند. من با مکافات یک مقداری چون اجازه هم نمیدادند هی دست‌هایشان را می‌آوردند یک مقداری از این شیشه را آب کردم برگشتم پیش اینها که به حساب به این آقا بدهم. چون دیدم که اینها دیگر نمی‌آیند. یک حالتی که مثلاً دارد بسته می‌شود. سرعتشان خیلی کم شده است. من برگشتم پیش اینها آمدم، یکی از آن مسئولان که پرچم را داشت علامت کاروان را داشت.

❖ چه کسی بود؟

آقای جعفری بود. من آمدم پیش آقای جعفری گفتم چه جوری است. آقای مرادی کجا رفت. گفت رفته است آب بخورد. من همین طوری یک مقداری دنبال آنها گشتم آنها را ندیدم. دیدم تراکم جمعیت بیش از حد شده است. نگاه کردم دیدم که سمت چپ من، سمت چپ خیابان یک حالت فرو رفتگی مثل باغچه

مانند است آنجا این مسئول کاروان که پرچم دستش بود به تعداد سه چهار تا از کاروانی هایمان آنجا رفته بود.

❖ آنجا بودند؟

بله. من هم این وسط گیر کرده بودم یعنی طوری بود که نمی شد تکان بخوری. با یک مکافاتی خودم را به سمت اینها کشاندم. رفتم پیش آنها گفتم، دوستان خودمان یکی آقای عرب بود، حاج آقای عرب، گفتم باید چه کار بکنیم. اینجا خیلی شلوغ شده است، اصلاً تکان نمی خورد. گفتند مثل اینکه تا آنجا ترافیک است. یعنی برداشت اینها این بود که تا جمرات همین طور این جمعیت وجود دارد.

❖ جلوی خودتان را نمی دیدید؟

نخیر جلوی ما دیده نمی شد. خیلی شلوغ بود. آنها گفتند که ما باید برویم وسط آرام آرام برویم. گفتم آقا من آن وسط بودم. آن وسط خبری نیست. جمعیت اصلاً تکان نمی خورد و خیلی هم ناجور است. گفتند نه مثل اینکه راهی نمانده است و ما باید این کار را بکنیم و برویم. این مسئول کاروان آقای جعفری که پرچم دستش بود و این دو سه تا از دوستان راه افتادند. من گفتم من با شما نمی آیم. اینها رفتند داخل، ما همین جا ایستاده بودیم دیدم جمعیت به قدری زیاد شده است که اینجا هم ما را آرام نمی گذارند. یعنی مرتب هل می دهند و به سمت ما می آیند و ما را به جدول و نرده ها فشار می دهند. گفتیم خب چه کار بکنیم. داشتیم فکر می کردیم دیدیم یک عده ای این نرده ها را می گیرند و به بالا روی چادر می روند. خب ما خانم ها با ما نبودند شب قبلش برده بودند.

ما هم به تبعیت از آنها ما هم تصمیم گرفتیم این کار را بکنیم. آمدیم بالا برویم یک سیاه پوستی جلوی ما بود، خانم و دو تا بچه بالا فرستاد خودش هم

رفت وسط این نرده‌ها گیر کرد. دیدیم نمی‌تواند برود ما هم دستان را زیر پای ایشان حائل کردیم و ایشان بالا رفت. بالا رفت نوبت ما شد. ما رفتیم فاصله این نرده‌ها هم زیاد بود، لباس احرام هم که داشتیم یک مقدار دست و پاگیر بود هر کاری کردیم دیدیم ما هم مثل آن سیاه پوست نمی‌توانیم برویم. دستان را به لبه چادر می‌اندازیم صاف است.

❖ کسی هم نبود که زیر پای شما را بگیرد؟

کسی هم نبود. یک دفعه دیدیم آن سیاه پوست از آن بالا خم شده است می‌گوید دستت را بده. دست ما را گرفت و ما را به بالا کشید. بالا رفتیم آن چادرها را هم که نمی‌شناختیم مثلاً چادرها به چه صورت است. فقط می‌دیدیم این وسط یک حالت زیر چادر یک آهن است ستون است بقیه‌اش پارچه است چادر است. روی همان ستون ردیف ایستاده بودیم آنها بودن و ما بودیم.

کم کم پشت سر ما این جمعیت زیاد شدند. در همین حین گاه گاهی هم به پایین نگاه می‌کردیم دیدیم که این علامت کاروان ما که دست آقای جعفری بود می‌افتد این طرف دوباره بلند می‌شود می‌افتد آن طرف، گفتم خدایا آن پایین چه خبر است.

خیابان هم گاه گاهی جمعیت هل میدادند. صدای یک سری خانم‌ها می‌آمد، صدای خیلی وحشتناکی. گفتم خدا عاقبت ما را بخیر کند. اینها دارند این پایین چه کار می‌کنند. برای چی این طوری شده است. در همین حین چون جمعیت زیاد شد بالا جبار از آن طرف پایین می‌رفتند ما هم داخل کوچه رفتیم.

❖ کوچه‌هایی که بین چادرها هست؟

احسنت. کوچه‌هایی که بین چادرها هست. رفتیم آنجا دیدیم آقای مرادی که دنبال او می‌گشتیم آنجا است. نشسته و سرش را گرفته است. گفتم آقای مرادی

چه شده است. بلند شوید برویم. گفت نه من نمی توانم بیایم، سرگیجه عجیبی دارم و نمی توانم راه بروم. گفتیم که خب چه کار کنیم. خلاصه یک مقداری از آن آبی که همراه ما بود به او دادیم و یک مقدار او را باد زدیم و یک مقدار او را احیاءش کردیم. بهتر که شد بلند شد چند قدم آمد گفت من حالت تهوع دارم نمی توانم. گرمازده شده بود. خلاصه او را به کاروان سودانی ها بردیم. آنجا با التماس قبول کردند یک مقدار به او رسیدند.

دیدیم که خب این راهش نیست، بلند بشو برویم دکتر، یک بیمارستانی چیزی آمبولانسی. بالاچار به خیابان پشتی رفتیم چون آنجا که دیگر راه نبود. به خیابان پشتی رفته بودیم. درها را هم بسته بودند ولی خب با هر مکفاتی که شد رفتیم. رفتیم دیدیم خیابان خلوت است. کاروان ها دارند گروه گروه می آیند و آنچنان شلوغی ای ندارد یعنی کاروان ها همه مجزا تکبیرگویان دارند می روند. بعد یک آمبولانسی آنجا بود. این آقا را بردیم. آقای مرادی را تحویل آمبولانس دادیم گفتند باید شما را به بیمارستان ببریم.

❖ آمبولانس عرب بود؟

بله آمبولانس عرب بود. برای عربستان بود. دو تا جوان نوجوان مسئول آمبولانس بودند که فارسی که اصلاً بلد نبودند، انگلیسی هم چیزی نمی فهمیدند. هر چه می گفتیم آقا فشار ایشان را بگیرید، یک کاری بکنید. خلاصه با یک مشکلاتی متوجه شان کردیم و این کار را انجام دادند و به نتیجه رسیدند که باید ایشان به بیمارستان بروند. بعد گفتیم که آقای مرادی ظاهراً که تکلیف شما معلوم شد، جمرات به اینجا نزدیک است من بروم سنگ بزنم و برگردم. گفتم می خواهید به نیابت شما برای شما هم بزنم. گفت اشکالی ندارد، برای من هم زحمت بکش و بزن. گفتم باشد. ما رفتیم سنگ را زدیم و برگشتیم.

❖ وقتی به جمرات رفتید فکر می کنید ساعت چند بود؟

وقتی به جمرات رفتم فکر کنم حدوداً ساعت ده، ده و نیم بود. فکر کنم این حدودها بود. ده بود.

❖ رفتید جمرات سنگتان را زدید و به چادر برگشتید؟

بله برگشتیم.

❖ به چادر خودتان برگشتید؟

بله منتهی ما مسیر را بلد نبودیم، دیدیم کاروان‌ها چون به ما هم گفته بودند که اگر یک موقع مثلاً جایی گم شدید با کاروان‌های ایرانی که بیابید تقریباً همه ما یک جا هستیم. ما هم به تبعیت از کاروان‌های ایرانی آمدیم و یک سری از آنها به جاهای دیگر می رفتند تا خلاصه مسیر را پیدا کردیم و به چادر خودمان رفتیم.

❖ وقتی به چادر رفتید آقای امانی آمده بود؟

بله آمده بود. چهار پنج نفر بودند. گفتند آقا چطوری. گفتم حال من بد نیست. گفتند از دوستان کسی را. گفتم آقای مرادی با من بود که ایشان را به بیمارستان بردند. بعد دیدم که احرام ایشان گلی هست و ناراحت هستند و وقتی صحبت می کنند گریه می کنند. خلاصه یک مقداری پذیرایی شد و حال یک سری از دوستان به هم خورده بود.^{۱۴}

❖ شما چه زمانی وارد چادرهای منا شدید؟

ما حدود ساعت ۷/۵ حالا ۵ دقیقه کم و زیاد وارد چادر شدیم روحانی خیلی خوب و خیلی احساس مسئولیت می کرد برایمان و جا دارد از مدیریت کاروان تشکر کنیم که واقعاً مدیر بودند با سابقه ای که من داشتم و بار سوم بود و اینها گفتند که زودتر برویم برای سنگ زدن چون نزدیک ظهر هوا گرم می شود و سیاه‌ها

۱۴. نورمحمد ارمغانی، بازنشسته نیروی هوایی ۶۰ ساله، زائر

می آیند و شلوغ می شود و حرکت کردیم به سمت مسیری که مشخص کرده بودند از قبل مدیریت کاروان.

❖ چه کسانی بودند از کاروان؟

همه بودند جز چند نفر که معذورین بودند همه بودند.

❖ آقای امانی بودند؟

آقای امانی بود معاون آقای صداقتی بودند که رفته بودند برای قربانگاه و آقای جعفری بود که تابلو دست آقای جعفری بود بعد وقتی ما آمدیم که از پله ها برویم پایین مأمورها از ورود ما ممانعت کردند و ما را به جای دیگری هدایت کردند که ما برگشتیم دوباره داخل کوچه های داخل چادرها رفتیم به یک خیابان دیگر از زیرگذر رفتیم پایین به همین خیابان ۲۰۴ ما را راهنمایی کردند.

❖ یعنی اول قرار بود که یک مسیر دیگری را بروید؟

بله مسیر جایی دیگر بود منتهی مسیر را بسته بودند و نگذاشتند که ما برویم و ما را برگردانند.

❖ آمدید رفتید زیر گذر؟

بله رفتیم زیر گذر و وقتی که ما رفتیم از روبه روی ما باز سیاه ها می آمدند و در یک تقاطع به هم برخورد کردیم که خیابان ۲۰۴ بود که همه با آرامش و متانت باز هم صدای تکبیر گفتن سیاه ها در گوشم هست که خیلی قشنگ با این بلندگوهای کوچک تکبیر می گفتند و می رفتیم چون علامت زده بودند یک دو «کم» یه «کم» و ۶۰۰ که رسیدیم بسته شد.

❖ پس یه کیلومتر و ۶۰۰ که رسیدید؟

بله بسته شد بسته شد که من دیگر از کاروان جدا شدم ما سه نفر بودیم که از کاروان جلوتر حرکت می کردیم و تابلو جلوتر از ما بود و تا یک و دویست یعنی چهارصد تا دویست تای دیگر آمدیم.

آنجا دیگر ما افتادیم در آن تلاطم جمعیت و می دیدم که مردم خودشان را از نرده ها بالا می کشند و من وسط جمعیت قرار گرفته بودم و خودم را به سمت راست کشاندم که موفق نشدم یعنی از سمت راست تا سمت چپ که من خودم را کشیدم حدود یک ساعت طول کشید بعد چند بار افتادم و بلند شدم و نمی دانم چطوری داخل چادری قرار گرفتم.

❖ خودتان نمی دانید چطوری؟

نمی دانم چطوری فهمیدم تا پای چادر آمدم می خواستم خودم را نجات دهم دو بطری آب دستم بود که با یکی از این سیاه ها سر یکیش در گیر شدم و آب را آخر دادم به آن بنده خدا البته این را هم بگویم که با رضایت ندادم و گفتم که اینجاست که آدم باید امتحان پس بدهد و من خوب پس ندادم خودم را سرزنش کردم ولی خوب بالاخره آب دادم به سیاه داخل چادر که بودیم فقط می گفتن «مای» چون به عربی آب یعنی «مای».

❖ یعنی از داخل چادر که آمدید شما با خودتان آب برداشتید؟

بله من دو بطری آب با خودم برداشتم که توصیه کاروان بود که آقا آب حتماً با خودتان بردارید تا حدود ۱۱/۵ داخل آن چادر بودم حدود ۱۰ نفر آنجا افتاده بودند سیاه و بقیه سرپا و اسیاده بودند و من هم بی حال افتاده بودم که دو نفر مأمور وارد چادر شدند که پای یکیشان را گرفتم به التماس با دست گفتم من را مستثنی ایرانی برسانید من دارم می میرم التماس کردم و اینها توجه نکردند و رفتند.

❖ شاید متوجه نشدند چون فارسی گفتید؟

بلاخره مستشفی که عربی است و فارسی نیست فارسی میشود درمانگاه، بیمارستان.

اینها رفتند بیرون که از آنجا ما بلند شدیم بعضی وقتها آمدن صحنه‌هایی را در فیلم‌ها می‌بیند هم اتفاقی خود من دم در چادر افتاده بود که اصلاً با عقل جور در نمی‌آید که با چقدر فاصله بیاید و دم در آنجا قرار بگیرد او را که دیدم جان گرفتم و بلند شدیم و رفتیم بیرون یک مقداری آب آوردیم و به داخل چادر دادیم.

❖ یعنی این امکان فراهم شده بود که بروید و آب بیاورید آب بود؟
بله آب بیرون بود.

❖ اب از همین بطری‌ها بود یا آبسردکن بود؟

نه عرض کنم خدمت شما اول برای من که من خودم که حرکت نمی‌کردم آب داخل همان کلمن‌هایی که یخ در آن می‌ریزند بود به ما دادند همان کلمن‌هایی که یخ در آن می‌ریزند و بطری‌ها را داخل آن می‌گذارند به ما از همان آب کلمن‌ها دادند ما یک ذره بلاخره جان گرفتیم
❖ کی به شما آب داد؟

یک آقای بود که محمد صدایش می‌کردند از این زائرها بود و عربستانی نبود سیاه پوست بود عرب بود اما عربستانی نبود قطعاً و یقیناً عربستانی نبود چون از اول از همین خیابانی که ما می‌آمدیم از اول همین سه راهی که خیابان ۲۰۴ شروع می‌شود من یک سرباز عربستانی ندیدم یا یک راهنما یا ایرانی ندیدم اصلاً نبود نمی‌دانم در فیلم دیدید که یک در باز می‌شود، من در ۱۵۰ متری آن در بودم و معلوم بود جلو بسته است خیابان بسته بود تابلوی ما نزدیک آن در آهنی نرده بود.

❖ یعنی شما جلو را میدید؟

من می‌دیدم تا آنجا جمعیت هست و جمعیت هیچ حرکتی انجام نمی‌دهد.

❖ یعنی شما میدید که نرده بوده راه را بسته بوده؟

بله یک چیزی بود که سد شده اول من نمی‌دیدم الان که فیلمش هست

می‌بینم

❖ با تابلو چقدر فاصله داشتید؟

با تابلو حدود ۱۰۰ متر فاصله داشتیم

❖ تابلو را می‌دید؟

بله چون می‌رفتم که به تابلو برسم موفق نمی‌شدم. که ساعت ۱۲ بلند شدیم

با همان هم اتاقی در مسیر راهروهای چادرها جسدهایی افتاده بود که اصلاً کسی

به آنها توجه نمی‌کرد

❖ تو راهروهای چادرها؟

تو همین راهروهای چادرها

❖ تو راهروی چادرها سودانی و غیر سودانی؟

بله اینها آمده بودند مثل من که رفته بودم داخل این چادرها آمده بودند و

مرده بودند

❖ حدود ساعت ۱۱/۵ شما در آمدید؟

بله حدود ۱۱/۵ که صدای اذان می‌آمد اذان اشهد ان علیا ولی الله می‌گفت

ما خوشحال شدیم گفتیم این ایرانی است ولی ایرانی نمی‌تواند اینجا باشد لبنانی‌ها

بودند که رفتیم از آنها دمپایی بگیریم که ندادند

❖ یعنی در همان خیابان ۲۰۴ برگشتید؟

بله البته من در چادر که بودم و یک آبی خوردم و سر پا وایسام دیدم رفت و آمد خیلی آرامی در خیابان دارد انجام می‌شود وقتی نگاه کردم دیدم جمعیت همه مرده‌اند یک عده نشسته بودند یک عده خوابیده بودند جان داده بودند خدا کند برای برگ درخت هم اتفاق نیفتاد شما مجسم کنید توی صد متر در آفتاب داغ این همه جسد افتاده خودم از تشنگی مردم من آنجا فهمیدم صحرای کربلا چقدر عطش داشتند اهل بیت امام حسین (ع).

من یک سؤال دارم از شما این اتاق شما چقدر گنجایش دارد؟ ۵۰ نفر سر پا نگهداری گنجایش دارد میشود ۲۰۰ نفر بیاوری در اتاق نگهداری و بی تفاوت باشی . چه جوری می‌شود این را توصیف کرد؟

ما می‌گوییم توصیفش، خیلی ببخشید، این‌ها دستشویی هم که می‌رفتیم دوربین داشتند خب ما می‌گوییم آقا اصلاً دوربین نبود داخل این خیابان این خیابان در حیطه کاری اینها نبود هیچ زائری رفت و آمد نمی‌کند ایراد ندارد باشد آیا هلی کوپتر که بالا بود سه تا هلی کوپتر به طور شبانه روز بالای سرما مانور می‌دادند. آقا هلی کوپتر ترتیب اثر نمی‌دهد. به خدا روز بعد که ما برگشتیم رمی جمرات روز یازدهم وحشت کردم من از این همه نیرو که رمی جمرات پیاده کرده بودند آقا نمی‌شد روز قبل ۱۰۰ تا از اینها را بگذاری آنجا واقعاً اگر احساس مسئولیت بکنی؟!

❖ شما که قبلاً رفته بودید از این خیابان جلوتر عبور نکردید؟

من سال ۷۲ که رفته بودیم باز با خیانت اینها من روبه رو شده بودم چون من آنجا انتظامات بعثه بودم اینها را می‌شناختم از همان سالی که وارد ایران هم شدم در بحث‌ها و جلساتی می‌گفتم بخدا بحث سیاسی ما با عربستان فقط بحث شیعه و سنی بودن است. اینها عقده شیعه بودن ما را دارند هم اتاقی من افتاده زیر

دست و پا فیلمش هست بنام آقای عسگری این بنده خدا را کشیده بودند بیرون این بنده خدا را کشیده بودند بیرون با آمبولانس برده بودند بیمارستان مکه پای این را باند پیچی کردند.

با چند تا قرص و یک حوله احرام می گویند آقا پاشو برو می گوید آقا من زیر دست و پا بوده ام نمی توانم حرکت کنم او را بیرون کرده بودند از بیمارستان مکه.

که خودش غروب آمد به چادر و افتاد بی حال و اینها و مجروح جنگی هم هست آدم مریض حالی است. یا یک آقایی که بعداً به کاروان ما پیوست بنام آقای مجیدی که فردای آن روز به کاروان ما آمد قسم خورد گفت من آن قدر در آفتاب ماندم که بدنش سوخته بود گفت وقتی من را به بیمارستان بردن در راهرو نگه داشتند و ۱۵-۱۰ تا سیاه پوست را بردند داخل و اینها را معاینه کردند و رسیدگی کردند یک نفر به این نگفته بود آقا حالت چطور هست چون ایرانی بود. من یک سؤال دارم آیا ارزش یک ایرانی اندازه یک بطری آب نیست که بهش یک بطری آب بدهند؟!

❖ سوال می کردند که ایرانی هستید یا نه؟

هشتاد درصد از روی قیافه مشخص است. چون سیاه پوست که نبودیم و لبنانی و سوری و مصری که نبودیم قد بلندی داشته باشیم. ایرانی قد متوسطی دارد قطعاً و یقیناً ۸۰٪ می شناسند که ایرانی هستیم.

❖ خب برگشتید و آمدید به چادر اخرش تنها آمدید؟

نه با هم اتاقیم آقای حسن آهنگری که وقتی دم در این چادر وایسادم و دیدم من جان گرفتم و بغلش کردم و نگاهش کردم و این آقا اصلاً حالت عادی نیست چقدر گریه کردیم و بعد این آقا فهمید که هم اتاقیش هستم گفتم تو اینجا چکار

می‌کنی گفت نمیدانم همین طوری دارم می‌گردم نمیدانم باید کجا بروم و چکار کنم آب گرفتیم و آوردیم دادیم به یک بنده خدا ایرانی که سخته کرده بود و نمی‌توانست بخورد که ما رهایش کردیم و آمدیم بیرون داخل خیابانی گفت بیا از داخل خیابان برویم شاید من ۲۰۰ متر از چادری که آمده بودیم بیرون به سمت چادرهای ایرانی‌ها جنازه داخل خیابان بود که آمبولانس داشت از جلو پاکسازی می‌کردند جمع می‌کردند عمق فاجعه خیلی بیشتر از اینها بود که گفتن.

❖ از همین ۲۰۴ برگشتید؟

بله دوباره برگشتیم دمپایی گیر ما نیامد من کارتن به پام بستم با کش احرام که داشتم با آنها آمدیم داخل چادر.

❖ به چادر که رسیدید مدیر کاروان بود؟

مدیر کاروان بود خدا خیرشان بدهد.

چه موقع رسیدید به چادر؟

حدود ساعت ۴/۵ - ۴ رسیدیم چادر

❖ یعنی راهی را که حدود یک ساعت باشد؟

بله چون توانایی راه رفتن نداشتیم و یک مقدار از راه را دمپایی نداشتیم و بعد من یادم آمد که کش دارم در حمیانم و برداشتم و کارتن بستم به پام. سرم وصل کردن به من و یک کم حالم خوب شد

❖ یعنی بردنتان به درمانگاه؟

بله

❖ چقدر درمانگاه بودید درمانگاه خودمان بود؟

بله درمانگاه خودمان بود حدود یک ساعت برایم سرم وصل کردند و آمپول زدند یک خرده حالم بهتر شد.

از کاروان ما حدود ۲۲ نفر نبودند که از این ۲۲ نفر ۱۱ نفر برگشت که ۲ نفرشان ما بودیم ۱۱ نفرمان که شهید شدند که ۲ نفرشان سرنوشتشان معلوم نیست که جز کدام دسته هستند مفقودین هستند یا شهید.

پرسش و پاسخ بود من آنجا عرض کردم که اگر اشتباه نکنم حاج آقا گلشنی بود گفتم الان حج عمره چند ماهه نمیارند طوری شده گفت نه گفتم آقا حج واجب وقتی زائر ایرانی ارزش یک بطری آب را ندارند نیارند تا این روابط بهبود پیدا کند چرا باید زائر ایرانی بیاید اینجا و زیر دست و پا له شود چرا باید به خاطر یک بطری آب حرمتش شکسته بشود و توجه بهش نکنند همه مخلوقات می آیند اینجا همه زائرند اینها همه میهمان خدا هستند سیاه و سفید ندارند چرا باید همین سیاه را بیاورند ۱۵-۱۰ نفر از او را معاینات پزشکی کنند ولی زائر ایرانی توی راهرو بایستد تا جان بدهد.

❖ فقط ایرانی کشته شده بود همین جا یا نه؟

از همه کشورها بود ما آمار ایرانی را داریم از همه کشورها بود من که رفتم دیدیم یه سه راهی بود که همش جسد بود خدا را شکر که همه کفن هایشان همراهشان بود همه حوله هایشان رویشان بود شما در تلویزیون می بینید اما ما خودمان دیدیم اصلاً من کار ندارم شیعه و سنی به کنار هیچی اصلاً آن بابا آنجا مملکتش است آنجا مملکتش هست صاحب این مملکت هست یا نیست خود را خادم حرمین نمی داند خادم یعنی چه؟ خادم یعنی چه یعنی خادم تمام زائری که از سرتاسر دنیا به آنجا می آیند.

❖ می گویند راهها بسته بود همه؟ یعنی توی خیابان ۲۰۴ که افتاده بودید

بسته بود همه؟

بین چادرها دوتا چادر که ته‌شان به هم می‌خورد یک کوچه دارد من خودم به چندا تا از اینها می‌گفتم بگذارید مردم بیایند داخل این چادرها میگفتن لا لا.

❖ یعنی آدم داخل چادرها بود؟

پر بودن. آنها پاکستانی بودن نمیدانیم لبنانی بود مصری بود سودانی یعنی اگر اجازه میدادند هر چادر ۱۰ نفر پر میکرد راه کمی باز می‌شد و ایساده بودیم حرکت نمی‌توانستیم بکنیم آقا نیا ۱۰ نفر اینجا افتاده ۱۰ نفر سپر می‌کردند برای آنها می‌آمدند و روی آنها می‌افتادند ۱۰ نفر بعدی بعدی همینوری یک میدان وسیعی از آدم کشته.

من سال ۸۲ هم بودم شاهد بودم که یک خودرویی از روی پل رمی جمرات می‌خواست عبور بکند ۲۴۰ تا سیاه پوست از روی پل ریخت پایین در سال ۸۲ هم دیدم این برنامه را ولی آن قدر با اینها درست برخورد کنند که نتوانند عرض اندامی انجام دهند آقا اگر نمی‌توانند نکنند بگویند این خیابان در اختیار خود ایرانی‌ها مگر نمی‌گویند ایرانی‌ها بی‌نظمند بی‌نظمی‌مان را بدهند به خودمان بگویند این خیابان در اختیار شما بروید و بیایید.^{۱۵}

❖ چه ساعتی حرکت کردید به سمت رمی جمرات؟

نزدیکایی که آفتاب بزند از پل رد شدیم و رفتیم. ساعت هشت، آنجا نزدیک بودیم که برسیم سنگ بزنیم.

❖ عوامل کاروان هم با شما بودند؟

همه با هم بودیم، یک موقع انگار زلزله آمد و همه (را) از هم جدا کرد.

❖ شما خودتان به میل خودتان وارد خیابان ۲۰۴ شدید یا با هدایت مأمورها؟

اولش که مسیر باز بود و خودمان داشتیم می‌رفتیم و بعد وسط‌ها، راه را بستند و ما گیر کردیم و نگذاشتند که برویم. گفتند که: ولیعهد با رؤساش آمده، و هرجا میرفتیم (راه) بسته بود.

❖ علت بسته شدن را حضور ولیعهد می‌دانید، شما دیدید یا اینکه شنیدید؟ ما دیدیم خودمان. رسیده بودیم ما، نزدیک بود که پیچیم و سنگ بزنیم، راه را بستند و نگذاشتند. فقط سه نفر را گذاشتند بروند. آن جماعت را که جمع شده بود، همه می‌خواستند بروند، و همه آب احتیاج داشتند، (ولی) آب ندادند. (آن) بالا یک سرباز بود که من از او آب خواستم، (من را) انداخت بیرون و گفت که: ما به شما آب نمی‌دهیم.

❖ شما وارد خیابان که شدید و رفتید داخل، مسدود شد و جمعیت متراکم شد، برای ما توضیح دهید که چه شد؟

جمعیت فشار میدادند به همدیگر، که راه باز شود و بروند. و از آن طرف (مسیر را) باز کردند (تا) آنهایی که سنگ زده بودند بروند به سمت چادرهای خودشان، و ما را هم که راه را بسته بودند.

❖ یک سری از روبه‌رو می‌آمدند؟

بله، سه تا راه بود که دو تا را بسته بودند و یک راه بود که جلوتر که میرفتیم جاده کم‌عرض‌تر می‌شد و فشار بیشتر می‌شد.

❖ پلیس‌ها شما را به خیابان‌های اطراف راهنمایی نمی‌کردند؟

راهنمایی نمی‌کردند، اگر راهنمایی می‌کردند که یک چنین اتفاقی نمی‌افتاد.

❖ شما در آن فشار، افتادن زائرها را دیدید؟

بله، من خودم هم افتادم و بعد به هوش آمدم.

❖ شما آن فشار را که حس کردید در آن وسط خیابان، می‌توانید برای ما بگویید که به چه صورت بود؟

من که داشتم می‌رفتم و وسط را رد کرده بودم، دیدم یواش یواش نفسم تنگ میشود و نمی‌توانم بروم، خودم را کشیدم کنار تا اینکه رسیدم به کناری و به دو نفر گفتم که من را بکشید بیرون، که من دارم می‌میرم. خدا خیرشان دهد که، آن دو نفر نمی‌دانم که بودند، من را کشیدند بیرون و دیگر نفهمیدم که چه شد. بعد از هشت ساعت که به هوش آمدم، دیدم که در درمانگاه هستم.

❖ در آن فضا شما چیز دیگری ندید که ملت سر و کول هم بالا بروند و این‌ها؟

چرا، همه تلاش می‌کردند که بروند، و همدیگر را فشار میدادند تا راه باز شود، و از خستگی و بی‌آبی و گرسنگی، و راهم که باز نبود، جماعت روی هم رفته (انباشته می‌شد). من سه تا جنازه را رد کردم که آمدم بیرون، و از بالای سر آنها که جلوی من بودند رد شدم و رفتم بالا (تا از آن) طرف من را بکشند بیرون.

❖ مرحوم عمویت را می‌دید؟

تقریباً با هم بودیم و تا جمعیت فشار آوردند، آنها جلوتر از من رفتند و دیگر نفهمیدم که آنها کجا رفتند و دیگر (آنها را) ندیدم.

❖ شما فرمودید که: دو، سه نفر شما را که ایستاده بودید کشیدند بیرون؛ از

کدام سمت کشیدند؟

از سمت چپ کشیدند بیرون.

❖ سمت چپ نرده نبود؟

چادر بود آن سمت و دو نفر ایستاده بودند. وقتی دستم را دراز کردم، من را کشیدند بیرون، و بعدش چیزی نفهمیدم. ساعت ۱۲ (که) به هوش آمدم، بیمارستان بودم.

❖ پس شما (حدود) دو ساعت بیهوش بودید؟

بله.

❖ شما که به هوش آمدی، درمانگاه سعودی‌ها بودید یا ایرانی‌ها؟

ایرانی‌ها بودم. در همان منا بود تقریباً، نزدیک‌های پلی بود که آمدم بیرون.

❖ قبل از اینکه بی‌هوش بشوید، امداد یا پلیسی دیدید؟

اصلاً امدادی نبود، دو تا پلیس بود که آن بالا، این سمت و آن سمت می‌رفتند و اصلاً اشاره هم نمی‌کردند. فقط جلو را بسته بودند و همه سربازها آنجا بودند. رفیق‌های من می‌گفتند که: وقتی رسیدیم و نرده‌ها را گرفتیم و آمدم بالا و رفتیم آن سمت، دیگر هیچ کس نبود و تنها بودیم آن سمت. و امدادگرهای ایرانی بودند که کمک کردند و آمدم بیرون.

❖ شما را تجهیز کردند و رسیدگی کردند در بیمارستان؟

بله، روی من یخ گذاشته بودند و استراحت کردم و به زور آمدم. نمی‌گذاشتند، می‌گفتند که: اول خوب شو و بعد برو. منم که راه می‌رفتم می‌افتم، تا اینکه یک نفر ایرانی، اردبیلی بود با تهران آمده بود حج، آن مرا آورد به چادرمان و من خودم راه را بلد نبودم.

❖ در فضایی که بودید، دیدید که مأموران تبعیض قائل بشوند و تحقیر بکنند

و موردی باشد و چیزی بخواهید به شما ندهند و بی‌اعتنایی کنند؟

اصلاً اهمیت نمی‌دادند، آب دستش بود و من زمانی که تحت فشار بودم و بین جمعیت بودم اشاره کردم که: آب را به من بده که من تحت فشار هستم، ولی

مأمور به من نداد و گفت: آب نمی‌دهم و آب را در جیش قرار داد. اگر آنجا آب بود کسی نمی‌مرد، هلی کوپتر همی (مرتب) می‌رفت و می‌آمد و مثل اینکه مانور می‌داد.

❖ آدم‌هایی که افتاده بودند زمین، شما چند تا دیدید؟

من زیاد دیدم که سه تا بغل من بودند، و من از روی آنها رد شدم. نمی‌شد جایی پا گذاشت که مرده نباشد. من راه که می‌رفتم جلوی خود را نمی‌دیدم و همی بالا و پایین می‌شدم، نگو که اینها همه جنازه هستند و ما بر روی آنها راه می‌رفتیم. بعد که بیهوش شدم و رفتم درمانگاه، بعدش که برگشتم دیدم کسی نبود و همه را با تریلی برده بودند.

❖ شما بعد از اینکه به هوش آمدید و به شما کمک کردند که به بیمارستان

بروید، حدوداً چند متر آمدید و چه مقدار جنازه روی زمین بود؟

من تقریباً پنجاه متر روی جنازه‌ها می‌رفتم بالا و پایین و روی آنها رد می‌شدم. همه می‌رفتند و برای نجات خود این کار را می‌کردند. اگر کسی بود و جلو را باز می‌کرد، یهو (ناگهانی) ریختند، همه مردم ریختند زمین.

❖ شما علت اصلی این قصه که خیلی‌ها کشته شدند و از بین رفتند را در

چه می‌دانید؟

علتش، جلوی راه را بسته بودند و راه را نشان نمی‌دادند. ولیعهدشان آمده بود و ساده در ماشین نشسته بود و سنگ می‌زد. من خودم با چشم خودم دیدم که راه را بسته بودند و آن ولیعهد را دیدم. رسیده بودیم ما. فردای آن روز که من رفتم از آنها پرسیدم که: دیروز اینجا چه بود؟ آنها گفتند: خودتان دیدید دیگر. و اینکه به ما آب ندادند و همه مردم را کشتند. به ما می‌گفتند و فقط جواب ما این بود که رو رو رو...

❖ هلی کوپتر هم در آسمان بود؟ شما باد پره‌ها را می فهمیدید؟
 بله، در آسمان بود. در مسیر بود. می رفت و می آمد، ولی در بالا بود و بادش
 به ما نمی خورد که نفس راحت بکشیم.

❖ در مورد این قضایا کسی با شما مصاحبه کرد؟
 نه، از آنها کسی از ما چیزی نپرسید.

❖ از (زمانی) که به هوش آمدید و خودتان را می کشیدید تا بیمارستان، نیروی
 نظامی دیدید؟

نه، اصلاً نیروی عربستانی آنجا نبود. آن بالا بودند و راحت می آمدند و
 می رفتند، انگار نه انگار که اتفاقی افتاده است.

❖ آیا به غیر از آن دو نفری که به شما کمک کردند، کسان دیگری بودند که
 به دیگر زائران کمک کنند؟

ایرانی‌ها فقط یک خورده به هم کمک می کردند. جمعیت خیلی زیاد بود و
 جای پا گذاشتن نبود. من شانسی آمدم بیرون از آنجا. اگر امدادگر بود که مردم
 خفه نمی شدند.^{۱۶}

شهدای منا

در آغازین ساعات روز پنجشنبه ۴ مهر ۱۳۹۴ مصادف با عید قربان، تعداد زیادی از حجاج حاضر در منطقه منای عربستان برای فریضه رمی جمرات در حرکت بودند که در تقاطع خیابان‌های ۲۰۴ و ۲۲۳ به دلیل ازدحام جمعیت هزارن نفر از آنان جان باخته، به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. تعداد جانباختگان ایرانی در این حادثه تأسف‌بار ۴۶۴ نفر اعلام شد.

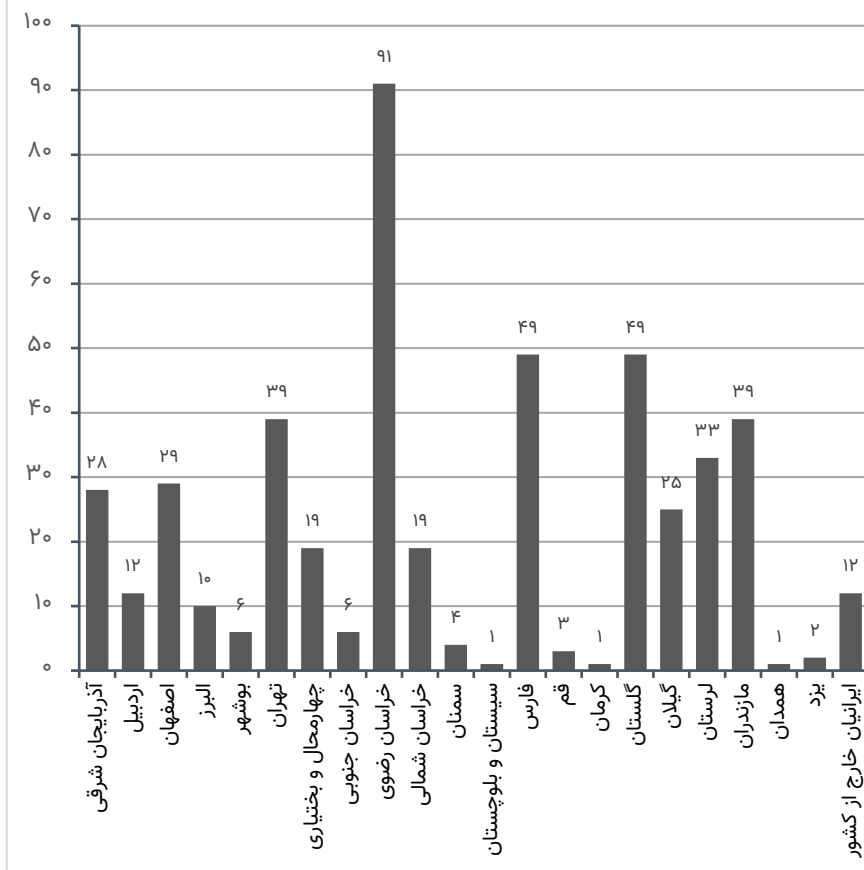
بخشی از «مجموعه آثار فاجعه منا» به معرفی شهدای این فاجعه عظیم اختصاص دارد. از هر شهید زندگینامه مختصری فراهم شده است به ضمیمه تصویری از او.

منبع جمع‌آوری این زندگینامه‌ها کتابی است که بنیاد شهید انقلاب اسلامی منتشر کرده است و مصاحبه‌هایی که با برخی از خانواده‌ها و دوستان شهدا نشر یافته است.

ترتیب اسامی شهدا بر اساس نام استان و سپس نام خانوادگی هر شهید است.

زندگینامه شهدای منا در صفحات ۳۵ تا ۹۱۴ جلد هفتم مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و تمام‌متن درج شده است.

فراوانی شهدای منا به تفکیک استان



نمونه‌ای از زندگینامه شهدا

میرانصاری، عمار



بیست و هشتم مهر ۱۳۵۹ مصادف با عید سعید قربان، در شهرستان تهران به دنیا آمد. او فرزند ارشد سردار محسن انصاری، قائم مقام سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران و جانباز دفاع مقدس بود و مادرش

اخترسادات، سابقه تدریس و دبیری در آموزش و پرورش را داشت. وی با اینکه فرزند یک مسئول رده بالایی کشوری بود، در جامعه به صورت یک فرد معمولی و با بضاعت اندک مادی زندگی می کرد. تحت هیچ شرایطی از نام پدر برای خودش استفاده نکرد. علاقه ای به شغل دولتی نداشت.

مهندس معدن و کارشناس ارشد مدیریت MBA بود. علی رغم تحصیلات عالی، خودش کار می کرد و به دنبال رزق حلال بود. فردی بی ادعا، سخت کوش، ساده زیست و ولایت مدار بود. همواره تلاش می کرد با خلاقیت و کارآفرینی به مردم خدمت کند.

در دو مورد معمولاً از پدرش کمک می گرفت و به قول امروزی ها لابی می کرد: یکی برای برپایی یادواره های شهدا و دیگری کمک به جانبازانی که از طریقی به ایشان معرفی می شدند. بی دریغ از درآمد اندک خود به آنها کمک می کرد. همواره وقت خود را صرف رسیدگی به این امور می کرد. گره گشا بود و نامی از خود برجای نمی گذاشت. این شخصیت و روحیه ایثار ادامه داشت تا لحظه شهادتش در قربانگاه منا که در حین کمک به مجروحان رخ می دهد. در کارهای گروهی ایده هایی نو ارائه می داد. طرح هایی که او ۱۰-۱۲ سال قبل ارائه داده بود، حالا شده اند برندهای تجاری مطرح.

عمار به معنای کامل کلمه کار راه انداز بود و باقیات الصالحاتی برای خودش گذاشت. یک نمونه از آن فرزند شهیدی بود که مشکل اعصاب و روان داشت؛ با پیگیری های فراوان ایشان بهبود یافته و هنوز هم تحت درمان است. کمک های داوطلبانه و شخصی او به جانباز عزیزی که برای تهیه مسکن مهر نیاز مالی داشت و این در صورتی بود که خودش عائله مند و مستاجر بود.

پس از ازدواج صاحب دو دختر و یک پسر شد. وی فردی مهربان، متواضع، مردم‌دار و خیراندیش بود. از مال‌اندوزی پرهیز می‌کرد و زندگی ساده و باقناعتی داشت. این خصوصیات او باعث افتخار پدر و مادرش بود.

سال ۱۳۸۸ در فعالیت‌های حوزه مقاومت بسیج بسیار قوی عمل کرد و هرگز حتی در مواقع گرفتاری‌های سخت از نام پدر و حتی معرفی ایشان برای کمک‌های معمول استفاده نکرد.

به دلیل اخلاق حسنه او، همه بسیجیان شیفته‌اش بودند. یکی از دوستانش می‌گوید: «به جرئت می‌گویم اگر عمار در مکه شهید نمی‌شد، الآن جزو شهدای مدافع حرم بود». به امام حسن ۷ علاقه‌ای ویژه داشت و به عشق این امام، نام فرزند دلبندش را «مجتبی» گذاشت. سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ با همان روحیه جهادی که داشت، طرح سفره‌داری مدینه را در روز تولد امام حسن ۷ در سطح تهران انجام داد.

همیشه یک لبخند معصومانه بر چهره داشت؛ با روی باز برخورد می‌کرد و متعادل بود. در ستاد امر به معروف و نهی از منکر دست جوان‌ترها را می‌گرفت. فرمانده عملیات پایگاه بسیج اختیاریه درباره ایشان می‌گوید: «شهید عمار میرانصاری را با مظلومیت و نجابتش می‌شناسم».

نزدیک به ۲۰ سال به صورت فعال در تمام برنامه‌های مذهبی و ارزشی شرکت کرد و در راه خدمت به انقلاب همواره حاضر بود. این توفیق بزرگی برای جوانی به سن او بود و نشان می‌دهد وی آرامش را بر خود حرام کرده بود تا در خدمت انقلاب باشد. انگیزه خود را کتباً این‌گونه اعلام کرد: «دوست دارم سرباز امام زمان/ و تحت امر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) باشم و در کنار دیگر عزیزان بسیجی راه امام و شهدا را ادامه دهم».

یکی از دوستانش تعریف می‌کند: «به خوبی در خاطر من هست وقتی در مجلس عروسی از او درباره چغیه‌اش پرسیدند، با چهره‌ای گشاده و لبخندی شیرین گفت: وقتی مولا و مقتدایم سیدعلی، چغیه را حرمت می‌دارد، من که مقلد و تابع ایشان هستم، چرا نباید این حرمت را نگه دارم؟»

همسرش نقل می‌کند: «حدود دو سال قبل از شهادت، هر روز زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام می‌خواند. شب‌ها عموماً برای نماز شب بیدار می‌شد. دائم الوضو بود. هر صبح دعای عهد را زمزمه می‌کرد و در طول روز اهل مراقبت از خود بود. با وجود شوخ طبعی که داشت و زبانزد همه بود، این اواخر کم صحبت می‌کرد. در یادداشت‌هایش نوشته بود: «دقت! اثر کلام لغو، کمتر از لقمه حرام نیست».

وی در مهرماه و روز عید قربان متولد شد. در مهرماه سنت حسنه ازدواج را در لباس بسیجی به جا آورد و در مهرماه و روز عید قربان نیز به دیدار حق شتافت. پیکرش را ۱۶ ذی‌الحجه در مقبرة الشهدای مکه به خاک سپردند.

سرانجام پس از هشتاد روز چشم‌انتظاری، پیکر مهندس بسیجی که در فاجعه منا مفقود بود، پیدا و هویت او از طریق آزمایش DNA شناسایی و با رضایت خانواده، بنا بر وصیت ایشان و توصیه مقام معظم رهبری، به عنوان سندی بر مظلومیت شهدای سرزمین «منا» در همان مکان به خاک سپردند.

(منبع: فرهنگ/اعلام شهدا: منا و مسجدالحرام)



جعفری چمارکتی، عباس

دهم خرداد ۱۳۳۷، در شهرستان قائمشهر به دنیا آمد. پدرش محمدعلی، نجار بود و مادرش راضیه نام داشت. در خانواده‌ای مذهبی و زحمتکش پرورش یافت. هنگامی که به مدرسه رفت، برای تأمین مخارج تحصیل در شالیزار کار می‌کرد و گاهی به فروشندگی می‌پرداخت. تا پنجم ابتدایی درس خواند. سپس به تهران آمد و در کارخانه نساجی مشغول به کار شد.

در کنار کار، به تحصیل خود ادامه داد و تا پایان مقطع کاردانی در رشته مدیریت درس خواند. او نیز مانند بیشتر مردم در فعالیت علیه حکومت پهلوی شرکت می‌کرد. به دلیل پخش نوارهای صوتی سخنرانی امام خمینی، مدتی تحت نظر نیروهای ساواک بود.

با شروع جنگ تحمیلی، حدود دو سال به عنوان بسیجی در جبهه حضور داشت. بر اثر موج انفجار و اصابت ترکش به دست، سر و بمباران شیمیایی مجروح شد. کارمند آموزش و پرورش بود. در انجام وظایف کاری دقت بسیاری داشت. از مدارس مختلف بازدید و برای رفع کمبودهای آنها تلاش می‌کرد.

سال ۱۳۵۸ ازدواج کرد و صاحب سه دختر و یک پسر شد. با وجود تمام مشغله‌ای که داشت، از آموزش و تربیت اسلامی فرزندانش غافل نبود. ضمن تأکید بر انجام وظایف شرعی و آموزش قرآن، به آنها آداب سخن گفتن و زندگی را نیز آموخت. اهل مسجد بود و با روزه‌داری در ماه‌های رجب و شعبان به استقبال ماه رمضان می‌رفت.

راستگو و خداترس بود. در کمک به نیازمندان پیشقدم می‌شد. به عیادت بیماران و جانبازان می‌رفت. زمانی که اطلاع می‌یافت یکی از همکاران گرفتاری دارد، بلافاصله بخشی از حقوقش را به وی می‌داد.

ارادت ویژه‌ای به حضرت فاطمه زهرا ۳ و امام حسین ۷ داشت. در ایام عزاداری محرم برای والدین خود و همسرش خیرات می‌داد و خودش را مدیون آنها می‌دانست. روزهای دوشنبه و پنجشنبه روزه می‌گرفت و هر روز بعد از

خواندن نماز، قرآن تلاوت می کرد و عادت به خواندن دعای فرج و زیارت عاشورا داشت.

در کارهای خانه و آشپزی به همسرش کمک می کرد. اهل مطالعه بود و به کشاورزی و گل کاری علاقه داشت. در سرودن شعر دارای ذوق و استعداد بود. اشعار و دلنوشته های زیادی از او باقی مانده است. از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۴ به عنوان مدیر کاروان حج فعالیت می کرد. در رسیدگی به امور زائران و رفع مشکلات آنها می کوشید. اگر زائری بیمار می شد، بسیار از او مراقبت می کرد. هنگام خداحافظی به همه خانواده اصرار کرد برای بدرقه او بروند. حال خاصی داشت. در مکه ضمن خدمت به زائران، بسیار عبادت می کرد و برای سلامتی یکی از همکارانش روزه می گرفت.

دوم مهر ۱۳۹۴ هنگام انجام اعمال حج در منا به شهادت رسید. او که وصیت کرده بود بعد از مرگش او را در مکانی مذهبی به خاک بسپارند، به آرزویش رسید و پیکرش در مقبرة الشهداء مکه به خاک سپرده شد.

(منبع: فرهنگ اعلام شهدا: منا و مسجدالحرام)



حاجی پور، علی

دوم اردیبهشت ۱۳۳۱ در روستای محمدآباد از توابع شهرستان بیرجند به دنیا آمد. پدرش حاج محمد، کشاورزی می کرد و مادرش لیلا نام داشت. تا پایان دوره ابتدایی درس خواند. او نیز کشاورز بود. سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد و صاحب سه پسر و سه دختر شد. دوم مهر ۱۳۹۴ در حادثه منا به شهادت رسید. پیکر او را در گلزار شهدای شهرستان زادگاهش به خاک سپردند.

(منبع: فرهنگ اعلام شهدا: منا و مسجدالحرام)

دوست علی زاده، محمد



دوم اردیبهشت ۱۳۴۲، در شهر بجستان از توابع شهرستان مشهد دیده به جهان گشود. پدر او احمد، میوه فروش بود و مادرش مهربانو، به خانه داری و تدریس قرآن در پایگاه بسیج اشتغال داشت. در خانواده ای مذهبی پرورش یافت. دوران مدرسه را با موفقیت به پایان رساند. تا پایان مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات درس خواند و سپس به ادامه تحصیل در دوره دکترا پرداخت.

او نیز مانند بسیاری از مردم در تظاهرات قبل انقلاب شرکت می کرد و برای پیروزی انقلاب می کوشید. پس از پیروزی انقلاب و با آغاز جنگ تحمیلی به عرصه مبارزه بازگشت. به عنوان بسیجی به جبهه رفت. مدت زیادی در جبهه بود و بر اثر بمباران شیمیایی و اصابت ترکش به سر دچار آسیب شد. تا پایان عمر گرفتار عوارض بمباران شیمیایی بود؛ به طوری که چند بار در سال بدنش تاول می زد و عفونت می کرد. روحانی، رئیس اداره مددکاری بنیاد شهید استان خراسان رضوی، مشاور استاندار در امور ایثارگران جنگ، فرمانده بسیج بجستان و خادم الشهدا بود. برای خدمت به خانواده شهدا از هیچ تلاشی غافل نمی شد. موازین قانونی و شرعی را رعایت می کرد و در حفظ بیت المال می کوشید.

سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد که ثمره آن سه دختر و یک پسر بود. علی رغم مسئولیت های زیاد از تربیت اسلامی فرزندان خود غافل نماند. بسیار مهربان، خوش خلق، صبور و مهمان نواز بود. وقتی از شهرستان برای او مهمان می رسید هر تلاشی لازم بود برای حل گرفتاری آنها انجام می داد. او که مددکاری دلسوز و با محبت در محیط کار بود، برای حل مشکلات اطرافیان خود نیز می کوشید.

در حل اختلافات خانوادگی و اجتماعی پیشقدم می شد. بسیار مورد مشورت قرار می گرفت و در امور ازدواج جوانان به عنوان بزرگتر کمک می کرد. سخنران حرم امام رضا^۷ بود و به امام حسین^۷ ارادت زیادی داشت. همیشه مشتاق زیارت حرم او بود و با شور و علاقه خاصی هر روز زیارت عاشورا می خواند.

در دوران بازنشستگی به کشاورزی و درخت کاری می پرداخت و در خانه کارهای مختلفی، از جمله برق کاری، نجاری و گچ کاری انجام می داد. برای زیارت

خانه خدا و انجام اعمال حج، راهی سفر شد. در طول سفر به همسفران و دیگر زائران خدمت می کرد. روحانی کاروان می گوید: «زمانی که به منا می رفتیم، به من گفت: بعضی از افرادی که اینجا هستند صورتشان بسیار نورانی است. چون همیشه شوخ طبع بود، فکر کردم مزاح می کند. چند نفر را هم نشان داد و پرسید مگر شما نمی بینید چقدر صورتشان نورانی شده است. بعد از فاجعه منا متوجه شدم کسانی را که نام برده بود، همه جزو شهدا بودند». دوم مهر ۱۳۹۴، در منا هنگام انجام اعمال حج به شهادت رسید. پیکر او را در بهشت رضای شهرستان زادگاهش به خاک سپردند. از این شهید بزرگوار دفتر شعری که سروده خود اوست، دلنوشته و تعدادی آثار صوتی سخنرانی باقی مانده است.

(منبع: فرهنگ اعلام شهدا: منا و مسجدالحرام)

دامغانی، فاطمه



یکم خرداد ۱۳۳۳ در روستای رودیان، از توابع شهرستان شاهرود، دیده به جهان گشود. پدرش ذبیح الله، کشاورزی می کرد و مادرش خدیجه نام داشت. خانه دار بود. ازدواج کرد و صاحب سه پسر و شش دختر شد. بیستم شهریور ۱۳۹۴ در مسجدالحرام بر اثر سانحه سقوط جرثقیل به شهادت رسید. پیکر او را در زادگاهش به خاک سپردند. همسرش علیرضا عامری نیز در این واقعه شهید شده است.

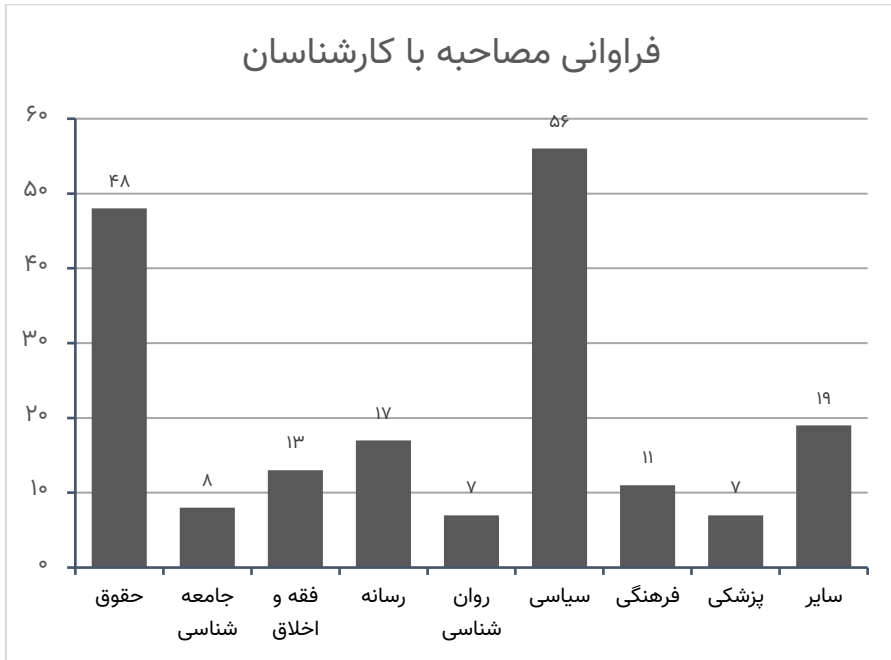
(منبع: فرهنگ اعلام شهدا: منا و مسجدالحرام)

دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها

مصاحبه با کارشناسان

بر اساس مطالعات انجام شده ۲۵۰ مصاحبه به دست آمد که با ۱۸۶ تن از متخصصان و کارشناسان امور مختلف درباره تحلیل و بررسی فاجعه منا صورت پذیرفته است.

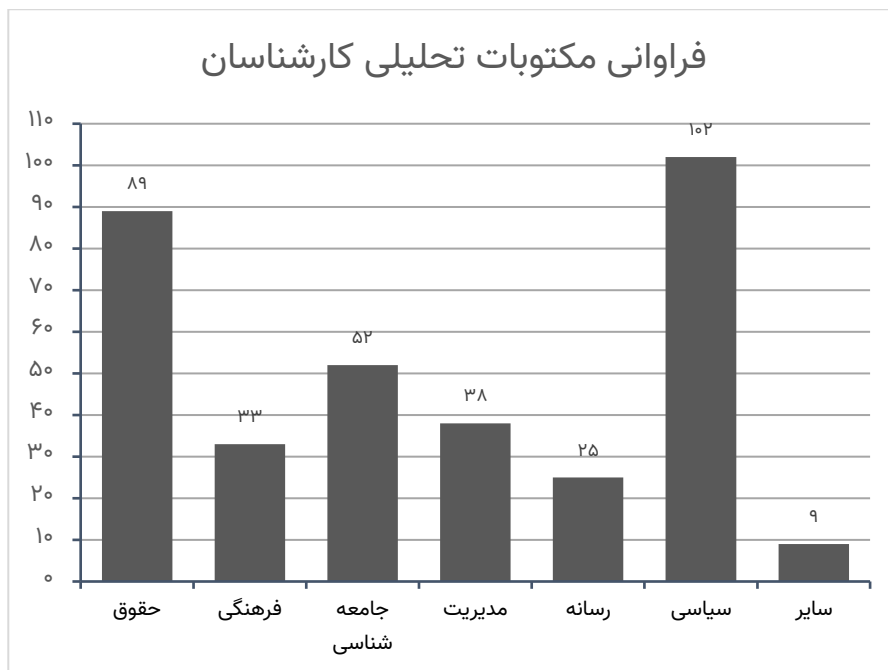
این کارشناسان در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فقهی، حقوقی، روانشناسی، فرهنگی، پزشکی و رسانه‌ای تلاش کرده‌اند ابعاد گوناگون حادثه را واکاوی کنند. متن این مصاحبه‌ها در مجموعه آثار فاجعه منا درج شده است.



مصاحبه‌های صورت گرفته با کارشناسان در صفحات ۲۵ تا ۴۶۶ جلد هشتم مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و تمام‌متن درج شده است.

نوشته‌های تحلیلی

پاره‌ای از تحلیلگران و کارشناسان حوزه‌های مختلف با نگرش یادداشت‌ها و مقالات تحلیلی تلاش کرده‌اند تا ابعاد این واقعه هولناک را واکاوی کنند. تعداد ۳۶۸ مورد از آنها در مجموعه آثار منا شناسایی و جمع‌آوری شده است. این نوشته‌ها بر اساس عناوین و به ترتیب الفبایی نظم یافته‌اند.



نوشته‌های تحلیلی کارشناسان در صفحات ۲۹ تا ۸۸۹ جلد نهم مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و تمام‌متن درج شده است.

نمونه‌ای از دیدگاه کارشناسان

حوادث و اتفاقات اخیر در مناسک حج امسال به ویژه فاجعه مصیبت بار منا و مجروح و کشته شدن جمعی از حجاج بیت الله الحرام، یک بار دیگر بی کفایتی و ناتوانی مقامات این کشور را در اداره حریمین شریفین به اثبات رساند و این حقیقت را برای افکار عمومی جهان آشکار ساخت که به دلیل بی تدبیری و اهمال کاری باید مدیریت حج را به مجمع کشورهای اسلامی سپرد تا امنیت جان زائران با مسئولیت جهانی به طور کامل تأمین شود.

متأسفانه ضعف مدیریت، مخدوش بودن برنامه ریزی دولت عربستان و نبود تدابیر لازم در خصوص امنیت جان زائران، که منجر به مجروح شدن و جان باختن

شمار زیادی از زائران خارجی شد، نشان می دهد کشور عربستان در بین کشورهای اسلامی و عربی متولی و میزبان خوبی برای اجرای بزرگ ترین مراسم دینی جهان نیست. همچنین رفتار متناقض و خارج از عرف بین المللی پلیس این کشور در نجات و امداد رسانی به مجروحان و کشته شدگان و برخورد غیر انسانی با امدادگران و پزشکان نیز بیانگر آن است که این کشور صلاحیت و لیاقت مدیریت حرمین شریفین و خادمی آن را ندارند...

در این زمینه اگر بخواهیم مقایسه ای داشته باشیم، می توان مناسک حج را با حضور زائران و سوگواران حسینی در کربلا مقایسه کرد. در ایام عاشورا و تاسوعای حسینی، میلیون ها نفر به کربلا می روند یا در اربعین شاهد حضور بیست میلیونی زائران هستیم؛ آن هم در کشوری که در بسیاری از استان ها و شهرهایش، گروه تروریستی داعش در حال جنگ هستند. [ولی] بدون آنکه کوچک ترین حادثه ای برای زائران اتفاق بیفتد یا خونی ریخته شود، این مراسم ها در نهایت امنیت کامل و به بهترین شکل برگزار می شود.^{۱۷}

طبق مقررات و موازین بین المللی هر دولتی با دادن روادید به اتباع دولت دیگر جهت ورود به آن کشور، تعهد می کند نسبت به افرادی که وارد کشور می شوند، رعایت موازین و مقررات را داشته و آنان را مشمول تبعیض های ناروا قرار نداده و جان، مال و آبروی افراد، مورد حمایت دولت پذیرنده باشد. بنابراین اگر دولتی به وظیفه خود عمل نکند، در واقع تعهد مسلم بین المللی خود را زیر پا گذاشته و این مسئولیت در ارتباط با مناسک دینی مثل حج، مضاعف می شود و

۱۷. عبدالرضا عزیزی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی

علاوه بر موازین و مقررات بین‌المللی، آموزه‌های دینی نیز مسئولیت دولت‌پذیرنده را بالا می‌برد.

بزرگ‌ترین و پرسابقه‌ترین مراسم مذهبی که امروز در دنیا انجام می‌شود، مناسک حج است و متأسفانه مشاهده می‌شود طی سال‌های مختلف، دولت عربستان در چند روزی که حجاج به منا و عرفات می‌روند، تقریباً هیچ وظیفه نظارتی را انجام نمی‌دهد و تقریباً هیچ نظمی بر مراسم حاکم نیست و این مسئله را در سال‌های مختلف شخصاً مشاهده کردم که با توجه به ازدحام جمعیت، با کوچک‌ترین حادثه‌ای، صدمات جانی و جسمی زیادی به زائران وارد می‌شود. لذا در این زمینه دولت عربستان از نظر موازین حقوقی و دینی مسئولیت داشته و بدون تردید خون حجاج شهید بر گردن مسئولان این کشور سنگینی می‌کند. اما مهم این است که چطور بتوان افراد مسئول را مورد پیگرد قانونی قرار داد. در این مورد متأسفانه در سطح بین‌المللی نقصان‌ها و کاستی‌های زیادی وجود دارد.

به طور کلی می‌توان گفت در خیلی از نهادهای بین‌المللی تنها با رضایت یک دولت می‌توان علیه آن دولت، در دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه شکایت کرد تا دعاوی علیه آن دولت اقامه شود. در مورد دیوان بین‌المللی کیفری نیز که جنبه کیفری داشته و در لاهه مستقر است، محدودیت‌های زیادی وجود دارد تا بتوان افراد را در آنجا تحت پیگرد کیفری قرار داد. البته در کنار این تمهیدات، امکان مراجعه به دادگاه‌های ایران و عربستان و به عنوان محل وقوع این جنایت، هم وجود دارد. اما چون مراجعه به دادگاه‌های عربستان به دلیل عدم استقلال خیلی بعید است، امکان منتج به نتیجه شدن نمی‌رود.

در دادگاه‌های ایران هم از سال ۱۳۹۲ در قانون مجازات اسلامی این اجازه داده شده که به تبع ایرانی بودن قربانیان جرم، علیه مرتکبین در دادگاه‌های ایران

بتوان شکایت کرد. البته قبل از این، ایرانی بودن قربانیان باعث صلاحیت یافتن دادگاه‌های ایران نمی‌شد. لذا از این جهت هم اکنون در دادگاه‌های ایران علیه کسانی که این مسئولیت را داشتند، می‌توان اقامه دعوا کرد و محکومیت آنان را به مجازات و دیه در نظر گرفت. اما به فرض اینکه چنین حکمی هم صادر شود، اینکه چگونه بشود چنین حکمی را علیه اتباع سعودی اجرا کرد، باز معضلات و مشکلات خاص خود را دارد.

بنابراین در اصل مسئولیت مسئولان و اتباع سعودی در مورد حادثه منا و همه حوادثی که طی این سال‌ها در ایام حج اتفاق افتاده، تردیدی وجود ندارد؛ اما از لحاظ اینکه بشود عملاً این مسئولیت را در جایی به رسمیت شناخت و به تبع آن ضمانت اجرایی علیه مرتکبان در نظر گرفت، متأسفانه مشکلات، کاستی‌ها و کمبودهای قابل توجهی وجود دارد.^{۱۸}

بر هیچکس پوشیده نیست که اتفاق دلخراشی که در منا رخ داده است، برای اولین بار نیست و چند بار دیگر این اتفاق در مراسم رمی جمرات سال‌های گذشته هم رخ داده و جان تعدادی از حجاج خانه خدا را گرفته است. به باور من باید به این موضوع دو نگاه داشت. نگاه اول نگاه فقهی است. با توجه به اینکه مراسم رمی جمرات بارها جان حجاج را به خطر انداخته است، لزوم این مسئله حس می‌شود که فقهای عالم اسلام، از شیعه تا سنی، در یک هم‌اندیشی تلاش کنند زمان و مکان این بخش از مناسک حج را گسترش دهند تا همه حجاجی که در منا هستند، با هم به رمی جمرات نروند و چنین ازدحامی باعث این گونه وقایع دلخراش نشود و چنین مراسم مهمی که نشانه وحدت مسلمانان و بزرگ‌ترین

تجمع و کنگره مسلمانان جهان محسوب می‌شود، با چنین حوادث دلخراشی تحت الشعاع قرار نگیرد.

اما نکته دوم بحث بی‌کفایتی و سوء مدیریت مقامات عربستانی است. شکی نیست که عدم مدیریت مقامات سعودی و ناتوانی در مدیریت خوب و مناسب در این واقعه دخیل بوده است و سعودی‌ها میزبانان خوبی برای مهمانان خانه خدا نبودند و باید در مقابل چنین حوادث دلخراشی پاسخگو و مسئولیت‌پذیر باشند. اما از سوی دیگر باید حواسمان باشد که با رفتارهای افراطی و نفرت‌پراکنی، وضعیت آشفته این روزها را به هم ریخته‌تر نکنیم...

به عقیده من واکنش رهبری و وزارت امور خارجه و همچنین واکنش اولیه رئیس‌جمهور بسیار مناسب و زیبنده دولت جمهوری اسلامی بود. قطعاً تدبیر و عقلانیت و مسیر درست و دور از افراط می‌تواند موضع جمهوری اسلامی را قوی‌تر کند و سعودی‌ها را وادار کند تا پاسخگوی چنین بی‌کفایتی و سوء مدیریتی باشند.^{۱۹}

مناسک حج که با هدف قرب به خدای متعال و گسل‌زدایی از بنیان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام و بسترسازی برای همبستگی و تحکیم وحدت و اقتدار مسلمانان تشریع شده، از مهندسی حکمت‌آمیزی برخوردار است. فراخوان مسلمانان توانمند از گوشه و کنار جهان در یک مکان و زمان برای اعمالی واحد و مشترک و نمادین، علی‌رغم همه دشواری‌های طی کردن مسیرهای دور، و وجوب آن، نشانه‌ای از فلسفه مهم بزرگ‌ترین رویداد سالانه جامعه انسانی در کره خاکی است. این همایش بی‌نظیر به همان اندازه که روح امید و بالندگی را

برای مسلمانان به ارمغان می‌آورد، برای جبهه کفر و استکبار نماد قدرت رو به گسترش اسلام و اراده رهبری آینده جهان، و منشأ دغدغه و نگرانی است و لذا همواره در اندیشه مقابله با آن است؛ البته به گونه‌ای که موجب هوشیاری و اعتراض مسلمانان نگردد.

خشم آمریکا از این اجتماع بزرگ یک بار در اظهارات گاسپار واینبرگر، وزیر دفاع اسبق آمریکا که خواهان انهدام کعبه و توقف اجتماع سالانه مسلمانان در مناسک حج شده بود را همچنان از خاطر نبرده‌ایم. اگرچه در همان زمان به خاطر اظهار علنی این موضع و آشکار کردن مکنونات قلبی شان از سوی کاخ سفید مورد سرزنش واقع شد، اما همچنان سازوکارهایی برای از بین بردن تأثیر سیاسی و اجتماعی مناسک حج و بسنده کردن به اجرای شکلی آن و ایجاد تردید در مسلمانان جهان و کاهش انگیزه برای سفر حج از طریق مانع‌تراشی و حاشیه‌پردازی‌های ایدئولوژیک، به این کشور دیکته شده است که بعضی از نشانه‌ها و آثار آن قابل ذکر است؛ مثل:

- کاهش هرچندگاه سهمیه کشورهای مختلف در اعزام حجاج، به بهانه عملیات توسعه حرم یا سرانه جمعیت؛
- مخالفت با عزیمت حجاج بعضی از کشورها مثل عراق در سال‌های گذشته یا یمن در سال جاری؛

- مخالفت با اجرای مناسک قرآنی برائت از مشرکان در مکه؛

- افزایش غیر متعارف هزینه اقامت در هتل‌ها و سرویس‌های حمل و نقل (منسوب به برخی از شاهزادگان) و نرخ صدور روادید و... و اقدام معکوس رفاهی و کاهش کیفیت خدمات؛

- رفتار بسیار خشن و توهین آمیز پلیس و مأموران لباس شخصی با زائران خانه خدا از کشورهای مختلف و ضرب و شتم همراه با دشنام و تحقیر آنان در مسجدالحرام و مسجدالنبی و در انظار عموم به بهانه‌های واهی و به خاطر مسائلی جزئی؛

- تعرض و مزاحمت برای زائران خانه خدا و نوامیس آنان توسط عواملی که از جانب پلیس و دستگاه قضایی محلی، حاشیه امن برای آنان تعریف شده (و لذا به کار خود ادامه داده‌اند!) و مواردی هم از طرف پلیس عربستان، مثل حادثه‌ای که در فرودگاه جده اتفاق افتاد؛

- بسط ید سارقان (و جیب‌برها) در مسجدالحرام و مناسک رمی جمرات و عدم اقدام پیشگیرانه جدی از سوی پلیس و تداوم این مسئله در سال‌های متمادی؛
- تکفیر حجاج به خاطر ابراز مودت به اولیای الهی و اهل بیت پیامبر اکرم سلام الله علیهم اجمعین؛

- صحنه پردازی برای مسلمانان مخالف وهابیت در اطراف حجرالأسود و دستگیری به اتهام تعرض به حریم دیگران و شاهدتراشی از بین عوامل وهابی برای تکمیل مقدمات صدور رأی قاضی و محکومیت آنان به حبس و تعزیر؛
- دستگیری و حبس هر ساله تعداد قابل توجهی از حجاج به دلایل پاسخگویی به شبهه افکنی اعتقادی و تحریف حقایق عوامل وهابی در بقیع؛

- بسط ید عوامل وهابی در تعرض گروهی و توهین به روحانیون بعضی از کشورها در مسجدالنبی و برداشتن عمامه آنها و تصویربرداری از این اقدام و قرار دادن آن در اینترنت؛

- رفتار توهین آمیز در فرودگاه جده نسبت به زائران خانه خدا از قبیل تشکیل صفوف طولانی و تأخیر عمدی در گردش کار و تشریفات ورود و خروج حجاج

و پرواز هواپیماها و معطل‌سازی در ساعات متمادی و کوتاهی در خدمات فرودگاهی از جمله تعیین محل‌های استقرار غیر ایمن که نمونه‌ای از آن، ورود یک کامیون به محل استقرار زائران در سال‌های گذشته و مجروح شدن تعداد زیادی از آنان است؛

- توهین آشکار به معتقدات مذاهب اسلامی و تکفیر آنان در متن‌های رسمی حکومتی که برای خطبه‌های نماز جمعه در مسجدالحرام و مسجدالنبی تهیه، و توسط خطیب قرائت می‌گردد.

بدیهی است چنین اجتماع بزرگ و بی‌نظیری برای دستیابی به اهداف خود نیازمند امنیت و انضباطی فراگیر و همه‌جانبه است تا این مراسم سیاسی و معنوی، در عالیت‌ترین شکل خود برگزار، و به انجام برسد. احکام فقهی مناسک حج به همین دلیل از گستردگی، تنوع، پیچیدگی و صلابت برخوردار است و در برابر افراد سهل‌انگار و بی‌توجه نسبت به حدود الهی انعطاف ندارد و البته نسبت به کسانی که بخواهند از روی عمد حریم آن را بشکنند، واکنش جدی نشان می‌دهد...

سرزمین منا بار دیگر قربانگاه زائران حرم امن الهی شده است. میزبان و مأمورانش با خاطری آسوده، تماشاگر صحنه‌های غم‌انگیز و تأسفار جان‌باختن آنان می‌شوند و محاصره را کامل، و از کمک امدادگران نیز جلوگیری می‌شود تا مأموریت خود را در ایجاد وحشت و ناامن‌سازی حرم امن خدا و نقض حدود الهی به انجام رسانده باشند.

بر اساس پیام آیه شریف ۹۵ سوره مائده، ناامن‌سازی عمدی حرم الهی انتقام حتمی الهی را در پی دارد و بر اساس آیه ۳۱ سوره رعد (ان الله لا یخلف المیعاد) خداوند خلاف وعده عمل نمی‌کند.^{۲۰}

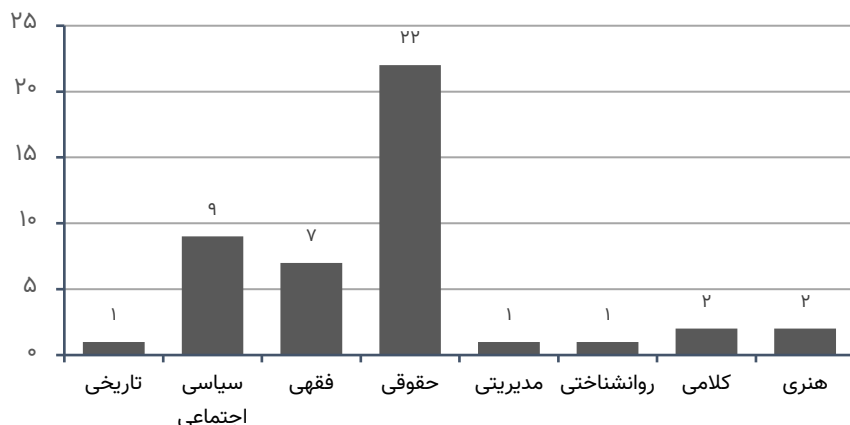
مکتوبات علمی و هنری

مقالات علمی و پژوهشی

بخشی از محتوای تولید شده در ارتباط با «فاجعه منا» تحقیقات علمی و پژوهشی است. بسیاری از محققان و پژوهشگران علوم مختلف پس از این واقعه دست به قلم شده و دیدگاه‌های علمی خود را در قالب مقالات پژوهشی در نشریات علمی منتشر کردند.

با بررسی‌های صورت گرفته ۴۶ مقاله و تحلیل علمی شناسایی و گردآوری و در هشت دسته طبقه‌بندی شده است؛ بررسی‌های تاریخی، بررسی‌های سیاسی اجتماعی، بررسی‌های فقهی، بررسی‌های حقوقی، بررسی‌های مدیریتی، بررسی‌های روان‌شناختی، بررسی‌های کلامی و بررسی‌های هنری.

فراوانی موضوعی مقالات علمی و پژوهشی

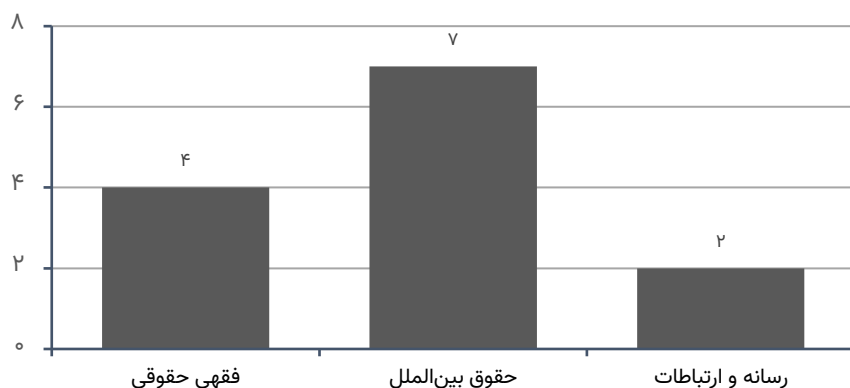


مقالات علمی و پژوهشی جمع‌آوری شده در صفحات ۱۷ تا ۸۸۲ جلد سیزدهم مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و تمام‌متن درج شده است.

پایان‌نامه‌های دانشگاهی

تماس‌ها و نامه‌نگاری‌های پژوهشکده حج و زیارت با دانشگاه‌های سراسر کشور به شناسایی و جمع‌آوری متن کامل ۱۳ پایان‌نامه منجر شد که در ارتباط با این حادثه تولید شده‌اند.

فراوانی موضوعی پایان‌نامه‌های دانشگاهی



عناوین پایان‌نامه‌ها

۱. بررسی فقهی حقوقی فاجعه منا
۲. بررسی مسئولیت فقهی و حقوقی دولت عربستان در قبال حادثه منا ۱۳۹۴
۳. بررسی مسئولیت فقهی و حقوقی عربستان نسبت به جانباختگان ایرانی فاجعه منا
۴. بررسی فقهی و حقوقی فاجعه‌ی منا در حج تمتع
۵. مسئولیت دولت میزبان در قبال حقوق بنیادین زائران با تاکید بر مراسم حج و عمره
۶. تحلیل ظرفیت‌های تعقیب کیفری حادثه‌ی منا در دادگاه‌های داخلی
۷. ظرفیت‌های تعقیب کیفری داخلی و بین‌المللی حادثه منا
۸. بررسی ابعاد حقوقی صلاحیت منفعل - مطالعه موردی: حادثه منا
۹. مسئولیت مدنی بین‌المللی دولت در برابر اتباع بیگانه با ارجاع به حادثه منا
۱۰. حمایت از حجاج از دیدگاه حقوق بین‌الملل با تاکید بر فاجعه منا
۱۱. مسئولیت دولت عربستان در مقابل فاجعه منا
۱۲. تحلیل گفتمان اخبار بی‌بی‌سی فارسی و شبکه خبر ج.ا.ا. درباره حادثه منا
۱۳. مقایسه بازنمایی عملکرد خبرگزاری‌های داخلی و خارجی در حادثه منا - مطالعه موردی ایسنا، واس و بی‌بی‌سی فارسی

تمامی پایان‌نامه‌ها در صفحات ۱۵ تا ۷۰۴ جلد چهاردهم، صفحات ۱۵ تا ۵۶۳ جلد پانزدهم و صفحات ۱۵ تا ۹۹۹ جلد شانزدهم مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و تمام‌متن، اما تصویری (افست) درج شده است.

اشعار و دل‌نوشته‌ها

شعرا و نویسندگان ادبی همچون دیگر آحاد ملت تحت تأثیر مصیبت و داغی که فاجعه منا بر دل هر انسان آزاده‌ای می‌نهد، احساسات، عواطف و اعتراض‌های

خود نسبت به این بی‌کفایتی را در قالب سرودن اشعار و نوشتن متون ادبی بیان کرده و آشکار ساختند.

در مسیر تولید مجموعه آثار منا، آنچه از این اشعار و متون ادبی به دست آمد؛ چه از طریق منابع مکتوب و چه نشر در فضای مجازی، همگی گردآوری و ثبت شده است.

نمونه‌هایی از اشعار

آشوب منا سهمیه فریادت
هیپات که خون مسلمین جوش آید
موجی‌ست که از پی بگند بنیادت
ضحاک سعودی نرود از یادت^{۲۱}

از سفر نیامدی	مادرم دلش شکست
عید شد به جای شوق	غصه بر دلش نشست
روضه‌های مادرم	بوی یاس می‌دهد
با دعای یاحسین	سمت کوچه می‌دود
توی کوچه عکس توست	توی کوچه صد چراغ
مادرم نشسته است	در کنار چلچراغ
منتظر نشسته است	از سفر نیامدی
دیر کرده‌ای چرا؟	ای گل محمدی ^{۲۲}

ای شهیدی که عجین نام تو با خاک مناست
خون دل اهل ولا از غم فقدان شماس

چشم بگشا و بین از غمتان دلتنگیم
بهر دلداری خود با دلمان می‌جنگیم

رمضان آمده برخیز که جایت خالی‌ست
بر سر سفره فقط عکس تو روی قالی‌ست

لختی از جنت حق إذن سفر گیر و بیا
سوی ما خاک‌نشینان ز ره مهر و وفا

۲۱. زهرا ابراهیمی خیبر

۲۲. حدیث امیری

گو چه خواندی به شب قدر که مَحرم گشتی
مَحرم راز شهیدان مُحَرَّم گشتی

تشنه لب حالت احرام سوی رمی عدو
راه بستند چه رخ داد بیا خود تو بگو

شرح هجرت نتوان گفت به صد قال و مقال
خود صبوری بطلب بهر من بی پر و بال

تو که مهران حسین شاه شهیدان شده‌ای
دست ما گیر که از جمله شفیعان شده‌ای

در قنوت بطلب یاور مهدی باشیم
عاشق صادق و خوش سیرت و عهدی باشیم

با زبان دلمان مثل تو از عمق وجود
وصلش این گونه بخواهیم که ای مرکز جود

کاش در این رمضان لایق دیدار شویم
سحری با نظر لطف تو بیدار شویم^{۲۳}

زخم بزن حنجره تار را زخم به دنیای غزل ریخته
مرگ در اندام گلی ناگزیر زهر به کندوی عسل ریخته

خواب ربوده‌ست نماز مرا چهل عَلم ساخته راز مرا
مأذنه در بُهت شد و هیبت حیّ علی خیر عمل ریخته
نظم فلک شعر شیاطین شده قطب زمین کافر و بی‌دین شده
حرمت خورشید چه آسان شکست آبروی ماه و زحل ریخته

کعبه دچار خفقانی‌ست سهم قلبِ مِنا از حرکت ایستاد
باد پریشان شد و اندوه از وا شدن دست اجل ریخته

آینه بر آینه بر آینه ریگ پشیمان شده از بودنش
شرم شبیه شب من شوربخت از تن بیمار غزل ریخته^{۲۴}

۲۳. هادی ایزدپناهی

۲۴. حامد صافی مهر

نمونه‌های دل‌نوشته

چهار روز می‌گذشت و تو هنوز به کاروان برنگشته بودی. نذر کردم اگر سالم سالم پیدایت کنم، همان‌جا یک شتر جلوی پایت بزنم زمین.

روز پنجم پیدایت کردم که کنار چند نفر دیگر دراز کشیده بودی و دور و برت یخ ریخته بودند. پارچه احرام را از روی صورتت کنار زدم، سالم سالم بودی.^{۲۵}

اولاً جلسه را به هم زن. ثانیاً چرا برای شما دست بزنیم؟ آگه شما آمریکایی‌ها در هفت سال با بمب و موشک دو هزار مسلمان افغانی را به درک فرستادید، ما اسرائیلی‌ها در پنج‌سال، سه هزار مسلمان فلسطینی را با اسلحه به قتل رساندیم. پس باید برای ما دست بزنید.

اصلاً باید ما انگلیسی‌ها را تشویق کرد که در سال، کمتر از هزار مسلمان نمی‌کشیم.

وهابی، دست به ریش‌هایش کشید: دعوا نکنید! باید ما وهابی‌های عربستان را تشویق کرد که در سه ساعت، هفت هزار مسلمان را بدون بمب و گلوله در منا کشتیم.

صدای تشویق‌ها بلند شد.^{۲۶}

در اثر فشار جمعیت بچه شش‌ماهه‌اش به دنیا آمد و زنش مرد. در فرودگاه، شرطه با لهجه عربی به فارسی گفت: عکس این بچه در پاسپورت نیست، اسمش چیست؟

۲۵. میلاد در منا، ص ۳۲۷

۲۶. حسن رحیمی مقدم

مرد گفت: میلاد.

شرطه لبخندی زد: کجا به دنیا اومده؟

مرد آهی کشید و گفت: در منا. ۲۷

باران آفتاب بر سر و رویت می بارد. عطش راه نفس را بسته است. دورتادورت پر از چشم‌های مضطربی است که حتی نای نگاه کردن ندارند. از لای همین پلک‌های بی‌رمق به آن‌ها چشم می‌دوزی. پشت تمام خستگی‌ها، تشنگی‌ها و اضطراب‌ها هنوز برق امید می‌درخشد. نگاهشان می‌کنی. دختر پنج‌ساله‌ای را می‌بینی که نقاشی پدر را با لباس سفید کنار مربعی مشکی می‌کشد. نگاهشان می‌کنی، پسری مقابل چشمت ظاهر می‌شود که بالای چهارپایه‌ای ایستاده پارچه «حجکم مقبول و سعیکم مشکورا» را بر سر در خانه نصب می‌کند. نگاهشان می‌کنی. همسر چشم به راهی را می‌بینی که لحظه‌شماری می‌کند تا مسافرش از در بیاید.

تمام تلاشت را می‌کنی که از پای نیافتی. به عینه می‌بینی که حاجیان مثل برگ خزان بر زمین می‌افتند. افتادنی که هیچ برخاستنی را در پی ندارد. نفس‌هایت به شماره می‌افتد. از هر طرف صدای ناله می‌شنوی. چهره تک‌تک اعضای خانواده و دوستان از پیش چشمانت رژه می‌روند. لبه‌ایت، گلویت، تمام جانت خنکای یک جرعه آب را فریاد می‌زنند. اما دریغ از قطره‌های یاری. دریغ از ذره‌ای رهایی.

شوری عاشورایی را در بندبند اعضایت حسّ می‌کنی. یاد کربلا آرامت می‌کند. ثانیه‌های آخرت با لبخند عجین می‌شوند. در اوج التهاب آرامی. آرام از شبیه او شدن و مانند او رفتن.

رایحه شباهت جانت را به خنکایی لذّت‌بخش مهمان می‌کند. پلک‌هایت روی هم می‌افتند، افتادنی که هیچ برخاستنی را به دنبال ندارد.^{۲۸}

عاشق موهای دخترک بود. هر شب دست‌های پینه‌بسته‌اش موهای نرم و بلندی دخترک را شانه می‌زد و می‌بافت و او میان دست‌هایش به خواب می‌رفت. پدر که از حج بازگشت دخترک موهایش را برای همیشه کوتاه کرد، برای همیشه.^{۲۹}

معلم دینی مدرسه وقتی می‌خواست از قربانی بگوید، با گچ سفیدی روی تخته‌سیاه عکسی از حادثه منا می‌کشید.^{۳۰}

لباس احرام، حلقه ازدواج، آلبوم دونفره، چند بسته شمع، یک قبر خالی تازه آب خورده، یک دنیا خاطره، بغض و تنهایی، تمام دارایی مرد بود.^{۳۱}

آخرین روز حج قرار بود مثل ابراهیم بروند شیطان را سنگ بزنند. داغی آفتاب سر صبح و تشنگی، خیابان ۲۰۴ منا برای خودش صحرای کربلایی شده بود. آرزو

۲۸. فائزه زرافشان

۲۹. فاطمه صدیقی

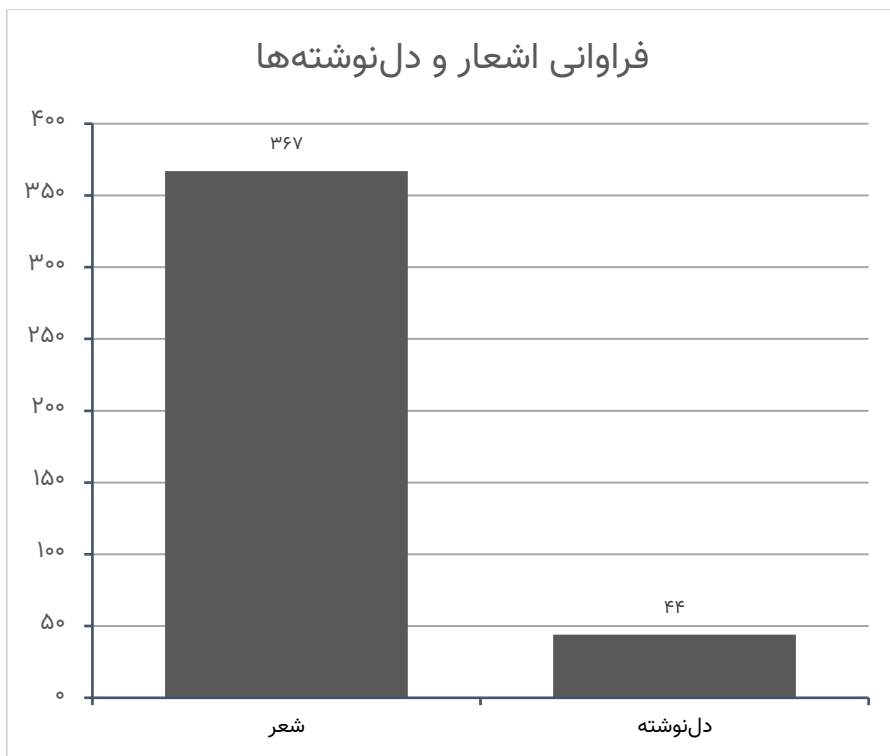
۳۰. میلاد در منی، ص ۳۲۱

۳۱. همان، ص ۳۲۳

کرد کاش جوان‌تر بود و طاقتش بیشتر. با بی‌حالی چشم گرداند تا پسرش را ببیند. یکدفعه حس کرد روی هواست.

- نترس بابا. منم. محکم نگهت داشتم. بچسب به نرده‌ها و برو بالا. نرده‌ها را به زحمت گرفت و سرش را برگرداند. جمعیت محاصره شده بین نرده‌ها دنبال راهی برای نفس کشیدن و رهایی می‌گشت. یک لحظه پسرش را از آن بالا دید. دستش را به طرف او دراز کرد، پسر لبخند کمرنگی زد و لابه‌لای هجوم جمعیت محو شد.

دلش لرزید. نمی‌دانست قرار است مثل ابراهیم پسرش را به قربانگاه بیاورد. صدایی از سال‌ها پیش توی گوشش پیچید: باباجون، یعنی اسماعیل هم راضی بود که به خاطر باباش قربونی بشه؟!۳۲



اشعار و دل‌نوشته‌های ادبی در صفحات ۳۹ تا ۳۴۴ جلد هفدهم مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل و تمام‌متن درج شده است.

گزارش تصویری

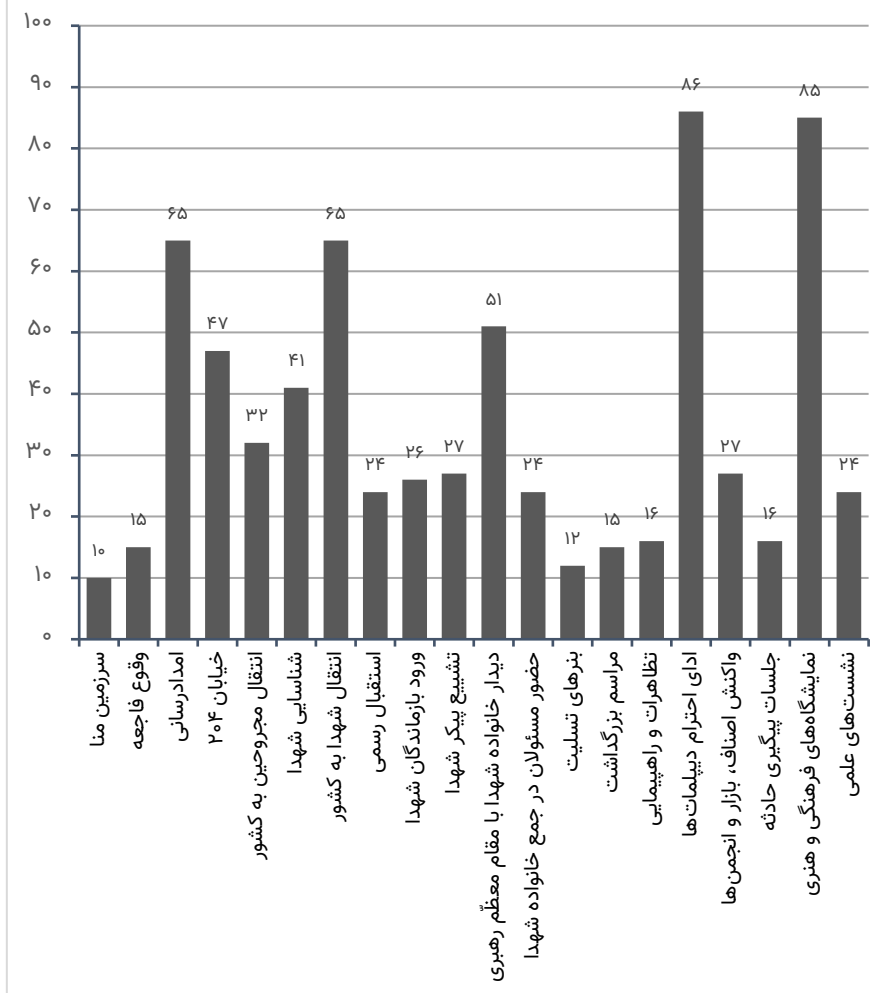
آخرین جلد از «مجموعه آثار فاجعه منا» حاوی گزارش تصویری از رویدادها و حوادث مربوط به این حادثه مؤلمه است.

این عکس‌ها و تصاویر بسیاری از حالات و وضعیت‌های فاجعه منا را نشان می‌دهد؛ سرزمین منا، لحظه وقوع حادثه، امدادرسانی، وضعیت مجروحان، انتقال پیکرهای شهدا و مراسم‌های برگزار شده؛ استقبال، تشییع، ترحیم، یادبود، تظاهرات و راهپیمایی‌های اعتراضی، همایش‌ها، دلجویی مسئولان از خانواده شهدا.

قریب به ۱۶۰۰ قطعه عکس از پایگاه‌های اینترنتی خبرگزاری‌های رسمی کشور گردآوری و در قالب بیست سرفصل دسته‌بندی شده است.

گزارش‌های تصویری در صفحات ۱۹ تا ۹۰۳ جلد هجدهم مجموعه آثار فاجعه منا به صورت کامل درج شده است.

فراوانی گزارش‌های تصویری



نمونه‌هایی از تصاویر











خاتمه

علّت قریب این اتفاق هر چه که بود، علّت بعید آن چیزی فراتر از یک اهمال یا کم‌کاری است. نه اولین بار است که این دولت میزبان حج است و نه اولین بار است که با این تعداد زائر روبه‌رو می‌شود و نه اولین بار است که این دمای هوا را تجربه می‌کند! متأسفانه اولین بار هم نیست که فجایع این‌چنینی در این مراسم رخ می‌دهد. تکرار این حوادث نشان از عمق بحران می‌دهد.

حقیقتاً فاجعه منا جنایتی علیه بشریت است. لذا نهادهای بین‌المللی بایستی وارد میدان می‌شدند، چرا که «حقوق بشر» به عریان‌ترین حالت نقض شده است. در این واقعه می‌بایست فریاد «دیده‌بان حقوق بشر» از تمامی فریادها بلندتر می‌بود. فارغ از وظایفی که دستگاه دیپلماسی کشور داشته و دارد، برای پیگیری هزینه‌هایی که این فاجعه برای مردم ما داشته است، با توجه به این‌که حدود یک پنجم آسیب‌دیدگان ایرانی بوده‌اند، کار فرهنگی نباید فراموش شده و دست کم انگاشته شود.

وظیفه هر انسان آزاده و آگاهی است که در راستای تنویر افکار عمومی و برای از یاد نرفتن این فاجعه هر چه در توان دارد به کار بندند؛ اندیشمندان با

نگارش متون علمی، مقالات و کتب، دانشجویان و اساتید دانشگاه و حوزه با تلاش برای تدوین پایان‌نامه‌هایی با موضوعات مرتبط، هنرمندان با تولید آثار تأثیرگذار و ماندگار، مردم نیز با برگزاری سالگردها و توجه و مراقبت از خانواده قربانیان و شهدا.^{۳۳}

هیچ کس نمی‌تواند انکار کند این واقعیت را که مسبب این حادثه بدون تردید بایستی پاسخگوی رفتار اشتباه خود نسبت به مراکز رسمی باشند. اما این رافع وظیفه و تکلیفی که تک‌تک ما بر عهده داریم نیست. هم نهادهای دولتی و هم نهادهای مردمی، همگی برای برنامه‌ریزی و ارتقای همکاری برای ممانعت از بروز دوباره چنین حوادثی باید فعالیت کنند.^{۳۴}

مجموع روایات و استنادات شاهدان عینی، دو رویکرد بدبینانه و خوش‌بینانه را به وجود آورده است:

رویکرد بدبینانه این است که فعل مأموران دولتی عربستان مبنی بر انسداد درهای خروجی اصلی برای عبور کاروان امنیتی، موجب این فاجعه شده و چون مأموران وابستگان دولت هستند و فعل آنها فعل دولت محسوب می‌شود، پس دولت عربستان مرتکب عمل خلاف تعهدات بین‌المللی شده است و این عمل نیز واجد شرط انتساب به دولت این کشور است.

رویکرد خوش‌بینانه این است که ترک فعل عربستان - یعنی عدم توجه به مراقبت‌های امنیتی، عدم ارائه تسهیلات بهداشتی، عدم ارائه و برگزاری توأم با امنیت اعمال حج - منجر به این حادثه شده است. در این حالت عنصر معنوی فعل

۳۳. برگرفته از یادداشت حامد و کیلی، روزنامه ابتکار، ۷ مهر ۱۳۹۴

۳۴. برگرفته از یادداشت روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ مهر ۱۳۹۴

خلاف حقوق بین‌المللی حضور ندارد، یعنی نیت و قصدی برای ارتکاب وجود نداشته است.^{۳۵}

آنچه مهم است جلوگیری از این دست اتفاقات است. هنگامی که میزبان توان مدیریت کافی برای اداره مناسک را ندارد، لازم است بعثه و سازمان حج و اوقاف واحدهایی را به صورت ویژه برای یاری رساندن به مسئولین کشور میزبان تدارک ببینند و تأسیس کنند.

نیروهای با تجربه و متخصص ایرانی که سال‌ها سابقه حضور در کاروان‌های حج را داشته‌اند می‌توانند این فرصت را پدید آورند که حجّاج بیت‌الله الحرام با سهولت و امنیت بیشتری این مناسک معنوی و روحانی را به انجام رسانند. قطعاً با رایزنی‌های سیاسی با نهادهای مسئول در کشور عربستان سعودی می‌توان راه را برای همکاری‌های بیشتر هموار کرد. این‌بار اگر قرار به بستن راهی باشد، حضور انتظامی و اطلاعاتی عناصر ایرانی امکانی پدید خواهد آورد تا با اطلاع‌رسانی به موقع و ایجاد مسیرهای جایگزین و تأمین نیازمندی‌های به موقع حجّاج این نوع مشکلات بروز نکند.

